

اشعیا

نقل قولهایی که در عهد جدید از کتاب اشعیا شده، بیش از مجموع نقل قولهایی است که از سایر کتب عهد عتیق در عهد جدید شده است. اشعیا هفتصد سال پیش از مسیح می‌زیسته و بیش از هر نبی دیگری به ظهور مسیح موعود توجه داشته است.

کتاب اشعیا اساساً به منظور هشدار دادن به قوم اسرائیل نوشته شده است. خداوند از قوم اسرائیل می‌خواهد که از کارهای قبیح و گناه‌آلود خویش دست بردارند و بسوی او بازگشت نمایند. موضوع دیگر کتاب اشعیا ظهور مسیح است و نتایج این ظهور که عبارتست از بخشش گناهان، تسلی و امید.

اشعیا با مهارت خاص ادبی، گناهان مردم زمان خویش را توصیف می‌نماید: «گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را می‌شناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارد و خدای خود را نمی‌شناسد.» اشعیا خداوند را به عنوان خالق، قادر مطلق و دانای کل معرفی می‌کند که در عین حال قوم خود را عمیقاً دوست دارد و مایل است با آنان مصاحبت داشته باشد. احتمالاً مهمترین فصل این کتاب، فصل پنجاه و سه است، که در آن خدمت و زحمات مسیح با زبانی بسیار گویا توصیف شده است.

آنها را بخیه نزده و مرهم نمالیده است. ^۷ ای قوم اسرائیل، سرزمینتان ویران گشته و شهرهایتان به آتش کشیده شده است. بیگانگان هر چه را که می‌بینند، در برابر چشمانتان به غارت می‌برند و نابود می‌کنند. ^۸ اورشلیم همچون کلبه‌ای در مزرعه و مانند سایبانی در جالیز، بی دفاع و تنها مانده است.

^۹ اگر خداوند قادر متعال به داد قوم ما نمی‌رسید این عده کم نیز از ما باقی نمی‌ماند و اورشلیم مثل شهرهای سدوم و عموره بکلی از بین می‌رفت.

^{۱۰} ای حاکمان و ای مردم اورشلیم که چون اهالی سدوم و عموره فاسد هستید، به کلام خداوند گوش دهید. ^{۱۱} او می‌فرماید: «از قربانی‌های شما بیزارم. دیگر آنها را به حضور من نیاورید. قوچه‌های فریه شما رانمی‌خواهم. دیگر مایل نیستم خون گاوها و بره‌ها و بزغاله‌ها را ببینم. ^{۱۲} چه کسی از شما خواسته که وقتی به حضور من می‌آیید این قربانی‌ها را با خود بیاورید؟ چه کسی به شما اجازه داده که این چنین آستان خانه مرا پایمال کنید؟ ^{۱۳} دیگر این هدایای باطل را نیاورید. من از بخوری که می‌سوزانید نفرت دارم و از

این کتاب شامل پیامهایی است که خدا در دوران سلطنت عزیا و یوتام و آحاز و حزقیا، پادشاهان سرزمین یهودا، در عالم رؤیا به اشعیا پسر آموص داد. این پیامها دربارهٔ یهودا و پایتخت آن اورشلیم است.

یاغیگری قوم اسرائیل

^۲ ای آسمان و زمین، به آنچه خداوند می‌فرماید گوش کنید: «فرزندانی که بزرگ کرده‌ام برضد من برخاسته‌اند. ^۳ گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را می‌شناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارد و خدای خود را نمی‌شناسد.»

^۴ وای بر شما قوم گناهکار که پشتتان زیر بار گناهانتان خم شده است. وای بر شما مردم شرور و فاسد که از خداوند مقدس بنی اسرائیل رو گردانده و او را ترک گفته‌اید. ^۵ چرا از گناهان خود دست بر نمی‌دارید؟ آیا به اندازه کافی مجازات نشده‌اید؟ ای اسرائیل، فکر و دلت تمام بیمار است. ^۶ از سرتاپا مجروح و مضروب هستی؛ جای سالم در بدنت نمانده است. زخم‌هایت باز مانده و عفونی شده، کسی

کنند نابود خواهد کرد.

^{۲۹} شما از بت پرستی خود در زیر درختان بلوط باغهایتان پشیمان خواهید شد،^{۳۰} و مانند بلوطی خشک و باغی بی آب، از بین خواهید رفت.
^{۳۱} زورمندانتان با اعمالشان مانند کاه در آتش خواهند سوخت و کسی قادر نخواهد بود آنها را نجات دهد.

صلح پایدار

۲ پیغام دیگری درباره سرزمین یهودا و شهر اورشلیم از جانب خداوند به اشعیا پسر آموص رسید:

^۲ در روزهای آخر، کوهی که خانه خداوند بر آن قرار دارد، بلندترین قله دنیا محسوب خواهد شد و مردم از سرزمینهای مختلف به آنجا روانه خواهند گردید.^۳ آنان خواهند گفت: «بیا بید به کوه خداوند که خانه خدای اسرائیل بر آن قرار دارد برویم تا او قوانین خود را به ما یاد دهد و ما آنها را اطاعت کنیم. زیرا خداوند دستورات خود را در اورشلیم صادر می کند.»

^۴ خداوند به جنگهای بین قومها خاتمه خواهد داد و آنان شمشیرهای خود را به گاو آهن و نیزه های خویش را به اره تبدیل خواهند کرد. قومهای دنیا دیگر در فکر جنگ با یکدیگر نخواهند بود.
^۵ ای نسل یعقوب بیا بید در نور خداوند راه برویم!

تکبر انسان نابود می شود

^۶ خداوند به این علت قوم اسرائیل را ترک کرده است که سرزمین ایشان از جادوگری شرقی ها و فلسطینی ها پر شده و مردم رسوم اجنبی ها را بجا می آورند.^۷ اسرائیل از گنجهای طلا و نقره، و از اسبها و عرابه ها^۸ و بهایی که بدست انسان ساخته شده، پر گشته است. مردم اسرائیل بتها را پرستش می کنند^۹ و کوچک و بزرگ جلو آنها زانو می زنند. خدا این گناه ایشان را نخواهد بخشید.

^{۱۰} مردم از ترس خداوند و هیبت حضور او به درون غارها و شکاف صخره ها خواهند خزید و خود را در خاک پنهان خواهند کرد.^{۱۱} روزی خواهد

اجتماعات مذهبی و مراسمی که در اول ماه و در روز سبت بجا می آورید بیزارم. نمی توانم این اجتماعات گناه آلود را تحمل کنم.^{۱۲} از همه آنها متنفرم و تحمل دیدن هیچکدام را ندارم.^{۱۵} هرگاه دستهایتان را بسوی آسمان دراز کنید، روی خود را از شما برخواهم گرداند و چون دعای بسیار کنید، اجابت نخواهم نمود؛ زیرا دستهای شما به خون آلوده است.

^{۱۶} «خود را بشوید و طاهر شوید! گناهانی را که در حضور من مرتکب شده اید از خود دور کنید.
^{۱۷} نسیکوکاری را بیاموزید و با انصاف باشید. به مظلومان و یتیمان و بیوه زنان کمک کنید.»

^{۱۸} خداوند می فرماید: «بحث و جدل من با شما این است: اگر چه لکه های گناهانتان به سرخی خون است، اما من آنها را مانند پشم پاک می کنم و شما را همچون برف سفید می سازم!^{۱۹} کافی است مرا اطاعت کنید تا شما را از محصول زمین سیر کنم.
^{۲۰} اما اگر به سرپیچی از من ادامه دهید، بدست دشمن کشته خواهید شد.» این کلام خداوند است.

^{۲۱} ای اورشلیم، زمانی تو نسبت به خداوند وفادار بودی، اما اینک همچون یک فاحشه بدنبال خدایان دیگر می روی. زمانی شهر عدل و انصاف بودی، اما اکنون شهر جنایتکاران شده ای.^{۲۲} زمانی چون نقره خالص بودی، ولی اینک فلزی بی مصرف شده ای. زمانی همچون شراب ناب بودی، ولی اکنون همانند آب شده ای.^{۲۳} رهبرانت باغی و شریک دزدانند؛ همه رشوه خوارند؛ از یتیمان حمایت نمی کنند و به دادخواهی بیوه زنان گوش نمی دهند.^{۲۴} بنابراین خداوند، خدای قادر متعال اسرائیل به آنها می گوید: «شما دشمن من هستید؛ تا از شما انتقام نگیرم آرام نمی شوم.^{۲۵} به دست خود، شما را مثل فلز در کوره می گدازم تا از کثافت خود پاک شوید.

^{۲۶} «مانند گذشته، رهبران و مشاورانی لایق به شما خواهم بخشید تا اورشلیم را به شهر عدالت و امانت مشهور سازند.»

^{۲۷} خداوند عادل، اورشلیم و اهالی توبه کار آن را نجات خواهد داد.^{۲۸} اما گناهکاران و عصیانگران به هلاکت خواهد رساند و کسانی را که او را ترک

رسید که بلند پروازی و تکبر انسانها نابود خواهد شد و فقط خداوند متعال خواهد بود.^{۱۲} در آن روز، خداوند قادر متعال بر ضد اشخاص مغرور و متکبر بر خواهد خاست و آنها را پست خواهد کرد.^{۱۳} همهٔ سروهای بلند «لبنان» و بلوطهای ستبر «باشان» خم خواهند گردید.^{۱۴} تمام کوهها و تپه‌های بلند،^{۱۵} و همهٔ برجها و حصارهای مرتفع با خاک یکسان خواهند شد.^{۱۶} تمام کشتی‌های بزرگ و باشکوه، در برابر خداوند متلاشی خواهند گردید.^{۱۷} تمام شکوه و عظمت انسان از بین خواهد رفت و غرور آدمیان بخاک نشانده خواهد شد. بتها بکلی نابود خواهند گردید و در آن روز فقط خداوند متعال خواهد بود.

^{۱۹} هنگامی که خداوند برخیزد تا زمین را بلرزاند، تمام دشمنانش از ترس و از هیبت جلال او به درون غارها و شکاف صخره‌ها خواهند خزید.^{۲۰} آنگاه مردم بتهای طلا و نقرهٔ خود را برای موشهای کور و خفاشها خواهند گذاشت.^{۲۱} ایشان به درون غارها خواهند خزید تا از هیبت جلال خداوند، خود را در میان شکافهای صخره‌ها پنهان سازند.

^{۲۲} انسان چقدر ضعیف است! او مثل نفسی که می‌کشد ناپایدار است! هرگز به انسان توکل نکنید.

داوری بر اورشلیم و یهودا

خداوند قادر متعال بزودی رزق و روزی اورشلیم و یهودا را قطع خواهد کرد و بزرگان مملکت را از میان بر خواهد داشت. قحطی نان و آب خواهد بود.^۲ جنگاوران و سپاهیان، داوران و انبیا، فالگیران و ریش سفیدان،^۳ سرداران و اشراف زادگان و حکیمان، صنعتگران ماهر و جادوگران حاذق، همگی از بین خواهند رفت.^۴ بجای آنان، کودکان مملکت را اداره خواهند کرد.^۵ همه جا هرج و مرج خواهد بود و هرکس حق دیگری را پایمال خواهد نمود. همسایه با همسایه به نزاع خواهد پرداخت، جوانان احترام پیران را نگه نخواهند داشت و اشخاص پست علیه انسانهای شریف بر خواهند خاست.

^۶ روزی خواهد رسید که افراد یک خاندان، یکی را از بین خود انتخاب کرده، خواهند گفت: «تو لباس اضافه داری، پس رهبر ما باش.»

^۷ او جواب خواهد داد: «نه، هیچ کمکی از دست من بر نمی‌آید! من نیز خوراک و پوشاک ندارم. مرا رهبر خود نکنید!»

^۸ آری، اورشلیم خراب خواهد شد و یهودا از بین خواهد رفت، زیرا مردم بر ضد خداوند سخن می‌گویند و عمل می‌کنند و به حضور پر جلال او اهانت می‌نمایند.^۹ چهرهٔ آنان راز درونشان را فاش می‌سازد و نشان می‌دهد که گناهکارند. آنان مانند مردم سدوم و عموره آشکارا گناه می‌کنند. وای بر آنان، زیرا با این کارهای زشت، خود را دچار مصیبت کرده‌اند.

^{۱۰} به درستکاران بگویید: «سعادت مندی نصیب شما خواهد شد و از ثمرهٔ کارهای خود بهره‌مند خواهید شد.»^{۱۱} ولی به بدکاران بگویید: «وای بر شما، زیرا مصیبت نصیب شما خواهد شد و به سزای اعمالتان خواهید رسید.»

^{۱۲} ای قوم من، رهبران شما کودکانند و حاکمانتان زنان. آنان شما را به گمراهی و نابودی می‌کشاند.

^{۱۳} خداوند برخاسته تا قوم خود را محاکمه و داوری کند.^{۱۴} او بزرگان و رهبران قوم را محاکمه خواهد کرد، زیرا آنان تا کستانهای فقیران را غارت کرده، انبارهای خود را پر ساخته‌اند.^{۱۵} خداوند قادر متعال می‌فرماید: «شما را چه شده است که اینچنین بر قوم من ستم می‌کنید و آنان را به خاک و خون می‌کشید؟»

^{۱۶} خداوند زنان مغرور اورشلیم را نیز محاکمه خواهد کرد. آنان با عشو راه می‌روند و النگوهای خود را بصدا در می‌آوردند و با چشمان شهوت‌انگیز در میان جماعت پرسه می‌زنند.^{۱۷} خداوند بر سر این زنان بلای گری خواهد فرستاد تا بی‌موشوند. آنان را در نظر همهٔ عریان و رسوا خواهد کرد.^{۱۸} خداوند تمام زینت‌آلاتشان را از ایشان خواهد گرفت گوشواره‌ها، النگوها، روبندها،^{۲۰} کلاه‌ها، زینت پاهای، دعاهایی که بر کمر و بازو می‌بندند، عطردانه‌ها،

۱۱ انگشترها و حلقه‌های زینتی بینی، ۱۲ لباسهای نفیس و بلند، شالها، کیفها، ۱۳ آئینه‌ها، دستمالهای زیبای کتان، روسریها و چادرها. آری، خداوند از همه اینها محرومشان خواهد کرد. ۱۴ بجای بوی خوش عطر، بوی گند تعفن خواهند داد. بجای کمر بند، طناب به کمر خواهند بست. بجای لباس‌های بلند و زیبا، لباس عزا خواهند پوشید. تمام موهای زیبایشان خواهد ریخت و زیبایی‌شان به رسوایی تبدیل خواهد شد. ۱۵ شوهرانشان در میدان جنگ کشته خواهند شد ۱۶ و شهر متروک شده، در سوگ آنان خواهد نشست و ناله سر خواهد داد.

۴ در آن زمان تعداد مردان بقدری کم خواهد بود که هفت زن دست به دامن یک مرد شده، خواهند گفت: «ما خود خوراک و پوشاک خود را تهیه می‌کنیم. فقط اجازه بده تو را شوهر خود بخوانیم تا نزد مردم شرمگین نشویم.»

«شاخه خداوند»

۲ در آن روز «شاخه خداوند» زیبا و پرشکوه خواهد بود و ثمری که خداوند در اسرائیل تولید نموده است مایه فخر و زینت نجات یافتگان آن سرزمین خواهد گردید. کسانی که برگزیده شده‌اند تا در اورشلیم زنده بمانند، در امان خواهند بود و «قوم پاک خدا» نامیده خواهند شد. ۳ خداوند قوم اسرائیل را داوری کرده، ایشان را پاک خواهد ساخت و گناه اورشلیم و خونی را که در آن ریخته شده است، خواهد شست. ۴ سایه خداوند بر سر همه ساکنان اورشلیم خواهد بود و او مانند گذشته، در روز با ابر غلیظ و در شب با شعله آتش از ایشان محافظت خواهد کرد. ۵ جلال او در گرمای روز سایبان ایشان خواهد بود و در باران و طوفان پناهگاه ایشان.

سرود تاکستان

اینک سرودی دربارهٔ محبوب خود و تاکستانش می‌سرایم: ۵
محبوب من تاکستانی بر تپه‌ای حاصلخیز داشت. ۶ او زمینش را کند و سنگهایش را دور ریخت،

و بهترین درختان مو را در آن کاشت.
درون آن برج دیده‌بانی ساخت،
چرخستی نیز در آن کند.
چشم انتظار انگور نشست،
اما تا کستانش انگور ترش آورد.

۳ اکنون محبوب من می‌گوید: «ای اهالی اورشلیم و یهودا، شما در میان من و باغم حکم کنید! ۴ دیگر چه می‌بایست برای باغ خود می‌کردم که نکردم؟ چرا پس از این همه زحمت بجای انگور شیرین، انگور ترش آورد؟ ۵ حال که چنین است من نیز دیواری را که دورش کشیده‌ام، خراب خواهم کرد تا به چراگاه تبدیل شود و زیر پای حیوانات پایمال گردد. ۶ تا کستانم را دیگر هرس نخواهم کرد و زمینش را دیگر نخواهم کند. آن را او می‌گذارد تا در آن خار و خس برود و به ابرها دستور می‌دهم که دیگر بر آن نبارند.»

۷ داستان تاکستان، داستان قوم خداوند است. بنی‌اسرائیل همان تاکستان هستند و مردم یهودا نهالهایی که خداوند با خشنودی در تاکستان خود نشاند. او از قوم خود انتظار انصاف داشت، ولی ایشان بر مردم ظلم و ستم روا داشتند. او انتظار عدالت داشت، اما فریاد مظلومان به گوشش می‌رسید.

وای بر بدکاران

۸ وای بر شما که دایم خانه و مزرعه می‌خرید تا دیگر جایی برای دیگران نماند و خود به تنهایی در سرزمینتان ساکن شوید. ۹ خداوند قادر متعال به من فرمود که این خانه‌های بزرگ و زیبا ویران و خالی از سکنه خواهند شد. ۱۰ از ده جریب تاکستان، یک بشکه شراب نیز بدست نخواهد آمد و ده من تخم، حتی یک من غله نیز نخواهد داد!

۱۱ وای بر شما که صبح زود بلند می‌شوید و تا نیمه شب به عیش و نوش می‌پردازید. ۱۲ با ساز و شراب محفل خود را گرم می‌کنید، اما به کارهای خداوند نمی‌اندیشید. ۱۳ بنابراین بخاطر این نابخردی به سرزمینهای دور دست تبعید خواهید شد. رهبرانتان از گرسنگی و مردم عادی از تشنگی خواهند مرد.

^{۱۴} دنیای مردگان با ولع زیاد دهان خود را باز کرده، تا آنها را به کام خود فرو برد. بزرگان و اشراف زادگان اورشلیم همراه مردم عادی که شادی می‌کنند، همگی طعمهٔ مرگ خواهند شد.

^{۱۵} در آن روز، متکبران پست خواهند شد و همه خوار و ذلیل خواهند گردید، ^{۱۶} اما خداوند قادر متعال برتر از همه خواهد بود، زیرا فقط او مقدس، عادل و نیکوست. ^{۱۷} در آن روزها، حیوانات در میان ویرانه‌های اورشلیم خواهند چرید؛ آنجا چراگاه بره‌ها و گوساله‌ها و بزها خواهد شد.

^{۱۸} وای بر آنانی که مثل حیوانی که به گاری بسته شده باشد، گناهاشان را با طناب بدنال خود می‌کشند، ^{۱۹} و با تمسخر می‌گویند: «ای خدا، زود باش ما را تنبیه کن!» می‌خواهیم ببینیم چه کاری از دست برمی‌آید! ^{۲۰} وای بر شما که خوب را بد و بد را خوب می‌دانید؛ تلخی را شیرینی و شیرینی را تلخی می‌خوانید.

^{۲۱} وای بر شما که خود را دانا می‌پندارید و بنظر خود عاقل می‌نمایید؛ ^{۲۲} وای بر شما که استداید اما نه در اجرای عدالت، بلکه در شراپخواری و میگساری! ^{۲۳} از بدکاران رشوه می‌گیرید و آنان را تبرئه می‌کنید و حق نیکوکاران را پایمال می‌نمایید. ^{۲۴} بنابراین مانند گاه و علف خشک که در آتش می‌افتد و می‌سوزد، ریشه‌هایتان خواهد گندید و شکوفه‌هایتان خشک خواهد شد، زیرا قوانین خداوند قادر متعال را دور انداخته، کلام خدای مقدس اسرائیل را خوار شمرده‌اید. ^{۲۵} خداوند بر قوم خود خشمناک است و دست خود را دراز کرده تا ایشان را مجازات کند. تپه‌ها به لرزه درمی‌آیند، و لاشه‌های مردم مثل زباله در خیابانها انداخته می‌شوند. باوجود این، خشم و غضب او پایان نمی‌یابد و او دست از مجازات ایشان برنمی‌دارد.

^{۲۶} خداوند قوم‌هایی را از دور دست فرا خواهد خواند تا به اورشلیم بیایند. آنها بسرعت خواهند آمد ^{۲۷} و در راه خسته نخواهند شد و پایشان نخواهد لغزید و توقف نخواهند کرد. کمریندها و بند کفشهایشان باز نخواهد شد. خواهند دوید بی‌آنکه استراحت کنند یا

بخوابند. ^{۲۸} تیرهایشان تیز و کمانهایشان خمیده است. سم اسبهای ایشان مانند سنگ خارا محکم است و چرخهای عرابه‌هایشان مثل باد می‌چرخند. ^{۲۹} ایشان چون شیری می‌غرند و بر سر شکار فرود می‌آیند و آن را با خود به جایی می‌برند که کسی نتواند از چنگشان نجات دهد. ^{۳۰} در آن روز، آنها مانند دریای خروشان بر سر قوم من خواهند غرید و تاریکی و اندوه سراسر اسرائیل را فرا خواهد گرفت و آسمان آن تیره خواهد شد.

رسالت اشعیا

۶ در سالی که عزیزی پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و باشکوه نشسته بود و خانهٔ خدا از جلال او پر شده بود. ^۲ اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد. ^۳ آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: «مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال؛ تمام زمین از جلال او پر است!» ^۴ صدای سرود آنها چنان با قدرت بود که پایه‌های خانهٔ خدا را می‌لرزاند. سپس تمام خانه از دود پر شد.

^۵ آنگاه گفتم: «وای بر من که هلاک شدم! زیرا من که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب زندگی می‌کنم، خداوند، پادشاه قادر متعال را دیدم!» ^۶ سپس یکی از فرشتگان بطرف قربانگاه پرواز کرد و با انبری که در دست داشت زغالی افروخته برداشت ^۷ و آن را روی دهانم گذاشت و گفت: «حال دیگر گناهکار نیستی. این زغال افروخته لبهایت را لمس کرده و تمام گناهانت بخشیده شده است.»

^۸ آنگاه شنیدم که خداوند می‌فرمود: «چه کسی را بفرستم تا پیام ما را به این قوم برساند؟»

گفتم: «خداوند، من حاضرم بروم. مرا بفرست.» ^۹ فرمود: «برو و به قوم من این پیام را بده: هر چه بیشتر بشنوید کمتر خواهید فهمید و هر قدر بیشتر ببینید کمتر درک خواهید کرد.» ^{۱۰} سپس افزود: «دل این قوم را سخت ساز، گوشهایشان را سنگین کن و

است به پادشاهش رصین. همچنین اسرائیل نیز قدرتی بیش از پایتختش سامره و سامره نیز قدرتی بیش از پادشاهش قحح ندارد. بدانید که پادشاهی اسرائیل در عرض شصت و پنج سال از بین خواهد رفت. آیا این را باور می‌کنید؟ اگر سخنان مرا باور نکنید شما نیز از بین خواهید رفت.»

^{۱۰} سپس خداوند پیام دیگری برای آحاز پادشاه فرستاد:

^{۱۱} «ای آحاز، از من علامتی بخواه تا مطمئن شوی که دشمنانت را شکست خواهم داد. هر علامتی که بخواهی، چه در زمین باشد چه در آسمان، برایت انجام خواهد شد.»

^{۱۲} اما پادشاه قبول نکرد و گفت: «این کار را نخواهم کرد و خداوند را امتحان نخواهم نمود.»

^{۱۳} پس اشعیا گفت: «ای خاندان داود، آیا این کافی نیست که مردم را از خود بیزار کرده‌اید؟ اینک می‌خواهید خدای مرا نیز از خود بیزار کنید؟^{۱۲} حال که چنین است خداوند خودش علامتی به شما خواهد داد. آن علامت این است که باکره‌ای حامله شده، پسری بدنی خواهد آورد و نامش را عمانوئیل^{۱۴} خواهد گذاشت. قبل از اینکه این پسر از شیر گرفته شود و خوب و بد را تشخیص دهد، سرزمین این دو پادشاه که اینقدر از آنها وحشت دارید، متروک خواهد شد.»

^{۱۷} «اما پس از آن خداوند، تو و قومت و خاندانت را به آنچه‌ان بلایی دچار خواهد ساخت که از زمانی که امپراطوری سلیمان به دو مملکت اسرائیل و یهودا تقسیم شد، تا کنون نظیرش دیده نشده است. بلی، او پادشاه آشور را به سرزمینت خواهد فرستاد.^{۱۸} خداوند سپاهیان مصر را فرا خواهد خواند و آنها مانند مگس بر شما هجوم خواهند آورد و سربازان آشور را احضار خواهد کرد و ایشان مثل زنبور بر سر شما خواهند ریخت.^{۱۹} آنها در دسته‌های بزرگ آمده، در سراسر مملکت تان پخش خواهند شد. آنها

چشمانشان را ببند، مبادا ببینند و بشنوند و بفهمند و بسوی من بازگشت کرده، شفا یابند.»

^{۱۱} گفتم: «خداوندا، تا به کی این وضع ادامه خواهد داشت؟»

پاسخ داد: «تا وقتی که شهرهایشان خراب شود و کسی در آنها باقی نماند و تمام سرزمینشان ویران گردد،^{۱۲} و من همه آنها را به سرزمینهای دور دست بفرستم و سرزمین آنها متروک شود.^{۱۳} در آن زمان هرچند یک دهم از قوم من در سرزمین خود باقی می‌مانند، اما آنان نیز از بین خواهند رفت. با این حال قوم اسرائیل مانند بلوط و چنار خواهند بود که چون قطع شود کنده‌اش در زمین باقی می‌ماند و دوباره رشد می‌کند.»

«عمانوئیل»

▼ در زمانی که آحاز (پسر یوتام و نوه عزیا) بر یهودا سلطنت می‌کرد، رصین، پادشاه سوریه و قحح (پسر رملیا)، پادشاه اسرائیل به اورشلیم حمله کردند، ولی نتوانستند آن را تصرف کنند.

^۲ وقتی به دربار خبر رسید که سوریه و اسرائیل با هم متحد شده‌اند تا با یهودا بجنگند، دل پادشاه یهودا و قوم او از ترس لرزید، همانطور که درختان جنگل در برابر طوفان می‌لرزند.

^۳ سپس خداوند به اشعیا فرمود: «تو با پسرت شاریاشوب* به دیدن آحاز پادشاه برو. او را در جاده‌ای که رختشویها در آن کار می‌کنند، در انتهای قنات حوض بالایی پیدا خواهی کرد.^۴ به او بگو که نگران نباشد، فقط آماده باشد و آرام بنشیند. آتش خشم رصین و قحح مانند دودی است که از دو تکه هیزم بلند می‌شود؛ بگو از آنها نترسد.^۵ بلی، پادشاهان سوریه و اسرائیل بضد یهودا با هم تباخی کرده‌اند.^۶ آنها می‌خواهند به یهودا لشکرکشی کنند و مردمانش را بوحشت اندازند و آن را تسخیر کرده، پسر طبئیل را بر تخت پادشاهی بنشانند.»

^۷ «اما من که خداوند هستم می‌گویم که این نقشه عملی نخواهد شد،^۸ زیرا قدرت سوریه محدود است به پایتختش دمشق و قدرت دمشق نیز محدود

* شاریاشوب. این نام عبرانی عبری به معنی «عده کمی بر خواهد گشت»، می‌باشد.

•• بزبان عبری عمانوئیل یعنی «خدا با ما است».

که طغیان می‌کند و کناره‌هایش را پر از آب می‌سازد، بر یهودا هجوم خواهند آورد و سراسر خاک آن را خواهند پوشاند.^{۱۰}

خدایا به داد ما برس!

^۹ ای سوریه و اسرائیل، هر کاری از دستتان بر می‌آید بکنید، ولی بدانید که موفق نخواهید شد و شکست خواهید خورد. ای همه دشمنان گوش دهید: برای جنگ آماده شوید، ولی بدانید که پیروز نخواهید شد.^{۱۱} با هم مشورت کنید و نقشه حمله را بکشید، اما بدانید که نقشه شما عملی نخواهد شد، زیرا خدا با ما است!

^{۱۱} خداوند به تأکید به من امر کرد که راه مردم یهودا را در پیش نگیرم، و فرمود: ^{۱۲} «این قوم از سوریه و اسرائیل می‌ترسند و شما را خائن می‌دانند، اما شما از ایشان بیم نداشته باشید.^{۱۳} بدانید که من خداوند قادر متعال، مقدس هستم و تنها از من باید بترسید.^{۱۴} من پناهگاه هستم، اما نه برای یهودا و اسرائیل. برای آنان من سنگی لغزش دهنده و دامی پنهان خواهم بود.^{۱۵} بسیاری از آنان لغزیده، خواهند افتاد و خرد خواهند شد و بسیاری دیگر در دام افتاده، گرفتار خواهند گردید.»

^{۱۶} ای شاگردان من، شما باید کلام و دستوراتی را که خدا به من داده است مهر و موم کرده، حفظ کنید.^{۱۷} من منتظرم تا خداوند ما را یاری کند، هر چند اکنون خود را از قوم خویش پنهان کرده است. تنها امید من اوست.^{۱۸} من و فرزندانم که خداوند به من داده است، از طرف خداوند قادر متعال که در اورشلیم ساکن است برای اسرائیل علامت و نشانه هستیم.»

^{۱۹} وقتی مردم به شما می‌گویند که با فالگیران و

نه فقط در زمینهای حاصلخیزتان ساکن خواهند گردید، بلکه حتی دره‌های بایر، غارها و زمینهای پر از خار را نیز اشغال خواهند کرد.^{۲۰} در آن روز، خداوند پادشاه آشور را که شما اجیر کرده بودید تا شمارانجات دهد، از آن سوی رود فرات خواهد آورد تا شمارا از دم تیغ بگذراند و سرزمیتان را غارت کند.^{۲۱} ^{۲۲} «پس از این غارت و کشتار، تمام سرزمیتان به چراگاه تبدیل خواهد شد. همه گله‌ها و رمه‌ها از بین خواهند رفت. کسی بیش از یک گاو و دو گوسفند نخواهد داشت. ولی فراوانی چراگاه باعث خواهد شد که شیر زیاد شود. کسانی که در این سرزمین باقی مانده باشند خورا کشان کره و عسل صحرانی خواهد بود.^{۲۳} در آن زمان تا کستانهای آباد و پرثمر به زمینهای بایر و پر از خار تبدیل خواهند شد.^{۲۴} مردم باتیر و کمان از آنجا عبور خواهند کرد، زیرا تمام زمین به صحرای حیوانات وحشی تبدیل خواهد شد.^{۲۵} دیگر کسی به دامنه تپه‌ها که زمانی آباد بودند نخواهد رفت، چون این تپه‌ها را خار و خس خواهد پوشاند و فقط گاوان و گوسفندان در آنجا خواهند چرید.»

پادشاه آشور، وسیله‌ای در دست خداوند
 خداوند به من فرمود که «لوحی بزرگ بگیرم و با خط درشت روی آن بنویسم: مهبر شلال حاش بز (یعنی «دشمنانت بزودی نابود خواهند شد»)^۱ من از اوربای کاهن و زکریا (پسر بیرکیا) که مردانی امین هستند خواستم هنگام نوشتن حاضر باشند و شهادت دهند که من آن را نوشته‌ام.^۲ پس از چندی، همسرم حامله شد و هنگامی که پسرمان بدینا آمد خداوند فرمود: «نام او را مهبر شلال حاش بز بگذار.^۳ پیش از آنکه این پسر بتواند «بابا» و «ماما» بگوید، پادشاه آشور به دمشق و سامره یورش خواهد برد و اموال آنها را غارت خواهد کرد.»

^۵ پس از آن، باز خداوند به من فرمود: ^۶ «حال که مردم یهودا آبهای ملایم نهر شیلوه^۷ را خوار می‌شمرند و دلشان با رصین پادشاه و فقح پادشاه خوش است،^۸ من پادشاه آشور را با تمام سپاه نیرومندش به اینجا خواهم آورد. آنها مانند رود فرات

* مهبر شلال حاش بز» در لغت به معنی «غارت سریع و یغمای شتابزده» است.

** «نهر شیلوه» از چشمه بزرگی در شرق اورشلیم جاری می‌شد.

*** اشعیا یعنی «خداوند قوم خود را نجات می‌دهد». شار یا شوب یعنی «عده کمی بر خواهند گشت» و مهبر شلال حاش بز یعنی «دشمنانت بزودی نابود می‌شوند».

خواد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت، و گسترش فرمانروایی صلح پرور او را انتهای نخواست خواهد بود. خداوند قادر متعال چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.

مجازات قوم اسرائیل

^۸ خداوند فرموده که قوم اسرائیل را مجازات خواهد کرد،^۹ و تمام قوم که در سامره و سایر شهرها هستند خواهند فهمید که او این کار را کرده است؛ زیرا این قوم مغرور شده‌اند و می‌گویند: ^{۱۰} «هر چند خشتهای خانه‌های ما ریخته، ولی با سنگها آنها را بازسازی خواهیم کرد. هر چند تیرهای چوب افراغان افتاده، اما بجای آنها تیرهای سرو کار خواهیم گذاشت.»

^{۱۱} خداوند دشمنان اسرائیل را علیه او برانگیخته است. ^{۱۲} او سوری‌ها را از شرق و فلسطینی‌ها را از غرب فرستاده تا اسرائیل را ببلعند. با این حال، خشم خداوند فروکش نکرده و دست او همچنان برای مجازات دراز است.

^{۱۳} اسرائیل توبه نمی‌کند و بسوی خداوند بر نمی‌گردد. ^{۱۴} بنابراین، خداوند در یک روز مردم اسرائیل و رهبرانشان را مجازات خواهد کرد و سر و دم این قوم را خواهد برد! ^{۱۵} ریش سفیدان و اشراف اسرائیل، سر قوم هستند و انبیای کاذبش، دم آن. ^{۱۶} اینها که هادیان قوم هستند قوم را به گمراهی و نابودی کشانده‌اند. ^{۱۷} خداوند جوانانشان را مجازات خواهد کرد و حتی بر بیوه زنان و یتیمان نیز رحم نخواهد نمود، زیرا همه ایشان خداناس و شرور و دروغگو هستند. به این سبب است که هنوز خشم خدا فروکش نکرده و دست او برای مجازات ایشان دراز است.

^{۱۸} ^{۱۹} شرارت این قوم باعث شده غضب خداوند قادر متعال افروخته گردد و مانند آتشی که خار و خس را می‌سوزاند و تمام جنگل را فرا می‌گیرد و دود غلیظی به آسمان می‌فرستد، همه را بسوزاند. مردم مانند هیزم می‌سوزند و حتی برادر به برادر کمک

جادوگرانی که زیر لب ورد می‌خوانند مشورت کنید، شما در جواب بگویید: «آیا از مردگان دربارهٔ زندگان مشورت بخواهیم؟ چرا از خدای خود مشورت نخواهیم؟»

^{۲۰} مردم موافق کلام و دستورات خدا سخن نمی‌گویند و کلامشان عاری از نور حقیقت است. ^{۲۱} ایشان در تنگی و گرسنگی قرار خواهند گرفت و آواره خواهند شد. از شدت گرسنگی و پریشانی پادشاه و خدای خود را نفرین خواهند کرد. به آسمان خواهند نگرست ^{۲۲} و به زمین نگاه خواهند کرد، ولی چیزی جز تنگی و پریشانی و تاریکی نخواهند دید، و بسوی تاریکی محض رانده خواهند شد.

اسم او «عجیب» خواهد بود!

۹ اما این تاریکی برای قوم خدا که در تنگی هستند تا ابد باقی نخواهد ماند. خدا سرزمین قبایل زبولون و نفتالی را در گذشته خوار و ذلیل ساخته بود، اما در آینده او تمام این سرزمین را از دریای مدیترانه گرفته تا آنطرف اردن و حتی تا خود جلیل که بیگانگان در آن زندگی می‌کنند، مورد احترام قرار خواهد داد. ^۲ قومی که در تاریکی راه می‌رفتند، نور عظیمی خواهند دید. بر کسانی که در سرزمین ظلمت زندگی می‌کردند، روشایی خواهد تابید. ^۳ ای خداوند، تو خوشی قوم خود را افزودی و به ایشان شادمانی بخشیدی. آنها همچون کسانی که با شادی محصول را درو می‌کنند، و مانند آنانی که با خوشحالی غنایم را بین خود تقسیم می‌نمایند، در حضور تو شادمانی می‌کنند. ^۴ زیرا تو یوغی را که بر گردن آنها بود شکستی و ایشان را از دست قوم تجاوزگر رهایی دادی، همچنان که در گذشته مدیانی‌ها را شکست داده، قوم را آزاد ساختی.

^۵ تمام اسلحه‌ها و لباس‌های جنگی که به خون آغشته‌اند خواهند سوخت و از بین خواهند رفت. ^۶ زیرا فرزندی برای ما بدنیا آمده! پسری بما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجیب»، «مشیر»، «خدای قدیر»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. ^۷ او بر تخت پادشاهی داود

نمی‌کند.^{۲۰} لقمه را از دست یکدیگر می‌قاپند و می‌خورند اما سیر نمی‌شوند. از شدت گرسنگی حتی بچه‌های خودشان را نیز می‌خورند!^{۲۱} قبیلهٔ منسی و قبیلهٔ افرایم بضد یکدیگر، و هر دو بضد یهودا برخاسته‌اند. ولی باوجود این خشم خداوند فروکش نمی‌کند و دست او هنوز برای مجازات ایشان دراز است.

۱۰ وای بر قاضیان بی‌انصاف که قوانین غیر عادلانه وضع می‌کنند تا حق فقیران و بیوه زنان و یتیمان قوم مرا پایمال کنند و اموالشان را به غارت ببرند و بر ایشان ظلم کنند.^۲ در روز بازخواست، وقتی خدا از سرزمین دور دست بر شما مصیبت بفرستد، چه خواهید کرد؟ به چه کسی پناه خواهید برد؟ گنجهایتان را کجا مخفی خواهید کرد؟^۳ در آن روز هر چه دارید زیر پای اسیران و کشته شدگان از بین خواهد رفت. با این حال، غضب خدا فروکش نخواهد کرد و دست او برای مجازات شما همچنان دراز خواهد بود.

پادشاه آشور، وسیله‌ای دردست خدا^۵ خداوند می‌فرماید: «من آشور را مانند چوب تنبیه بدست خواهم گرفت و برای مجازات آنانی که بر ایشان خشمناک هستم به کار خواهم برد.»^۶ قوم آشور را برضد این قوم خداشناس که مورد خشم من هستند خواهم فرستاد تا آنها را غارت کنند و مانند گل، زیر پایهای خود لگدمال نمایند.»

۷ اما پادشاه آشور نمی‌داند که وسیله‌ای است در دست خدا. مراد دل او این است که اقوام بسیاری را نابود کند.^۸ می‌گوید: «سرداران من هر یک پادشاهی هستند!»^۹ شهرهای کرکمیش و کلنو و حمات و ارفاد را تسخیر کردیم؛ سامره و دمشق نیز تسلیم ما شدند. ۱۰ ممالکی را که بتهایشان بیش از بتهای اورشلیم و سامره بودند از بین بردیم.^{۱۱} ما سامره را با تمام بتهایش نابود کردیم و همین کار را نیز با اورشلیم و بتهایش خواهیم کرد.»

۱۲ پس از آن که خداوند پادشاه آشور را برای مجازات اورشلیم بکار گرفت، آنگاه برمی‌گردد و

پادشاه مغرور و متکبر آشور را نیز مجازات می‌کند.^{۱۳} پادشاه آشور می‌گوید: «من به قدرت و حکمت و دانش خود در این جنگها پیروز شده‌ام. من به نیروی خود مرزهای ممالک را از میان برداشتم و پادشاهان را سرکوب کردم و گنجهایشان را به یغما بردم.»^{۱۴} ممالک دنیا را مانند آشیانهٔ پرندگان تکان دادم و ثروت آنان را که مثل تخمهای پرندگان به زمین می‌ریخت جمع کردم بدون این که کسی جرأت کند بالی برایم تکان دهد و یا دهانش را باز کرده، جیک‌جیک کند.»

۱۵ اما خداوند می‌فرماید: «آیا تبر به خود می‌بالت که قدرتش بیش از هیزم شکن است؟ آیا اره خود را بالاتر از کسی می‌داند که اره می‌کند؟ آیا عصا انسان را بلند می‌کند یا انسان عصا را؟»

۱۶ خداوند قادر متعال بر جنگاوران تنومند پادشاه آشور بلایی خواهد فرستاد تا آنها را ضعیف و نحیف کند و مانند آتش آنها را بسوزاند.^{۱۷} خدای پاک که نور اسرائیل است همچون شعلهٔ آتش در یک روز همه چیز را مانند خار و خس خواهد سوزاند.^{۱۸} جنگل و مزارع پهناور آنها از بین خواهد رفت درست مانند بیماری که جسم و جانش تباہ می‌شود.^{۱۹} درختان جنگل بقدری کم خواهد شد که یک کودک نیز خواهد توانست آنها را بشمارد.

باقی ماندگان اسرائیل

۲۰ زمانی فرا خواهد رسید که کسانی که در اسرائیل و یهودا باقی مانده باشند، دیگر تکیه گاهشان آشور نخواهد بود، بلکه از صمیم قلب بر خداوند که یگانه وجود پاک اسرائیل است توکل خواهند داشت.^{۲۱} ایشان بسوی خدای قادر مطلق باز خواهند گشت.^{۲۲} هر چند اکنون قوم اسرائیل مثل ریگ ساحل دریا بی‌شمارند، ولی در آن زمان عدهٔ کمی از ایشان باقی خواهند ماند و این عده به وطن باز خواهند گشت، زیرا مجازات عادلانه‌ای که تعیین شده، اجرا خواهد شد.^{۲۳} خداوند، خدای قادر متعال همانطور که مقرر فرموده تمام سرزمین ایشان را ویران خواهد کرد.

۲۴ خداوند، خدای قادر متعال می‌فرماید: «ای قوم

من که در اورشلیم ساکنید، از آشوریها نترسید، حتی اگر مانند مصریهای قدیم بر شما ظلم کنند.^{۲۵} زیرا پس از مدت کوتاهی از مجازات شما دست خواهم کشید و به هلاک کردن آنها خواهم پرداخت.^{۲۶} ایشان را مجازات خواهم کرد همانگونه که مدیانیها را در کنار صحرۀ غراب، و مصریها را در دریا هلاک کردم.^{۲۷} در آن روز به اسارت شما پایان خواهم داد و شما قوی خواهید شد و یوغ بندگی از گردن شما خواهد افتاد.^{۲۸}

سربازان دشمن به شهر عای رسیده‌اند! از مغفون عبور کرده و ساز و برگ خود را در مکماش گذاشته‌اند.^{۲۹} از گذرگاه گذشته‌اند و می‌خواهند شب را در جبع بسر برند. اهالی شهر رامه هراسانند. تمام مردم جبعه، شهر شائول، از ترس جان خود فرار می‌کنند.^{۳۰} ای مردم جلیم فریاد برآورد! ای اهالی لیشه و ای مردم بیچارۀ عناتوت گوش دهید!^{۳۱} اهالی مدینه و ساکنان حبیبیم فراری شده‌اند.^{۳۲} امروز دشمن در نوب توقف می‌کند. او مشت خود را گره کرده و بطرف اورشلیم که بر کوه صهیون قرار دارد تکان می‌دهد.

اما همانگونه که هیزم‌شکن درختان جنگل لبنان را با ضربان تبر قطع می‌کند، خداوند، خدای قادر متعال نیز آن درخت بزرگ را با یک ضربه قطع خواهد کرد، و شاخه‌های بلند و تنومند آن کنده شده به زمین خواهد افتاد.

پادشاهی از خاندان داود

دروخت خاندان داود بریده شده است؛ اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن «شاخه‌ای» تازه خواهد روید.^۲ روح خداوند بر آن «شاخه» قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، و روح شناخت و ترس از خداوند.^۳ تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود. او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می‌شود داوری نخواهد کرد؛^۴ بلکه از حق فقرا و مظلومان دفاع خواهد کرد و از بدکارانی که بر ایشان ظلم می‌کنند انتقام خواهد گرفت.^۵ او با عدالت

۱۱
۱۵ خداوند خلیج دریای مصر را خشک خواهد ساخت و دست خود را بر رود فرات بلند خواهد کرد و باد تندى خواهد فرستاد تا آن را به هفت نهر تقسیم کند؛ آنگاه مردم را از آن خشکی عبور خواهد داد.^{۱۶} برای بازماندگان قوم او در آشور شاهرهای خواهد بود تا آنان مانند اجداد خود که از مصر بیرون آمدند، به سرزمین خود بازگردند.

سرود شکرگذاری

۱۲

در آن روز، اسرائیل این سرود را خواهد خواند: «ای خداوند تو را شکر می‌کنم، زیرا بر من غضبناک بودی، اما اینک مرا تسلی می‌دهی و دیگر غضبناک نیستی.^۲ برستی خدا نجات دهنده من است؛ بر او توکل خواهم کرد و نخواهم ترسید. خداوند قوت و سرود من است؛ اونجات من است. چه شادی بخش است نوشیدن از چشمه‌های نجات!^۳ «خداوند را شکر کنید! نام او را ستایش نمایید! اعمال او را به دنیا اعلام کنید! بگویند که او بزرگ و والا است!^۴ برای خداوند سرود بسرایید، زیرا کارهای بزرگی انجام داده است. بگذارید تمام جهان بدانند که او چه کرده است.^۵ بگذارید مردم اورشلیم فریاد شادی سر دهند، زیرا خدای پاک اسرائیل عظیم است و در میان قومش حضور دارد.»

سقوط بابل

۱۳

این است پیغامی که اشعیا (پسر آموص) دربارهٔ بابل از خدا دریافت کرد:
 ۲ پرچم جنگ را بر تپه‌ای بلند برافرازید و سربازان را فرا خوانید و دروازه‌های مجلل بابل را به آنها نشان دهید تا بسوی آنها یورش برند.^۳ خداوند سپاه مقدس و شجاع خود را که مشتاق خدمتش هستند فرا خوانده است تا کسانی را که بر ایشان غضبناک است مجازات کند.^۴ صدایی در کوه‌ها به گوش می‌رسد! این صدا، صدای جمع شدن قوم‌های جهان است. خداوند قادر متعال آنها را برای جنگ آماده می‌کند.^۵ آنها را از سرزمینهای بسیار دور می‌آورد تا ایشان را همچون اسلحه‌ای در دست بگیرد و توسط آنها سراسر خاک بابل را ویران کند و غضب خود را فرو نشاند.^۶ ناله کنید، زیرا روز خداوند نزدیک است روزی که خدای قادر مطلق شما را هلاک کند.^۷ در آن روز، دستهای همه از ترس سست خواهد شد و دلها آب خواهد گردید.^۸ همه هراسان خواهند شد و دردی شدید مانند درد زنی که می‌زاید وجودشان را فرا خواهد گرفت. بر یکدیگر نظر خواهند افکند و از دیدن صورت‌های دگرگون شدهٔ یکدیگر به وحشت

خواهند افتاد.^۹ اینک روز هولناک خشم و غضب خداوند فرا می‌رسد! زمین ویران خواهد شد و گناهکاران هلاک خواهند گردید.^{۱۰} ستارگان آسمان نور نخواهند داشت، خورشید هنگام طلوع تاریک خواهد شد و ماه روشنایی نخواهد بخشید.

^{۱۱} خداوند می‌فرماید: «من دنیا را بخاطر شرارتش، و بدکاران را بسبب گناهانشان مجازات خواهم کرد. تمام متکبران را خوار خواهم ساخت و همه ظالمان را ذلیل خواهم کرد.^{۱۲} زندگان از طلای خالص نیز کمیاب‌تر خواهند بود.^{۱۳} من، خداوند قادر متعال، در روز خشم طوفانی خود، آسمانها را خواهم لرزاند و زمین را از جای خود تکان خواهم داد.

^{۱۴} «بیگانگانی که در بابل ساکن باشند به سرزمینهای خود خواهند رفت. آنان مانند گله‌ای پراکنده و آهویی که مورد تعقیب شکارچی قرار گرفته باشد به وطن خود فرار خواهند کرد.^{۱۵} هر که گیر بیفتد با شمشیر یا نیزه کشته خواهد شد.^{۱۶} اطفال کوچک در برابر چشمان والدینشان به زمین کوبیده خواهند شد؛ خانه‌ها غارت و زنان بی عصمت خواهند گردید.

^{۱۷} «من مادها را که توجهی به طلا و نقره ندارند به ضد بابلی‌ها برخواهم انگیزت تا بابلی‌ها نتوانند با پیشکش کردن ثروت خود جان خود را نجات دهند.^{۱۸} سپاهیان مهاجم بر جوانان و کودکان رحم نخواهند کرد و آنها را با تیر و کمان هدف قرار خواهند داد.^{۱۹} به این ترتیب، خدا بابل را که باشکوهترین ممالک و زینت فخر کلدانیان است مانند سدوم و عموره با خاک یکسان خواهد کرد.^{۲۰} بابل دیگر هرگز آباد و قابل سکونت نخواهد شد. حتی اعراب چادر نشین نیز در آنجا خیمه نخواهند زد و چوپانان گوسفندان خود را در آن مکان نخواهند چرانید.^{۲۱} تنها حیوانات وحشی در آنجا بسر خواهند برد و روباه‌ها در آن محل لانه خواهند کرد. جفدها در خانه‌های آنجا ساکن خواهند شد و بزهای وحشی در آنجا جست و خیز خواهند کرد.^{۲۲} صدای زوزه گرگها و شغالها از درون کاخهای زیبای بابل به گوش خواهد رسید. آری، زمان نابودی بابل نزدیک است!»

بازگشت اسرائیل از تبعید

۱۴ خداوند بر قوم اسرائیل ترحم خواهد کرد و بار دیگر آنها را برخواهد گزید و در سرزمینشان ساکن خواهد ساخت. بیگانگان مهاجر در آنجا با ایشان زندگی خواهند کرد.^۲ قومهای جهان به ایشان کمک خواهند کرد تا به وطن خود بازگردند. قوم اسرائیل در سرزمینی که خداوند به ایشان داده قومهای دیگر را به بردگی خواهند گرفت. آنانی که قوم اسرائیل را اسیر کرده بودند، خود به اسارت ایشان درخواهند آمد و بنی اسرائیل بر دشمنان خود فرمانروایی خواهند کرد.

انهدام پادشاه بابل

^۳ هنگامی که خداوند قوم خود را از درد و اضطراب، بندگی و بردگی رهایی بخشد،^۴ آنگاه ایشان با ریشخند به پادشاه بابل چنین خواهند گفت: «ای پادشاه ظالم سرانجام نابود شدی و ستمکاری هایت پایان گرفت»^۵ خداوند حکومت ظالمانه و شرارت آمیز تو را در هم شکست.^۶ تو با خشم و غضب، مردم را پیوسته شکنجه و آزار می دادی،^۷ اما اکنون تمام مردم از دست تو آسوده شده، در آرامش زندگی می کنند و از شادی سرود می خوانند.^۸ صنوبرها و سروهای لبنان نیز شادمانند زیرا از زمانی که تو سقوط کردی دیگر کسی نیست که آنها را قطع کند!

^۹ دنیای مردگان آماده می شود تا به استقبال تو بیاید. رهبران و پادشاهان دنیا که سالها پیش مرده اند، آنجا در انتظار تو هستند.^{۱۰} آنها وقتی تو را ببینند به تو خواهند گفت: «تو نیز مانند ما ضعیف شدی و با ما فرقی نداری!»^{۱۱} حشمت تو از دست رفته است و نوای دلنشین بربطهای قصرت دیگر بگوش نمی رسد. اکنون تشک تو کرما هستند و لحافت موریانه ها.

^{۱۲} ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قومهای جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی!^{۱۳} در دل خود می گفتی: «تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتیم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قلّه کوهی در شمال که

خدايان بر آن اجتماع می کنند جلوس خواهم کرد. ^{۱۲} به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شده. ^{۱۵} اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است، سرنگون شدی. ^{۱۶} اینک وقتی مردگان تو را می بینند به تو خیره شده، می پرسند: «آیا این همان کسی است که زمین و قدرت های جهان را می لرزاند؟» ^{۱۷} آیا این همان کسی است که دنیا را ویران می کرد و شهرها را از بین می برد و بر اسیران خود رحم نمی کرد؟»

^{۱۸} پادشاهان جهان، شکوهمندان در قبرهایشان آرامیده اند، ^{۱۹} ولی جنازه تو مثل شاخه ای شکسته، دور انداخته شده است. نعش تو در قبر رویاز است و روی آن را جنازه های کشته شدگان جنگ پوشانده است. مثل لاشه حیوانی هستی که در زیر سم اسبان له شده باشد. ^{۲۰} تو مانند پادشاهان دیگر دفن نخواهی شد، زیرا مملکت خود را از بین بردی و قوم خود را به نابودی کشاندی. از خاندان شرور تو کسی زنده نخواهد ماند. ^{۲۱} پسران تو بخاطر شرارت اجدادشان کشته خواهند شد، و کسی از آنها باقی نخواهد ماند تا دنیا را فتح کند و شهرها در آن بسازد.

^{۲۲} خداوند قادر متعال می فرماید: «من خود برضد بابل برخوام خاست و آن را نابود خواهم کرد. نسل بابلی ها را ریشه کن خواهم کرد تا دیگر کسی از آنها زنده نماند.» ^{۲۳} بابل را به باتلاق تبدیل خواهم کرد تا جفدها در آن منزل کنند. با جاروی هلاکت، بابل را جارو خواهم کرد تا هر چه دارد از بین برود. ^{۲۴} خداوند قادر متعال قسم خورده، می گوید: «آنچه اراده نموده و تقدیر کرده ام به یقین واقع خواهد شد. ^{۲۵} من سپاه آشور را هنگامی که به سرزمین من اسرائیل برسد، شکست خواهم داد و سربازانش را روی کوه هایم تارومار خواهم کرد. قوم من دیگر برده آنها نخواهد بود و آنها را بندگی نخواهد کرد. ^{۲۶} دست توانای خود را دراز خواهم کرد و قومها را مجازات خواهم نمود. این است آنچه برای قومها تقدیر کرده ام.» ^{۲۷} بلی خداوند قادر متعال این را تقدیر کرده است. پس چه کسی می تواند آن را باطل کند؟ این دست اوست که دراز شده است، بنابراین چه

کسی می تواند آن را بازگرداند؟

نبوت درباره سقوط فلسطین

^{۲۸} در سالی که آحاز پادشاه درگذشت، این پیغام از سوی خدا نازل شد:

^{۲۹} ای فلسطینی‌ها، از مرگ پادشاهی که بر شما ظلم می‌کرد شادی نکنید، زیرا پسرش از او بدتر خواهد کرد! از مار، افعی بوجد می‌آید و از افعی، اژدهای آتشین! ^{۳۰} خداوند بیچارگان قوم خود را شبانی خواهد کرد و آنها در چراگاه او راحت خواهند خوابید، اما بر شما فلسطینی‌ها قحطی خواهد فرستاد و شما را هلاک خواهد کرد. ^{۳۱} ای شهرهای فلسطین گریه و شیون کنید و بلرزید، زیرا سپاه خشمناکی در صفوف فشرده، از شمال بسوی شما در حرکت است! ^{۳۲} پس به فرستادگانی که از فلسطین می‌آیند چه باید گفت؟ باید گفت که خداوند اورشلیم را بنیاد نهاده تا قوم رنج‌دیده او در آن پناه گیرند.

نبوت درباره سقوط موآب

۱۵ این است پیغام خدا برای سرزمین موآب: شهرهای «عار» و «قیر» موآب در یک شب ویران می‌شوند. ^۲ در دیون قوم عزادار موآب به بتخانه‌ها پناه می‌برند تا برای شهرهای نبو و میدباگریه کنند. همه مردم موی سر و ریش خود را تراشیده، لباس عزا پوشیده‌اند و در کوچه‌ها راه می‌روند. از هر خانه‌ای صدای شیون و زاری بلند است. ^۳ صدای گریه شهرهای حشبون و العاله تا یاهص نیز شنیده می‌شود. حتی جنگاوران موآب نیز ناله می‌کنند و از شدت ترس می‌لرزند.

^۴ دلم برای موآب نالان است. مردم موآب به صوغر و عجلت شلشیا فرار می‌کنند؛ باگریه از گردنه لوحیت بالا می‌روند؛ صدای ناله ایشان در طول راه حورونایم به گوش می‌رسد. ^۵ رودخانه نمریم خشک شده است! علف سرسبز کنار رودخانه‌ها پلاسیده و نهالها از بین رفته‌اند. ^۶ مردم اندوخته خود را برمی‌دارند تا از راه «دره بیدها» فرار کنند. ^۷ شیون موآب در مرزهای آن ظنین افکنده است و صدای

زاری آن تا به اجلایم و بثرایلیم رسیده است. ^۸ رودخانه دیمون از خون سرخ شده است، ولی خدا باز هم اهالی دیمون را مجازات خواهد کرد. بازماندگان و فراریان موآب نیز جان سالم بدر نخواهند برد و طعمه شیر خواهند شد.

۱۶ آوارگان موآب از شهر سالع که در صحراست، برای پادشاه یهودا بره‌ای بعنوان خراج می‌فرستند. ^۲ آنان مانند پرندگان بی‌آشیانه، در کناره رود اردن آواره شده‌اند. ^۳ از مردم یهودا کمک می‌خواهند و بالتماس می‌گویند: «ما را زیر سایه خود پناه دهید. از ما حمایت کنید. نگذارید بدست دشمن بیفتیم. ^۴ اجازه دهید ما آوارگان در میان شما بمانیم. ما را از نظر دشمنانمان پنهان کنید!»

(سرانجام ظالم نابود خواهد شد و ستمکار و تاراج کننده از بین خواهد رفت. ^۵ آنگاه کسی از نسل داود بر تخت پادشاهی خواهد نشست و با عدل و انصاف بر مردم حکومت خواهد کرد. حکومت او بر رحمت و راستی استوار خواهد بود.)

^۶ مردم یهودا می‌گویند: «ما درباره موآبی‌ها شنیده‌ایم. می‌دانیم چقدر متکبرند و به خود فخر می‌کنند، اما فخر آنها بی‌اساس است.»

^۷ مردم موآب برای سرزمین خود گریه می‌کنند؛ نان کشمش قیرحارست را به یاد می‌آورند و آه می‌کشند. ^۸ مزرعه‌های حشبون و تاکستانهای سیمه از بین رفته‌اند؛ درختان انگور را فرماندهان سپاه دشمن بریده‌اند. زمانی شاخه‌های این درختان انگور تا به شهر یعزیز می‌رسید و از بیابان گذشته، تا دریای مرده امتداد می‌یافت. ^۹ برای یعزیز و باغهای انگور سیمه گریه می‌کنم و ماتم می‌گیرم. اشکم چون سیل برای حشبون و العاله جاری می‌شود، زیرا میوه‌ها و محصولش تلف شده است. ^{۱۰} شادی و خوشحالی برداشت محصول از بین رفته است؛ در باغهای انگور، دیگر نغمه‌های شاد بگوش نمی‌رسد؛ دیگر کسی انگور را در چرخشته‌ها، زیر پا نمی‌فشد؛ صدای شادمانی خاموش شده است. ^{۱۱} دل من مانند بریط برای موآب می‌نالد و برای قیرحارس آه می‌کشد. ^{۱۲} اهالی موآب بی‌جهت بسوی بتخانه‌های خود بالا

۱۱ ولی بدان که حتی اگر در همان روزی که درختان را می‌کاری آنها نمو کرده، شکوفه آورند، با وجود این محصولی نخواهند داد. در آن روز، آنچه نصیب شما می‌شود بلای کشنده و درد علاج ناپذیر خواهد بود. ۱۲ قوم‌های جهان مثل دریا می‌خورشند و همچون طوفان غرش می‌کنند ۱۳ و مانند سیل یورش می‌آورند. اما خدا آنها را خاموش می‌کند و به عقب می‌راند. ایشان مانند کاه در برابر باد، و خاک در برابر گردباد هستند. ۱۴ در شب رعب و وحشت ایجاد می‌کنند، ولی پیش از فرارسیدن صبح نابود می‌شوند. این سزای کسانی است که سرزمین ما را تاراج می‌کنند و به یغما می‌برند.

نبوت درباره حبشه

۱۸ در آنسوی رودخانه‌های حبشه سرزمینی هست که قایق‌های بادبانی در آب‌هایش رفت و آمد می‌کنند. ۲ سرزمینی که سفیران خود را بر قایق‌هایی ساخته شده از نی، به رود نیل می‌فرستد. ای سفیران تندرو به آن سرزمینی بروید که بین رودخانه‌ها است و قومی بلند بالا و نیرومند در آن زندگی می‌کنند قومی که همه جا خوف و هراس ایجاد کرده‌اند.

۳ ای مردم دنیا توجه کنید! به پرچمی که بر قلعه کوه‌ها برافراشته می‌شود بنگرید و به صدای شیوری که برای جنگ نواخته می‌شود گوش دهید! ۴ خداوند به من چنین فرموده است: «من از آسمان به آرامی نظر خواهم کرد به آرامی یک روز با صفای تابستانی و یک صبح دلپذیر پائیزی در وقت حصاد.» ۵ زیرا پیش از این که حصاد را جمع کنند، درست پس از ریخته شدن شکوفه‌ها و رسیدن انگور، حبشه مانند درخت انگوری که شاخه‌هایش را با اره بریده باشند، نابود خواهد شد. ۶ سربازان حبش در صحرا خواهند مرد و اجسادشان برای پرندگان شکاری و حیوانات وحشی واگذاشته خواهد شد. پرندگان شکاری در

می‌روند تا دعا کنند؛ آنها بی‌جهت خود را خسته می‌کنند، زیرا دعایشان مستجاب نخواهد شد.

۱۳ این بود پیغامی که خداوند از قبل درباره موآب فرموده بود. ۱۴ اما اینک خداوند می‌فرماید: «درست پس از سه سال، شکوه و جلال موآب از بین خواهد رفت و از جماعت زیاد آن عده کمی باقی خواهند ماند و آنها نیز قوت خود را از دست خواهند داد.»

نبوت درباره سوریه و اسرائیل

این است پیغام خدا درباره دمشق:

۱۷

«دمشق از بین خواهد رفت و تبدیل به ویرانه خواهد شد. ۲ شهرهای «عروعر» متروک خواهند شد و گوسفندان در آنجا خواهند خوابید و کسی نخواهد بود که آنها را بترساند. ۳ اسرائیل قدرتش را از دست خواهد داد و دمشق سقوط خواهد کرد. بازماندگان سوریه مانند قوم اسرائیل خوار و ضعیف خواهند شد.» این را خداوند قادر متعال فرموده است.

۴ خداوند می‌فرماید: «عظمت اسرائیل محو خواهد شد و ثروتش از بین خواهد رفت. ۵ در آن روز، اسرائیل مانند کشتزارهای درهٔ رفائیم خواهد بود که پس از درو، چیزی در آن باقی نمی‌ماند. ۶ عدهٔ بسیار کمی از قوم اسرائیل باقی خواهند ماند، همانگونه که پس از چیدن زیتون دو سه دانه روی شاخه‌های بلند، و چهار پنچ دانه نوک شاخه‌های کوچک باقی می‌ماند.» این را خداوند، خدای اسرائیل فرموده است.

۷ در آن روز، مردم بسوی آفرینندهٔ خود که خدای مقدس اسرائیل است روی خواهند آورد، ۸ و دیگر به پتهایی که بدست خود ساخته‌اند، یعنی اشیریم و بتهای آفتاب، رو نخواهند نمود. ۹ در آن روز، شهرهای مستحکم ویران خواهند شد همچون شهرهای حوی‌ها و اموری‌ها که ساکنانشان آنها را در حین فرار برای اسرائیلی‌ها واگذاشتند.

۱۰ ای اسرائیل، تو خدای نجات دهندهٔ خود و «صخرهٔ مستحکم خویش را فراموش کرده‌ای و درختان می‌کاری تا در زیر آنها بتها را بپرستی.

* بت‌پرست‌ها باغهای مخصوصی غرس می‌کردند تا در آنجا بتها را بپرستند و میوهٔ درختان آن را به بتها وقف کنند. نگاه کنید به ۲۹:۱.

تابستان، و حیوانات وحشی در زمستان، از لاشه‌های آنها تغذیه خواهند کرد.

^۷ اما زمانی خواهد رسید که این قوم قد بلند و نیرومند که همه جا خوف و هراس ایجاد می‌کردند و سرزمینشان میان رودخانه‌ها بود به اورشلیم که خداوند قادر متعال نام خود را در آن قرار داده است خواهند آمد و برای او هدیه خواهند آورد.

نبوت دربارهٔ مصر

۱۹ پیامی برای مصر:

خداوند بر ابری تندرو سوار شده و به جنگ مصر می‌آید. بتهای مصر در برابر او می‌لرزند و دل مصریها از ترس ضعف می‌کند. ^۲ خداوند می‌فرماید: «مصری‌ها را برضد یکدیگر خواهم برانگیخت تا برادر با برادر، همسایه با همسایه، شهر با شهر، و مملکت با مملکت بجنگند. ^۳ تدبیرهایی را که مصریها اندیشیده‌اند بی‌اثر خواهم کرد و آنان روحیهٔ خود را خواهند باخت. ایشان برای دریافت کمک، به بتهایشان پناه خواهند برد و برای چاره جویی، به احضارکنندگان ارواح و افسونگران و جادوگران متوسل خواهند شد.»

^۴ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من مصریها را به دست حاکمی ستمگر و بیرحم تسلیم می‌کنم تا بر آنها حکمرانی کند.»

^۵ آب رود نیل کم خواهد شد و بعد از مدتی خشک خواهد گردید. ^۶ نهرها متعفن خواهند شد و آب جویها کم شده، خواهند خشکید. نی و بوریا پژمرده خواهند گردید، ^۷ تمام سبزه‌ها و مزرعه‌های کنار رود نیل خشک شده، از بین خواهند رفت و تمام محصول تلف خواهد شد. ^۸ همهٔ ماهیگیریانی که تور و قلاب به رود نیل می‌اندازند نومید خواهند شد و زاری خواهند کرد. ^۹ پارچه بافانی که با کتان پارچه می‌بافتند مأیوس خواهند گردید، ^{۱۰} و همهٔ بافندگان و کارگران نومید و دل شکسته خواهند شد.

^{۱۱} بزرگان شهر صوعن نادانند و هر مشورت و پندی که به پادشاه مصر می‌دهند احمقانه است. پس چگونه به پادشاه می‌گویند: «ما از نسل حکیمان و

پادشاهان قدیم هستیم!» ^{۱۲} ای پادشاه مصر مشاوران دانای تو کجا هستند؟ بگذار آنها به تو اطلاع دهند که خداوند قادر متعال برضد مصر چه اراده کرده است. ^{۱۳} رهبران صوعن و ممفیس و تمام بزرگان مصر احمق و گمراهند، مصر را به نابودی کشانده‌اند. ^{۱۴} خداوند سرگیجه به آنها داده و آنها مردم مصر را مانند اشخاص مست که بر قی خود می‌افتند و بلند می‌شوند و نمی‌دانند به کجا می‌روند، گمراه کرده‌اند. ^{۱۵} هیچکس نمی‌تواند مصر را نجات دهد نه بزرگ نه کوچک، نه ثروتمند و نه فقیر.

^{۱۶} در آن روز، مصریها مانند زنان ضعیف خواهند شد و هنگامی که ببینند خداوند قادر متعال دستش را برای مجازات آنان دراز کرده است از ترس خواهند لرزید. ^{۱۷} ایشان با شنیدن اسم سرزمین یهودا به وحشت خواهند افتاد. این را خداوند قادر متعال اراده نموده است. ^{۱۸} در آن زمان، پنج شهر در سرزمین مصر از خداوند قادر متعال پیروی نموده، به زبان عبری سخن خواهند گفت، و یکی از این شهرها «شهر آفتاب» نامیده خواهد شد.

^{۱۹} در آن روز، قربانگاهی در وسط مصر، و ستون یادبودی در مرز آن، برای خداوند برپا خواهد شد. ^{۲۰} اینها نشان دهندهٔ حضور خداوند قادر متعال در سرزمین مصر خواهند بود. از آن پس، هرگاه مصریها دعا کرده، از خداوند بخواهند تا آنها را از دست ظالمان برساند، او برای ایشان حامی و نجات دهنده‌ای خواهد فرستاد و ایشان را نجات خواهد داد. ^{۲۱} خداوند خود را به مصریها آشکار خواهد کرد و ایشان خداوند را خواهند شناخت. مردم مصر با تقدیم قربانی‌ها و هدایا او را عبادت خواهند کرد و نذرهای خود را به وی ادا خواهند نمود. ^{۲۲} به این ترتیب، خداوند اول مصریها را تنبیه خواهد کرد، سپس برگشته ایشان را شفا خواهد داد. بلی، مصریها بسوی خداوند بازگشت خواهند کرد و او دعایشان را شنیده، آنان را شفا خواهد داد.

^{۲۳} در آن روز، شاهراهی از مصر به آشور کشیده خواهد شد، و مصریها و آشوریها به سرزمینهای یکدیگر رفت و آمد خواهند کرد و هر دو یک خدا را

خود را به وحشت داده بود.

^۵ در رؤیا دیدم فرشها پهن شده و سفره چیده شده است و عده‌ای مشغول خوردن و نوشیدنند. ناگهان فرمانی صادر می‌شود: «ای سرداران برخیزید و سپرهای خود را برای جنگ آماده سازید!»

^۶ در این هنگام خداوند به من گفت: «یک دیده بان تعیین کن تا هر چه را می‌بیند، خبر دهد.» ^۷ هنگامی که ببیند سواران جفت‌جفت بر الاغ و شتر می‌آیند باید دقت کند.»

^۸ پس دیده بان را بالای حصار گذاشتم. یک روز او فریاد زد: «ای سرورم، روزها و شبها بر دیده‌بانگاه خود ایستاده دیده‌بانی کرده‌ام. اینک فوج سواران را می‌بینم که جفت‌جفت می‌آیند!»

در این هنگام، صدایی شنیدم که می‌گفت: «بابل سقوط کرد! بابل سقوط کرد! همهٔ بتهای بابل خرد شدند و روی زمین افتادند!»

^{۱۰} ای قوم من اسرائیل، ای قومی که مانند گندم کوبیده و غرابل شده‌اید، به این خیر خوشی که از جانب خداوند قادر متعال، خدای اسرائیل، به شما اعلام کردم، گوش دهید.

نبوت دربارهٔ ادوم

^{۱۱} این پیام برای ادوم است:

یک نفر از ادوم مرا صدا می‌زند: «ای دیده‌بان، از شب چه خبر؟ چقدر مانده شب تمام شود؟»

^{۱۲} من جواب می‌دهم: «بزودی روز داوری شما فرامی‌رسد. بسوی خدا بازگشت کنید تا من خیر خوشی به شما دهم. او را بطلبید و دوباره بیایید و بپرسید.»

نبوت دربارهٔ عربستان

^{۱۳} این پیام برای عربستان است:

ای مردم ددان که در بیابانهای عربستان اردو می‌زنید، ^{۱۴} به تشنگانی که نزد شما می‌آیند آب دهید؛ ای مردم تیما به فراریان خوراک دهید. ^{۱۵} اینها از شمشیر برهنه و کمان کشیده و از جنگ سخت گریخته‌اند. ^{۱۶} خداوند به من گفت: «درست پس از

خواهند پرستید. ^{۲۳} اسرائیل نیز با ایشان متحد خواهد شد و هر سه مملکت با هم باعث برکت تمام جهان خواهند گردید. ^{۲۵} خداوند قادر متعال آنها را برکت داده، خواهد گفت: «متبارک باد قوم من مصر و صنعت دست من آشور و میراث من اسرائیل!»

نبوت دربارهٔ مصر و حبشه

۲۰ سرگن، پادشاه آشور، سردار سپاه خود را به شهر اشدود در فلسطین فرستاد و آن را تسخیر کرد. ^۲ سه سال پیش از این رویداد، خداوند به اشعیا پسر آموص فرموده بود که لباس و کفش خود را از تن دریاورد و عریان و پا برهنه راه برود، و اشعیا چنین کرد. ^۳ هنگامی که اشدود بدست آشور افتاد خداوند فرمود: «خدمتگزار من اشعیا مدت سه سال عریان و پا برهنه راه رفته است. این نشانهٔ بلاهای هولناکی است که من بر مصر و حبشه خواهم آورد. ^۴ پادشاه آشور مردم مصر و حبشه را اسیر خواهد کرد و کوچک و بزرگ را مجبور خواهد ساخت عریان و پا برهنه راه بروند تا مصر را رسوا کند. ^۵ ^۶ آنگاه مردمی که در سواحل فلسطین زندگی می‌کنند و تکیه گاهشان حبشه، و فخرشان مصر است، پریشان و رسوا شده، خواهند گفت: «اگر بر سر مصر که می‌خواستیم از دست آشور به او پناه ببریم چنین بلایی آمد، پس بر سر ما چه خواهد آمد؟»

نبوت دربارهٔ بابل

این پیام برای بابل است:

۲۱ مهاجمی از سرزمین دهشت، مانند گردباد بیابانی، بسوی بابل می‌آید. ^۲ رؤیای ترسناکی می‌بینم، رویای خیانت و نابودی!

ای لشکر عیلام حمله کن! ای لشکر ماد محاصره کن! خدا به نالهٔ قومهایی که زیر دست بابل هستند پایان می‌دهد.

^۳ با دیدن و شنیدن این چیزها مدهوش شدم و دردی چون درد زایمان همهٔ وجودم را فرا گرفت. ^۴ می‌ترسیدم و قلبم بشدت می‌تپید. آرزوی می‌کردم هر چه زودتر شب فرا رسد، ولی آرامش شب نیز جای

و بنوشیم، چون فردا می‌میریم.»^{۱۲} خداوند قادر متعال به من گفته که این گناه شما تا به هنگام مرگ هرگز آرمزیده نخواهد شد. بلی، این را خداوند قادر متعال فرموده است.

^{۱۵} خداوند، خدای قادر متعال به من فرمود که نزد «شبنا» وزیر دربار بروم و به او چنین بگویم: ^{۱۶} «تو در اینجا چه می‌کنی؟ چه کسی به تو اجازه داده در اینجا قبری برای خود بکنی؟ ای کسی که قبر خود را در این صخره بلند می‌تراشی،^{۱۷} هر مقامی که داشته باشی، خداوند تو را برمی‌دارد و دور می‌اندازد.»^{۱۸} تو را مانند یک گوی بر می‌دارد و به سرزمینی دور پرتاب می‌کند. در آنجا تو در کنار عرابه‌هایت که به آنها افتخار می‌کردی خواهی مرد. تو مایهٔ ننگ دربار هستی،^{۱۹} پس خداوند تو را از این مقام و منصبی که داری برکنار خواهد کرد.»

^{۲۰} خداوند به شبنا چنین می‌گوید: «در آن روز، خدمتگزار خود، الیاقیم، پسر حلقیا را بجای تو خواهم نشانند.»^{۲۱} لباس تو را به او خواهم پوشاند و کمربندت را به کمرش خواهم بست و اقتدار تو را به او خواهم داد. او برای مردم اورشلیم و خاندان یهودا پدر خواهد بود.^{۲۲} کلید دربار داود پادشاه را به او خواهم داد و او هر دری را بگشاید کسی آن را نخواهد بست و هر دری را ببندد کسی آن را نخواهد گشود! ^{۲۳} او را مانند میخی، محکم در جای خود خواهم کوبید و او مایهٔ سربلندی خاندان خود خواهد شد.

^{۲۴} «اما تمام خاندان و فرزندان او مانند کاسه‌ها و کوزه‌هایی که بر میخ می‌آویزند بر او خواهند آویخت.»^{۲۵} وقتی چنین شود آن میخی که محکم به دیوار کوبیده شده است، شل شده، خواهد افتاد و باری که بر آن است متلاشی خواهد شد.» این را خداوند قادر متعال فرموده است.

نبوت دربارهٔ فنیقیه

۲۳ پیامی برای صور:
ای کشتی‌های صور که از سرزمینهای دوردست باز می‌گردید، برای صور گریه کنید، زیرا چنان ویران شده که نه خانه‌ای و نه بندرگاهی برایش

یک سال قدرت و شوکت قبیلهٔ قیدار از بین خواهد رفت.^{۱۷} و از تیراندازان و جنگاوران این قبیله بیش از چند نفر باقی نخواهند ماند. من که خداوند، خدای اسرائیل هستم این را می‌گویم.»

نبوت دربارهٔ اورشلیم

این پیام برای اورشلیم است:

۲۲

چه شده است؟ چرا مردم شهر به پشت‌بامها می‌دوند؟ در تمام شهر غوغا برپاست! برای این شهر شاد و پر جنب و جوش چه پیش آمده است؟ مردان اورشلیم کشته شده‌اند اما نه در جنگ، و نه با شمشیر.^۳ همهٔ رهبران با هم فرار کردند و بدون اینکه تیری بیاندازند تسلیم شدند. وقتی دشمن هنوز دور بود مردم با هم گریختند و اسیر گردیدند.^۴ پس مرا به حال خود بگذارید تا برای مصیبت قومم، به تلخی بگریم. کوشش نکنید مرا تسلی دهید،^۵ زیرا اینک زمان آن رسیده که خداوند قادر متعال اورشلیم را دچار مصیبت و آشفتنگی و انهدام کند. دیوارهای شهر ما فرو ریخته است. فریاد مردم در کوه‌ها طنین می‌افکند.^۶ سپاهیان عیلام تیر و کمان را آماده کرده، بر اسبهای خود سوار شده‌اند و سربازان سرزمین «قیر» سپرهای خود را بدست گرفته‌اند.^۷ دشتهای سرسبز یهودا از عرابه‌های دشمن پر شده است و سواران دشمن به پشت دروازه‌های شهر رسیده‌اند.^۸ نیروی دفاعی یهودا در هم شکسته است.

برای آوردن اسلحه به اسلحه‌خانه می‌دوید.^۹ «ارخنه‌های حصار شهر را بررسی می‌کنید، سپس خانه‌های اورشلیم را می‌شمارید تا آنها را خراب کنید و مصالحشان را برای تعمیر حصار به کار ببرید. برای ذخیره کردن آب،^{۱۱} آب انبار در داخل شهر درست می‌کنید تا آب برکهٔ قدیمی تحتانی را در آن بریزید. تمام این کارها را می‌کنید اما به خدا که سازندهٔ همه چیز است توجهی ندارید.»^{۱۲} خداوند، خدای قادر متعال از شما می‌خواهد که گریه و ماتم کنید، موی خود را بتراشید و پلاس ببوشید.^{۱۳} اما شما شادی می‌کنید، گاو و گوسفند سر می‌برید تا گوششتان را با شراب بخورید و خوش بگذرانید. می‌گویید: «بخوریم

۱۶ ای فاحشه فراموش شده،

چنگ را بدست بگیر و در شهر بگرد.

خوش بنواز و آوازهای بسیار بخوان،

تا مردم دوباره تو را بیاد آورند.»

۱۷ بلی، پس از گذشت آن هفتاد سال، خداوند

اجازه خواهد داد صور دوباره رونق یابد و با مشتریان

خود در تمام دنیا تجارت کند. ۱۸ اما سودی که عاید

صور شود در خزانه او ذخیره نخواهد شد، بلکه وقف

خداوند خواهد گردید تا به مصرف خوراک و

پوشاک پیروان راه خداوند برسد.

خداوند زمین را ویران می‌کند

خداوند زمین را ویران و متروک خواهد

کرد؛ پوسته‌اش را خراب کرده، ساکنانش را

پراکنده خواهد ساخت. ۲ همه به یک سرنوشت دچار

خواهند شد کاهن و غیر کاهن، نوکر و ارباب، کنیز و

خاتون، خریدار و فروشنده، قرض دهنده و قرض

گیرنده، برنده و بازنده. ۳ زمین بکلی خالی و غارت

خواهد شد. این را خداوند فرموده است.

۴ زمین خشک و پژمرده می‌شود و بلندبهای آن

پست می‌گردد. ۵ مردم روی زمین از احکام و اوامر

خدا سرپیچی کرده، عهد جاودانی او را شکسته‌اند؛

بنابراین جهان دچار لعنت شده است. ساکنان آن

تاوان گناهان خود را پس می‌دهند. زمین سوخته و

عده کمی از مردم باقی مانده‌اند. ۶ محصول انگور کم

شده و شراب نایاب گردیده است. آنانی که شاد بودند

اکنون غمگینند. ۸ دیگر نوای دلنشین دف و چنگ

شنیده نمی‌شود. آن روزهای خوش به سر آمده است.

۹ دیگر بزم می و مطرب وجود ندارد و شراب به کام

نوشندگان تلخ است. ۱۰ در شهر هرج و مرج است و

مردم در خانه خود را محکم می‌بندند تا کسی وارد

نشود. ۱۱ در کوچه‌ها فریاد آنانی بگوش می‌رسد که به

دنبال شراب می‌گردند. شادبها از بین رفته و خوشبها

از روی زمین رخت بر بسته است. ۱۲ شهر ویران

گشته و دروازه‌هایش شکسته شده و از بین رفته‌اند.

۱۳ در تمام ممالک دنیا این اتفاق خواهد افتاد. دنیا

مانند درخت زیتونی خواهد بود که تکانیده

باقی مانده است! آنچه در قبرس درباره‌اش شنیدید

حقیقت دارد. ۳۲ زمانی بندر صور مرکز تجارت دنیا

محسوب می‌شد. کشتیهای صیدون که از مصر غله

می‌آوردند تا تاجران صیدون با آن با تمام دنیا

تجارت کنند، در این بندر لنگر می‌انداختند. اما اینک

صور در سکوت مرگبار فرو رفته است!

۴ شرم بر تو باد ای صیدون، ای فرزند مستحکم

دریا! زیرا دریا می‌گوید: «من هرگز درد نکشیده و

نزاییده‌ام و کودکی پرورش نداده‌ام.» ۵ چون خبر

خرابی صیدون به مصر رسد او نیز سخت خواهد

ترسید.

۶ ای مردم فنیقه گریه کنان به ترشیش فرار کنید!

۷ آیا این همان شهر تاریخی و پرشکوه شما، صور

است که چنین ویران گشته؟ زمانی مردم صور به

جاهای دور می‌رفتند تا سرزمینها را تصاحب کرده

آنها را محل سکونت خود سازند. ۸ چه کسی این

مصیبت را بر سر این شهر سلطنتی که تجار و

بازرگانانش در تمام جهان معروفند، آورده است؟

۹ خداوند قادر متعال این کار را کرده تا غرور صور را

بشکند و آنانی را که در جهان معروفند خوار سازد.

۱۰ ای مردم ترشیش، سرزمین خود را مثل

کناره‌های رود نیل حاصلخیز کنید، زیرا دیگر مانعی

بر سر راه شما نیست. ۱۱ خداوند دست خود را بر دریا

دراز کرده ممالک دنیا را تکان می‌دهد. او دستور

داده که شهرهای تجاری فنیقه را ویران کنند. ۱۲ ای

مردم بلا دیده صیدون، شما دیگر از آسایش

برخوردار نخواهید شد. اگر به قبرس نیز فرار کنید در

آنجا راحت نخواهید بود. ۱۳ به بابل نگاه کنید! ببینید

چگونه مردم این سرزمین از بین رفتند! آشوریها بابل

را محاصره کرده، کاخهایش را در هم کوبیدند و این

سرزمین را با خاک یکسان کردند. ۱۴ ای کشتی‌هایی

که در دریا هستید زاری کنید، زیرا بندرگاه شما ویران

شده است.

۱۵ صور مدت هفتاد سال، که طول عمر یک

پادشاه است، به فراموشی سپرده خواهد شد. پس از

آن هفتاد سال، صور مانند فاحشه آن سرودی خواهد

بود که کلماتش چنین است:

شده باشد، و یا خوشه انگوری که میوه اش را چیده باشند.

^{۱۲} کسانی که باقی بمانند از شادی فریاد خواهند زد و آواز خواهند خواند. آنان که در غرب هستند بزرگی خداوند را خواهند ستود. ^{۱۵} و آسانی که در شرق هستند او را سپاس خواهند گفت. ساکنان جزایر نیز خداوند، خدای اسرائیل را پرستش خواهند کرد ^{۱۶} و از سرزمینهای دور دست صدای مردم را خواهیم شنید که در وصف خدای عادل سرود می خوانند.

اما افسوس! افسوس که بدکاران و خیانتکاران به شرارت خود ادامه می دهند. این مرا غمگین و ناامید می کند. ^{۱۷} ای مردم دنیا بدانید که ترس و گودال و دام در انتظار شماست. ^{۱۸} اگر از ترس فرار کنید در گودال خواهید افتاد، و اگر از گودال بیرون بیاید در دام گرفتار خواهید شد. از آسمان بشدت باران خواهد بارید و اساس زمین تکان خواهد خورد. ^{۱۹} زمین در هم خواهد شکست و خرد شده، از هم خواهد پاشید. ^{۲۰} زمین مانند مستی است که افتان و خیزان راه می رود و مثل خیمه ای است که در برابر طوفان تکان می خورد. دنیا زیر بار گناهش خم شده و یک روز خواهد افتاد و دیگر بر نخواهد خاست.

^{۲۱} در آن روز خداوند، نیروهایی را که در آسمان هستند و قدرتمندانی را که بر زمین حکومت می کنند مجازات خواهد کرد. ^{۲۲} آنان مانند اسیرانی که در سیاهچال زندانی هستند نگه داری خواهند شد تا روز محاکمه فرا رسد. ^{۲۳} ماه تاریک خواهد شد و خورشید دیگر نور نخواهد داد، زیرا خداوند قادر متعال سلطنت خواهد کرد. او بر کوه صهیون جلوس فرموده، در اورشلیم حکومت خواهد کرد و رهبران دنیا شکوه و جلال او را خواهند دید.

سپاسگزاری از خداوند

۲۵ ای خداوند، تو را ستایش می کنم و نامت را گرامی می دارم، چون تو خدای من هستی. تو کارهای شگفت انگیز کرده ای و آنچه را که از قدیم اراده نموده ای در کمال درستی و امانت به انجام رسانیده ای. ^۲ شهرها را با خاک یکسان کرده ای

و قلعه های مستحکم را از بین برده ای. کاخهای دشمنان ما ویران شده اند و هرگز بنا نخواهند شد. بنابراین، قویترین قوم های جهان تو را خواهند پرستید و ظالمتترین قوماها از تو خواهند ترسید.

^۳ ای خداوند، تو برای فقیران و بی کسان به هنگام سختی پناهگاه هستی، در برابر طوفان سر پناه، و در گرمای روز سایه. نفس ستمگران مانند سیلابی است که بر دیوار گلی یورش می برد ^۵ و همچون گرمایی است که زمین را می سوزاند. اما تو، ای خداوند، صدای دشمنان ما را خاموش کردی، و مانند ابری که گرمای روز را کاهش می دهد، سرود ستمگران را خاموش ساختی.

ضیافت خداوند

^۶ خداوند قادر متعال در اورشلیم، بر کوه صهیون، ضیافتی برای تمام قومهای جهان بر پا خواهد کرد و سفره ای رنگین خواهد گستراند با انواع غذاهای لذیذ و شرابه های کهنه گوارا. ^۷ در آنجا او ابر تیره را که بر تمام مردم دنیا سایه افکنده است کنار خواهد زد ^۸ و مرگ را برای همیشه نابود خواهد کرد. خداوند هر اشکی را از چشماها پاک خواهد کرد و ننگ قوم خود را از روی تمام زمین برخواهد داشت. این را خداوند فرموده است.

^۹ در آن روز، مردم خواهند گفت: «این همان خدای ماست که بر او امید بسته بودیم. این همان خداوند ماست که منتظرش بودیم. اینک او ما را نجات داده است، پس بیاید برای این نجات شاد و مسرور باشیم.»

خداوند مواب را مجازات خواهد کرد

^{۱۰} دست خداوند کوه صهیون را حفظ خواهد کرد، اما مردم مواب زیر پای او له خواهند شد همانگونه که گاه در گندآب له می شود. ^{۱۱} آنها دستهای خود را مثل شناگران، با مهارت باز خواهند کرد تا شنا کنند، اما خدا دستهایشان را سست خواهد کرد و غرور آنها را در هم خواهد شکست. ^{۱۲} او قلعه های مواب را با حصارهای بلندشان در هم

کوبیده، بر زمین خواهد ریخت و با خاک یکسان خواهد کرد.

سرود ستایش

۲۶ در آن روز، این سرود در سرزمین یهودا خوانده خواهد شد:

شهر ما قوی و محکم است و خدا با حصار نجاتبخش خود ما را حفظ می‌کند.^۲ دروازه‌ها را بگشایید تا قوم عادل و با ایمان وارد شوند.^۳ ای خداوند، تو کسانی را که به تو توکل دارند و در عزم خود راسخند در آرامش کامل نگاه خواهی داشت.^۴ همیشه بر خداوند توکل کنید؛ او جانپناه جاودانی ماست!^۵ خدا اشخاص مغرور را پست گردانیده و شهر مستحکم آنان را با خاک یکسان کرده است.^۶ کسانی که زیر ظلم و ستم بوده‌اند اینک پیروزمندانه بر خرابه‌های شهر قدم می‌گذارند و آن را لگدمال می‌کنند.

^۷ راه درستکاران راست است؛ پس ای خدای راستی راه ایشان را هموار ساز.^۸ ای خداوند، ما از خواست تو پیروی می‌کنیم و به تو امید بسته‌ایم؛ اشتیاق قلب ما تنها تو هستی.^۹ شب را در اشتیاق تو بسر می‌برم و هنگام سپیده دم تو را می‌طلبم. هنگامی که تو جهان را داوری کنی آنگاه مردم مفهوم عدالت را خواهند آموخت.

^{۱۰} هر چند تو نسبت به گناهکاران رحیم هستی، اما آنان هرگز یاد نمی‌گیرند که خوبی کنند. آنان در این سرزمین خوبان به بدکاری خود ادامه می‌دهند و به جلال و عظمت تو توجه نمی‌کنند.^{۱۱} دشمنانت نمی‌دانند که تو آنها را مجازات خواهی کرد. خداوند، آنها را مجازات کن و نشان بده که قومت را دوست داری. بگذار سر افکنده شوند؛ بگذار در آتش خشم تو بسوزند.

^{۱۲} خداوند، می‌دانیم تو برای ما صلح و سلامتی به ارمغان خواهی آورد، زیرا تابحال هر موفقیتی که کسب کرده‌ایم، در واقع تو به ما عنایت فرموده‌ای.^{۱۳} ای خداوند، اربابان بسیاری بر ما حکومت کرده‌اند، اما ارباب واقعی ما تو هستی و ما تنها تو را

پرستش خواهیم کرد.^{۱۴} آنان مردند و از بین رفتند و دیگر هرگز باز نمی‌گردند. تو آنها را به سزای اعمالشان رساندی و نابود کردی و نامشان را از خاطرها محو ساختی.^{۱۵} ای خداوند، قوم خود را افزودی و مملکت ما را وسیع ساختی. این سبب شده است که تو معروف شوی و نامت بر سر زبانها بیافتد.^{۱۶} خداوند، تو قومت را تنبیه کردی و ایشان هنگام سختی، در خفا به درگاه تو دعا کردند.^{۱۷} ای خداوند، ما در حضور تو مثل زن حامله‌ای هستیم که هنگام زاییدن درد می‌کشد و فریاد برمی‌آورد.^{۱۸} هر چند حامله شده، درد کشیدیم، ولی چیزی نزیایدیم و نتوانستیم برای ساکنان زمین نجات به ارمغان آوریم.^{۱۹} اما مردگان قوم تو زنده شده، از خاک بر خواهند خاست؛ زیرا شب‌نم تو بر بدنهای ایشان خواهد نشست و به آنها حیات خواهد بخشید. کسانی که در خاک زمین خفته‌اند بیدار شده، سرود شادمانی سر خواهند داد.

مجازات و رستگاری اسرائیل

^{۲۰} ای قوم من، به خانه‌های خود بروید و درها را پشت سر خود ببندید. مدت کوتاهی خود را پنهان کنید تا غضب خدا بگذرد.^{۲۱} زیرا خداوند از آسمان می‌آید تا مردم دنیا را بسبب گناهانشان مجازات کند. زمین تمام خونهای ریخته شده را آشکار خواهد ساخت و دیگر اجساد کشته‌شدگان را در خود پنهان نخواهد کرد.

۲۷ در آن روز، خداوند با شمشیر بسیار تیز و برنده خود، «لویاتان» را که ماری تیزرو و پیچنده است به سزای اعمالش خواهد رساند و آن اژدها را که در دریاست خواهد کشت.

^۲ در آن روز، خداوند دربارهٔ تا کستان پربار خود خواهد گفت:

^۳ من از این تا کستان مراقبت می‌نمایم و مرتب آن را آبیاری می‌کنم. روز و شب مواظب هستم تا کسی

* در این آیه منظور از «لویاتان» و «اژدها» دشمنان قوم اسرائیل هستند که بر این قوم ظلم می‌کردند.

مسهلک و سیلاب خروشان بر سرزمین اسرائیل می‌فرستد تا آن را فرا بگیرد. ^۳ آنگاه شهری که مایه افتخار میگساران اسرائیل است زیر پاهای پایمال خواهد شد. ^۴ شکوه و زیبایی دره‌های حاصلخیز آن ناگهان از بین خواهد رفت درست مانند نوبل انجیر که به محض دیده شدن بر سر شاخه‌ها، چیده و خورده می‌شود.

^۵ روزی خواهد آمد که خداوند قادر متعال، خود برای بازماندگان قومش تاج جلال و زیبایی خواهد بود. ^۶ او به قضات توانایی تشخیص خواهد بخشید و به سربازان قدرت خواهد داد تا از دروازه‌های شهر دفاع کنند.

^۷ اما اینک اشخاص مست اورشلیم را اداره می‌کنند! حتی کاهنان و انبیا نیز مستند؛ شراب ایشان را چنان مست و گیج کرده که قادر نیستند پیامهای خدا را دریابند و آنها را به مردم رسانده، آنان را ارشاد کنند. ^۸ سفره‌هایشان پر از استفرغ و کثافت است و هیچ جای پاکیزه‌ای دیده نمی‌شود.

^۹ آنها می‌گویند: «اشعیا به چه کسی تعلیم می‌دهد؟ چه کسی به تعلیم او احتیاج دارد؟ تعلیم او فقط برای بچه‌ها خوب است! ^{۱۰} او هر مطلبی را بارها برای ما تکرار می‌کند و کلمه به کلمه توضیح می‌دهد.»

^{۱۱} چون مردم به این تعلیم گوش نمی‌دهند، خدا قوم بیگانه‌ای را خواهد فرستاد تا به زبان بیگانه به آنها درس عبرت بدهند! ^{۱۲} خدا می‌خواست به ایشان آرامش و امنیت ببخشد، اما ایشان نخواستند از او اطاعت کنند. ^{۱۳} پس خداوند هر مطلبی را بارها برای ایشان تکرار خواهد کرد و کلمه به کلمه توضیح خواهد داد. این قوم افتاده، خرد خواهند شد و در دام خواهند افتاد و سرانجام اسیر خواهند شد.

^{۱۴} پس ای حکمرانان اورشلیم که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرید، به آنچه خداوند می‌فرماید توجه کنید. ^{۱۵} شما می‌گویید که با مرگ معامله کرده‌اید و با دنیای مردگان قرارداد بسته‌اید. اطمینان دارید که هرگاه مصیبتی رخ دهد هیچ‌گزندی به شما نخواهد رسید؛ اما بدانید که این اطمینان باطل است و شما خود را فریب می‌دهید. ^{۱۶} اینک خداوند چنین

به آن آسیبی نرساند. ^{۱۷} دیگر بر تاکستان خود خشمگین نیستم. اگر بینم خارها مزاحمش هستند، آنها را یکجا آتش خواهم زد، مگر اینکه این دشمنان قوم من تسلیم شوند و از من تقاضای صلح کنند.»

^{۱۸} زمانی خواهد رسید که اسرائیل ریشه خواهد زد، غنچه و شکوفه خواهد آورد و دنیا را از میوه پر خواهد ساخت.

^{۱۹} خداوند به اندازه‌ای که دشمنان قوم اسرائیل را تنبیه کرده است این قوم را تنبیه نکرده است. ^{۲۰} او برای مجازات اسرائیل، آنها را از سرزمینشان به دیار دور تبعید کرد گویی باد شرقی وزید و آنان را با خود برد. ^{۲۱} او این کار را کرد تا گناه قوم اسرائیل را کفاره کند و آنها را از هر چه بت و بتکده هست پاک سازد و قوم اسرائیل دیگر بتها را نپرستند.

^{۲۲} شهرهای مستحکم اسرائیل خالی از سکنه شده و مانند بیابان متروک گردیده‌اند. در آنجا گاوها می‌چرند و شاخ و برگ درختان را می‌خورند. ^{۲۳} شاخه‌های درختان خشک شده، می‌افتند و زنها آنها را جمع کرده، در اجاق می‌سوزانند. خدا بر این قوم رحم و شفقت نمی‌کند، زیرا خالق خود را نمی‌شناسند.

^{۲۴} اما زمانی خواهد رسید که خداوند مانند کسی که خوشه‌های گندم را دانه‌دانه برمی‌چیند و از پوستش جدا می‌کند، بنی اسرائیل را از رود فرات تا مرز مصر جمع خواهد کرد. ^{۲۵} در آن روز، شیور بزرگ نواخته خواهد شد و بسیاری از قوم یهود که به آشور و مصر تبعید شده‌اند باز خواهند گشت و خداوند را در اورشلیم بر کوه مقدسش پرستش خواهند کرد.

اخطار به اسرائیل

۲۸ وای بر سامره! وای بر این شهری که با دره‌های حاصلخیز احاطه شده و مایه افتخار میگساران اسرائیل است! شراب، رهبران اسرائیل را از پای در آورده است. جلال اسرائیل که همانند تاج گلی بر سر رهبرانش بود، در حال پژمردن است. ^۲ خداوند کسی را دارد که زور آور و توانا است. خداوند او را مانند تگرگ شدید و طوفان

سرنوشت اورشلیم

۲۹

وای بر تو ای اورشلیم، ای شهر داود! هر سال قربانی‌های زیادتری به خدا تقدیم می‌کنی،^۲ ولی خدا تو را سخت مجازات خواهد کرد و تو را که به «قربانگاه خدا» معروف هستی به قربانگاهی پوشیده از خون تبدیل خواهد کرد. ^۳ او از هر طرف تو را محاصره کرده، بر تو یورش خواهد برد. ^۴ تو سقوط خواهی کرد و ناله‌ات مانند صدای ارواح مردگان، از زیر خاک بزمخت شنیده خواهد شد.

^۵ اما دشمنان تو نیز خرد خواهند شد و کسانی که بر تو ظلم می‌کردند همچون کاه در برابر باد، رانده و پراکنده خواهند شد. در یک چشم بهم زدن خداوند قادر متعال با رعد و زلزله و صدای مهیب، با گردباد و طوفان و شعله آتش به کمک تو خواهد شتافت ^۶ و تمام سپاهیان دشمن را که تو را محاصره و مورد یورش خود قرار داده‌اند و با تو می‌جنگند مثل خواب و رؤیای شبانه محو و نابود خواهد کرد. ^۷ ای اورشلیم، آنانی که با تو جنگ می‌کنند مانند شخص گرسنه‌ای خواهند بود که خواب می‌بیند که خوراک می‌خورد، اما وقتی بیدار می‌شود هنوز گرسنه است، و یا شخص تشنه‌ای که در خواب می‌بیند که آب می‌نوشد، اما وقتی بیدار می‌شود عطش او همچنان باقی است.

^۸ ای شکاکان، در حیرت و کوری خود باقی بمانید! شما مست هستید اما نه از میگساری، سرگیجه گرفته‌اید اما نه از شرابخواری! ^۹ خداوند خواب سنگینی به شما داده است. او چشمان انبیای شما را بسته است، ^{۱۰} آنگونه که رؤیایا و الهامهایی را که داده می‌شود نمی‌توانند ببینند. این رؤیایا برای ایشان مانند طوماری است مهر و موم شده که اگر آن را بدست کسی که خواندن می‌داند بدهید، می‌گوید: «نمی‌توانم بخوانم چون مهر و موم شده است.» ^{۱۱} و اگر به کسی بدهید که خواندن نمی‌داند او نیز می‌گوید: «نمی‌توانم بخوانم چون خواندن نمی‌دانم.»

^{۱۲} خداوند می‌فرماید: «این قوم با زبان خود مرا می‌پرستند، ولی دلشان از من دور است. پرستش

می‌فرماید: «من یک سنگ زیر بنا در صهیون می‌گذارم یک سنگ گرانبها، یک سنگ آزموده شده، یک اساس محکم؛ هر که بر آن اطمینان کند مضطرب نخواهد شد. ^{۱۳} انصاف، ریسمان آن و عدالت، شاقول آن خواهد بود.»

بارش تنگترک پناهگاه شما را که بر دروغ استوار است ویران خواهد کرد و سیل مخفیگاه شما را خواهد برد. ^{۱۴} قراردادی که با مرگ و دنیای مردگان بسته‌اید باطل خواهد شد، بنابراین وقتی مصیبت بیاید شما را از پای درمی‌آورد. ^{۱۵} مصیبت روز و شب بسراغتان خواهد آمد و شما را گرفتار خواهد کرد. هر بار که پیامی از خدا بشنوید وحشت سراپایتان را فرا خواهد گرفت. ^{۱۶} شما مانند کسی خواهید بود که می‌خواهد بخوابد اما بسترش کوتاهتر از آنست که بر آن دراز بکشد و لحافش تنگتر از آنکه او را بپوشاند. ^{۱۷} خداوند با خشم و غضب خواهد آمد تا کارهای شگفت‌انگیز خود را به انجام رساند همانگونه که در کوه فراصیم و دره جبعون این کار را کرد. ^{۱۸} پس، از تمسخر دست بردارید مبدا مجازات شما سنگینتر شود، زیرا خداوند، خدای قادر متعال به من گفته که قصد دارد تمام زمین را نابود کند.

حکمت خداوند

^{۱۹} بمن گوش کنید! به سخنان من توجه کنید! ^{۲۰} یک کشاورز تمام وقت خود را صرف شخم زدن زمین نمی‌کند. ^{۲۱} او می‌داند کی باید آن را آماده کند تا در آن تخم بکارد. می‌داند تخم گشنیز و زیره را کجا بپاشد و بذر گندم و جو و ذرت را کجا بکارد. ^{۲۲} او می‌داند چه کند زیرا خدایش به او یاد داده است. ^{۲۳} او هرگز برای کوبیدن گشنیز و زیره از خرمن‌کوب استفاده نمی‌کند، بلکه با چوب آنها را می‌کوبد. ^{۲۴} برای تهیه آرد، او می‌داند چه مدت باید گندم را خرمن‌کوبی کند و چگونه چرخ عرابه خود را بر آن بگرداند بدون اینکه اسبان عرابه، گندم را له کنند. ^{۲۵} تمام این دانش از خداوند قادر متعال که رأی و حکمتش عجیب و عظیم است صادر می‌گردد.

من. برخلاف میل من پیمانها می‌بندند و بدین ترتیب بر گناهان خود می‌افزایند.^۲ آنان بی آنکه با من مشورت کنند به مصر می‌روند تا از فرعون کمک بگیرند، زیرا بر قدرت او امید بسته‌اند.^۳ ولی امید بستن بر قدرت پادشاه مصر جز نومییدی و رسوایی سودی نخواهد داشت.^۴ هر چند تسلط فرعون تا شهرهای صوغن و حانیس می‌رسد،^۵ اما او هیچ کمکی به مردم یهودا نخواهد کرد و سودی به ایشان نخواهد رسانید. ایشان از اینکه بر مصریان اعتماد کرده‌اند پشیمان خواهند شد.

^۶ «ببینید چگونه گنجهایشان را بار الاغها و شتران کرده، بطرف مصر در حرکتند! ایشان از میان بیابانهای هولناک و خطرناک که پر از شیرهای درنده و مارهای سمی است می‌گذرند تا نزد قومی برسند که هیچ کمکی به ایشان نخواهد کرد.^۷ کمک مصر بیهوده و بی‌فایده است؛ به همین دلیل است که مصر را ازدهای بی‌خاصیت لقب داده‌ام.»

^۸ خداوند به من گفت که تمام اینها را در طوماری بنویسم و ثبت کنم تا برای آیندگان سندی ابدی باشد از یاغیگری این قوم.^۹ زیرا قوم اسرائیل قومی یاغی هستند و نمی‌خواهند از قوانین خداوند اطاعت کنند.^{۱۰} آنها به انبیا می‌گویند: «برای ما نبوت نکنید و حقیقت را نگویند. سخنان دلپذیر به ما بگویید و رؤیاهای شیرین برای ما تعریف کنید.»^{۱۱} نمی‌خواهیم درباره‌ی خدای قدوس اسرائیل چیزی بشنویم. پس راه و رسم او را به ما تعلیم ندهید.»

^{۱۲} اما پاسخ خدای قدوس اسرائیل این است: «شما به پیام من اعتنا نمی‌کنید، بلکه به ظلم و دروغ تکیه می‌کنید.^{۱۳} پس بدانید که این گناهتان باعث نابودی شما خواهد شد. شما مانند دیوار بلندی هستید که در آن شکاف ایجاد شده و هر لحظه ممکن است فرو ریزد. این دیوار ناگهان فرو خواهد ریخت و درهم خواهد شکست،^{۱۴} و شکستگی آن مانند شکستگی کوزه‌ای خواهد بود که ناگهان از دست کوزه‌گر می‌افتد و چنان می‌شکند و خرد می‌شود که نمی‌توان از تکه‌های آن حتی برای گرفتن آتش از آتشدان و یا برداشتن آب از حوض استفاده کرد.»

ایشان مراسمی است توخالی و انسانی.^{۱۴} پس با ضربات غیر منتظره‌ی خود، این قوم را به حیرت خواهم انداخت. حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد و فهم فهیمان ایشان از بین خواهد رفت.»

^{۱۵} وای بر آنانی که کوشش می‌کنند نقشه‌های خود را از خداوند پنهان کنند. آنان نقشه‌های خود را در تاریکی به اجرا می‌گذارند و می‌گویند: «چه کسی می‌تواند ما را ببیند؟ چه کسی می‌تواند ما را بشناسد؟»^{۱۶} آنان در اشتباه هستند و فرقی بین کوزه و کوزه‌گر قائل نیستند. آیا مصنوع به صانع خود می‌گوید: «تو مرا نساخته‌ای؟» و یا به او می‌گوید: «تو نمی‌دانی چه می‌کنی؟»

^{۱۷} پس از مدت کوتاهی لبنان دو باره به بوستان پر ثمر و جنگل پر درخت تبدیل خواهد شد.^{۱۸} در آن روز، کران کلمات کتابی را که خوانده شود خواهند شنید و کوران که در تاریکی زندگی کرده‌اند با چشمانشان خواهند دید.^{۱۹} بار دیگر فقیران و فروتان وجد و شادی خود را در خداوند، خدای قدوس اسرائیل، باز خواهند یافت.^{۲۰} زیرا ستمگران و مسخره‌کنندگان از بین خواهند رفت و تمام کسانی که شرارت می‌کنند نابود خواهند شد.^{۲۱} کسانی که با شهادت دروغ بیگناه را مجرم می‌سازند، با نیرنگ رأی دادگاه را تغییر می‌دهند و با سخنان بی‌اساس باعث می‌شوند حق به حقدار نرسد، جان سالم بدر نخواهند برد.

^{۲۲} بنابراین، خداوندی که ابراهیم را رهانید درباره‌ی اسرائیل چنین می‌گوید: «ای قوم من، از این به بعد دیگر سرافکنده نخواهید شد و رنگ چهره‌تان از ترس نخواهد پرید.»^{۲۳} وقتی فرزندان خود را که من به شما می‌بخشم ببینید، آنگاه با ترس و احترام مرا که خدای قدوس اسرائیل هستم ستایش خواهید کرد.^{۲۴} اشخاص گمراه حقیقت را خواهند شناخت و افراد سرکش تعلیم‌پذیر خواهند شد.»

عهد یهودا با مصر

خداوند می‌فرماید: «وای بر فرزندان یاغی من! آنان با هرکسی مشورت می‌کنند جز با

کرده، شفا دهد و زخمهایشان را ببندد!

مجازات آشور

^{۲۷} اینک خداوند از جای دور می آید! خشم او شعله ور است و دود غلیظی او را احاطه کرده است. او سخن می گوید و کلماتش مثل آتش می سوزاند. ^{۲۸} نفس دهان او مانند سیل خروشان است که هر چه سر راهش باشد با خود می برد. او قومها را غربال کرده، از بین خواهد برد و به مقاصد شوم آنها خاتمه خواهد داد. ^{۲۹} اما شما ای قوم خدا با شادی سرود خواهید خواند، درست مانند وقتی که در جشنهای مقدس می خوانید، و شادمان خواهید شد درست همانند کسانی که روانه می شوند تا با آهنگ نی بسوی خانه خداوند که پناهگاه اسرائیل است پیش بروند.

^{۳۰} خداوند صدای پر جلال خود را به گوش مردم خواهد رساند و مردم قدرت و شدت غضب او را در شعله های سوزان و طوفان و سیل و تگرگ مشاهده خواهند کرد. ^{۳۱} با شنیده شدن صدای خداوند نیروی آشور ضربه خورده، در هم خواهد شکست. ^{۳۲} همزمان با ضرباتی که خداوند در جنگ با آشوریها بر آنان وارد می آورد قوم خدا با ساز و آواز به شادی خواهند پرداخت! ^{۳۳} از مدتها پیش محلی عمیق و وسیع برای سوزاندن مولک، خدای آشور آماده شده است. در آنجا هیزم فراوان روی هم انباشته شده و نفس خداوند همچون آتش آتشفشان بر آن دمیده، آن را به آتش خواهد کشید.

حمایت خدا از اورشلیم

۳۱ وای بر کسانی که برای گرفتن کمک به مصر روی می آورند و بجای اینکه به خدای قدوس اسرائیل چشم امید داشته باشند و از او کمک بخواهند، بر سربازان قوی و عرابه های بیشمار مصر توکل می کنند. ^۲ خداوند نیز می داند چه کند. او از تصمیم خود بر نمی گردد و بر کسانی که بدی می کنند و با بدکاران همدست می شوند، بلا می فرستد. ^۳ مصریها انسانند، و نه خدا! اسبان ایشان نیز جسمند و نه روح! هنگامی که خداوند دست خود را برای

^{۱۵} خداوند، خدای قدوس اسرائیل چنین می فرماید: «بسوی من بازگشت کنید و با خیالی آسوده به من اعتماد کنید، تا نجات یابید و قدرت کسب کنید.» اما شما این کار را نمی کنید، ^{۱۶} بلکه در این فکر هستید که بر اسبان تیزرو سوار شده، از چنگ دشمن فرار کنید. البته شما به اجبار فرار خواهید کرد اما اسبان تعقیب کنندگان تیزروتر از اسبان شما خواهند بود. ^{۱۷} یک نفر از آنان هزار نفر از شما را فراری خواهد داد و پنج نفر از آنان همه شما را تارومار خواهند کرد بطوری که از تمام لشکر شما جز یک پرچم بر نوک تپه، چیزی باقی نماند. ^{۱۸} با این حال، خداوند هنوز منتظر است تا بسوی او بازگشت نمایید. او می خواهد بر شما رحم کند، چون خدای با انصافی است. خوشبحال کسانی که به او اعتماد می کنند.

^{۱۹} ای قوم اسرائیل که در اورشلیم زندگی می کنید، شما دیگر گریه نخواهید کرد، زیرا خداوند دعای شما را خواهد شنید و به یاری شما خواهد آمد. ^{۲۰} خداوند شما را از سختیها و مشکلات عبور خواهد داد، اما او خودش با شما خواهد بود و شما را تعلیم خواهد داد و خود را از شما پنهان نخواهد کرد. ^{۲۱} هرگاه بطرف راست یا چپ بروید، از پشت سر خود صدای او را خواهید شنید که می گوید: «راه این است، از این راه بروید.» ^{۲۲} همه بتهای خود را که با روکش نقره و طلا پوشیده شده اند مانند اشیاء کثیف بیرون خواهید ریخت و از خود دور خواهید کرد.

^{۲۳} آنگاه خدا به هنگام کشت به شما باران خواهد بخشید تا محصول پر بار و فراوان داشته باشید. رمه هایتان در چراگاه های سرسبز خواهند چرید ^{۲۴} و الاغها و گاوهایتان که زمین را شخم می زنند از بهترین علوفه تغذیه خواهند کرد. ^{۲۵} در آن روز، برجهای دشمنانتان فرو خواهد ریخت و خودشان نیز کشته خواهند شد، اما برای شما از هر کوه و تپه ای چشمه ها و جویهای آب جاری خواهد گشت. ^{۲۶} ماه مثل آفتاب روشنایی خواهد داد و آفتاب هفت برابر روشنتر از همیشه خواهد تابید. همه اینها هنگامی روی خواهد داد که خداوند قوم خود را که مجروح

آشکار خواهد شد که سخنان آنان در مورد خداوند دروغ بوده و آنان هرگز به گرسنگان کمک نکرده‌اند. ^۷ نیرنگ و چاپلوسی اشخاص شرور و دروغهایی که آنان برای پایمال کردن حق فقیران در دادگاه می‌گویند، افشا خواهد گردید. ^۸ اما اشخاص خوب در حق دیگران بخشنده و باگذشت خواهند بود و خدا ایشان را بخاطر کارهای خوبشان برکت خواهد داد.

مجازات و احیای اسرائیل

^۹ ای زنانی که راحت و آسوده زندگی می‌کنید، به من گوش دهید. ^{۱۰} شما که الان بی‌غم هستید، سال دیگر همین موقع پریشان حال خواهید شد، زیرا محصول انگور و سایر میوه‌هایتان از بین خواهد رفت. ^{۱۱} ای زنان آسوده خیال، برسید و بلرزید، لباس‌های خود را از تن درآورید و رخت عزا بپوشید ^{۱۲} و ماتم بگیرید، زیرا مزرعه‌های پر محصولتان بزودی از دست می‌رود و باغهای بارور انگورتان نابود می‌شود. ^{۱۳} بلی، ای قوم من، برای خانه‌های شادتان و برای شهر پر افتخارتان گریه کنید، زیرا سرزمین شما پوشیده از خار و خس خواهد شد. ^{۱۴} کاخهایتان ویران و شهرهای پر جمعیت‌تان خالی از سکنه خواهد شد. برجهای دیده‌بانتان خراب خواهد شد و حیوانات وحشی و گورخران و گوسفندان در آنجا خواهند چرید.

^{۱۵} اما یکبار دیگر، خدا روح خود را از آسمان بر ما خواهد ریخت. آنگاه بیابان به بوستان تبدیل خواهد شد و بوستان به جنگل. ^{۱۶} در سرزمین ما عدالت و انصاف برقرار خواهد گردید ^{۱۷} و ما از صلح و آرامش و اطمینان و امنیت همیشگی برخوردار خواهیم شد.

^{۱۸} قوم خدا در کمال امنیت و آسایش در خانه‌هایشان زندگی خواهند کرد، ^{۱۹} اما آشوریه‌ها نابود شده، خانه‌هایشان با خاک یکسان خواهد گردید. ^{۲۰} بلی، خدا قوم خود را برکت خواهد داد آنگونه که به هنگام کشت زمین، محصول فراوان خواهد روید و گله‌ها و رمه‌هایشان در چراگاه‌های سبز و خرم خواهند چرید.

مجازات بلند کند، هم مصریها و هم کسانی که از مصر کمک می‌جویند، خواهند افتاد و هلاک خواهند شد. ^{۲۱} خداوند به من فرمود: «وقتی شیر، گوسفندی را می‌درد، و بی‌آنکه از داد و فریاد چوپانان بترسد مشغول خوردن شکار خود می‌شود؛ همینگونه من نیز که خداوند قادر متعال هستم برای دفاع از کوه صهیون خواهم آمد و از کسی نخواهم ترسید. مانند پرنده‌ای که در اطراف آشیانه خود پر می‌زند تا از جوجه‌هایش حمایت کند، من نیز از اورشلیم حمایت خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد.»

^{۲۲} خدا می‌فرماید: «ای بنی اسرائیل، شما نسبت به من گناهان زیادی مرتکب شده‌اید، اما الان بسوی من برگردید! ^{۲۳} روزی خواهد آمد که همه شما پتهای طلا و نقره را که با دستهای گناه‌آلود خود ساخته‌اید، دور خواهید ریخت. ^{۲۴} در آن روز آشوریه‌ها هلاک خواهند شد، ولی نه با شمشیر انسان، بلکه با شمشیر خدا. سپاه آنان تارومار خواهد شد و جوانانشان اسیر خواهند گردید. ^{۲۵} فرماندهان آشور وقتی پرچم جنگ اسرائیل را ببینند از ترس خواهند لرزید و فرار خواهند کرد.» این را خداوند می‌فرماید خداوندی که آتشش بر قربانگاه اورشلیم روشن است.

پادشاه عادل

۳۲ زمانی خواهد رسید که پادشاهی عادل بر تخت سلطنت خواهد نشست و رهبرانی با انصاف مملکت را اداره خواهند کرد. ^۲ هر یک از آنان پناهگاهی در برابر باد و طوفان خواهد بود. آنان مانند جوی آب در بیابان خشک، و مثل سایه خنک یک صخره بزرگ در زمین بی‌آب و علف خواهند بود؛ ^۳ و چشم و گوش خود را نسبت به نیازهای مردم باز نگه خواهند داشت. ^۴ آنان بی‌حوصله نخواهند بود بلکه با فهم و متانت با مردم سخن خواهند گفت.

^۵ در آن زمان، افراد پست و خسیس دیگر سخاوتمند و نجیب خوانده نخواهند شد. ^۶ هر که شخص بدکاری را ببیند، او را خواهد شناخت و کسی فریب آدمهای ریاکار را نخواهد خورد؛ بر همه

نزدیک هستید، به قدرت من پی ببرید.^{۱۰}

^{۱۲} گناهکاران و خدانشناسانی که در اورشلیم هستند از ترس می لرزند و فریاد برمی آورند: «کدام یک از ما می تواند از آتش سوزان و دایمی مجازات خدا جان سالم بدر برد؟»^{۱۵} کسی می تواند از این آتش جان سالم بدر برد که درستکار باشد و به راستی عمل نماید، بخاطر منافع خود ظلم نکند، رشوه نگیرد، و با کسانی که شرارت و جنایت می کنند همدست نشود.^{۱۶} چنین اشخاص در امنیت بسر خواهند برد و صخره های مستحکم، پناهگاه ایشان خواهد بود.

آینده پر جلال

^{۱۷} بار دیگر چشمان شما پادشاهان را در شکوه و زیبایی اش خواهد دید و سرزمین وسیعی را که او بر آن سلطنت می کند مشاهده خواهد کرد.^{۱۸} در آن زمان به روزهای ترسناکی که در گذشته داشتید فکر خواهید کرد روزهایی که سرداران آشور برجهای شما را می شمردند تا ببینند چقدر غنیمت می توانند از شما بدست آورند.^{۱۹} ولی آن روزها گذشته است و از آن اجنبیان ستمگری که زبانشان را نمی فهمیدید دیگر اثری نیست.^{۲۰} به اورشلیم، این شهر جشنهای مقدس نگاه کنید و ببینید چگونه در صلح و امنیت به سر می برد! اورشلیم محکم و پابرجا خواهد بود درست مانند خیمه ای که میخهایش کنده نمی شود و طنابهایش پاره نمی گردد.^{۲۱} خداوند پر جلال ما را همچون رودخانه ای وسیع محافظت خواهد کرد تا هیچ دشمنی نتواند از آن عبور کرده، به ما یورش برد! ^{۲۲} خداوند پادشاه و رهبر ماست؛ او از ما مراقبت خواهد کرد و ما را نجات خواهد داد.^{۲۳} طناب کشتی های دشمن سست خواهد شد و پایه های دکل را نگه نخواهد داشت و افراد دشمن نخواهند توانست بادبانها را بکشند. ما تمام غنایم دشمن را به چنگ خواهیم آورد؛ حتی لنگان نیز سهمی از این غنایم خواهند برد.^{۲۴} هر که در سرزمین ما باشد دیگر

• نگاه کنید به دوم پادشاهان ۱۴:۱۸-۱۷.

دعای کمک

۳۳ ای بر شما ای آشوریها که همه را غارت می کنید و پیمانهای را که با قوم های دیگر بسته اید زیر پا می گذارید. بزودی این غارت و خیانت شما پایان خواهد یافت و آنگاه خود شما مورد غارت و خیانت واقع خواهید شد.

^۲ ای خداوند، بر ما رحم کن، زیرا چشم امید ما به توست. هر بامداد به ما قدرت عطا کن و ما را از سختی نجات ده.^۳ دشمن وقتی صدایت را بشنود خواهد گریخت؛ زمانی که تو بر خیزی قوم ها پراکنده خواهند شد.^۴ اموال دشمنان ما، مانند مزرعه ای که مورد هجوم ملخ واقع شده باشد، غارت خواهد گردید.

^۵ خداوند بزرگ و والا است و بر همه چیز تسلط دارد. او اورشلیم را از عدل و انصاف پر خواهد ساخت^۶ و به قوم یهودا استحکام خواهد بخشید. او همیشه از قوم خود حمایت می کند و به ایشان حکمت و بصیرت می بخشد. خداترسی گنج بزرگ ایشان است!

^۷ اما در حال حاضر فرستادگان قوم یهودا از شدت ناامیدی گریانند، زیرا آشور تقاضای ایشان را برای صلح نپذیرفته است.^۸ شاهراه های یهودا خراب شده و دیگر اثری از مسافران نیست. آشوریها پیمان صلح را زیر پا نهاده اند* و به وعده هایی که در حضور گوهان داده اند توجهی ندارند؛ آنها به هیچکس اعتنا نمی کنند.^۹ سرزمین اسرائیل از بین رفته، لبنان نابود شده، شارون به بیابان تبدیل گشته و برگهای درختان باشان و کرمل ریخته است.

اخطار خداوند به دشمنان

^{۱۰} اما خداوند می فرماید: «برمی خیزم و قدرت و توانایی خود را نشان می دهم!»^{۱۱} ای آشوریها هر چه تلاش کنید سودی نخواهد داشت. نفس خودتان به آتش تبدیل شده، شما را خواهد کشت.^{۱۲} سپاهیان شما مثل خارهایی که در آتش انداخته می شوند، سوخته و خاکستر خواهند شد.^{۱۳} ای قومهایی که دور هستید، به آنچه کرده ام توجه کنید؛ و ای قومهایی که

نخواهد گفت: «بیمار هستم»؛ و تمام گناهان ساکنان این سرزمین بخشیده خواهد شد.

خدا دشمنانش را مجازات می‌کند

۳۴ ای قوم‌های روی زمین نزدیک آید و به این پیام گوش دهید. ای مردم دنیا، سخنان مرا بشنوید: ^۱ خداوند بر تمام قوم‌ها و سپاهیانسان خشمگین است. او آنها را به مرگ محکوم کرده است و آنها را خواهد کشت. ^۲ جنازه‌های آنان دفن نخواهد شد و بوی تعفن آنها زمین را پر خواهد ساخت و خون ایشان از کوه‌ها جاری خواهد گردید. ^۳ خورشید و ماه نابود خواهند شد و آسمان مثل طوماری بهم خواهد پیچید. ستارگان مانند برگ مو و همچون میوه‌های رسیده که از درخت می‌افتند، فرو خواهند ریخت.

^۴ خداوند شمشیر خود را در آسمان آماده کرده است تا بر قوم ادم که مورد غضب او هستند، فرود آورد. ^۵ شمشیر خداوند از خون آنها پوشیده خواهد شد و آنها را مانند بره و بزغاله ذبحی، سر خواهد برید. بلی، خداوند در سرزمین ادم قریانگاه بزرگی ترتیب خواهد داد و کشتار عظیمی به راه خواهد انداخت. ^۶ نیرومندان هلاک خواهند شد، جوانان و اشخاص کارآزموده از بین خواهند رفت. زمین از خون سیراب و خاک از پیه حاصلخیز خواهد گردید. ^۷ زیرا آن روز، روز انتقام گرفتن از ادم است و سال تلافی کردن ظلم‌هایی که به اسرائیل کرده است. ^۸ نهرهای ادم پر از قیر گداخته و زمین آن از آتش پوشیده خواهد شد. ^۹ ادم روز و شب خواهد سوخت و تا ابد دود از آن برخواید خاست؛ نسل اندر نسل، ویران خواهد ماند و دیگر کسی در آنجا زندگی نخواهد کرد، ^{۱۰} جفدها و کلاغها آن سرزمین را اشغال خواهند نمود؛ زیرا خداوند ادم را به نابودی محکوم کرده است. ^{۱۱} از طبقه اشراف کسی باقی نخواهد ماند تا بتواند پادشاه شود. تمام رهبران از بین خواهند رفت. ^{۱۲} قصرها و قلعه‌های پوشیده از خار خواهد شد و شغالها و شترمرغها در آنجا لانه خواهند کرد. ^{۱۳} حیوانات وحشی در ادم گردش

خواهند کرد و زوزه آنها در شب، همه جا خواهد پیچید. هیولاهای شب بر سر یکدیگر فریاد خواهند زد و غولها برای استراحت به آنجا خواهند رفت. ^{۱۴} در آنجا جفدها آشیانه خواهند کرد، تخم خواهند گذاشت، جوجه‌هایشان را از تخم بیرون خواهند آورد و آنها را زیر بال و پر خود پرورش خواهند داد. لاشخورها با جفتهای خود در آنجا جمع خواهند شد. ^{۱۵} کتاب خداوند را مطالعه و بررسی کنید و از آنچه که او انجام خواهد داد آگاه شوید. تمام جزئیات این کتاب واقع خواهد شد. هیچ لاشخوری بدون جفت در آن سرزمین نخواهد بود خداوند این را فرموده است و روح او به آن جامه عمل خواهد پوشاند. ^{۱۶} خداوند این سرزمین را پیموده و تقسیم کرده و آن را به این جانوران واگذار نموده است تا برای همیشه، نسل اندر نسل در آن زندگی کنند.

شادی نجات یافتگان

۳۵ بیابان به وجد خواهد آمد، صحرا پر از گل خواهد شد ^۱ و سرود و شادی همه جا را پر خواهد ساخت. بیابانها مانند کوههای لبنان سبز و خرم خواهند شد و صحراها همچون چراگاههای کرمل و چمنزارهای شارون حاصلخیز خواهند گردید. خداوند شکوه و زیبایی خود را نمایان خواهد ساخت و همه آن را خواهند دید.

^۲ مردم دلسرد و مأیوس را با این خبر شاد کنید. ^۳ آنانی که می‌ترسند، قوت قلب دهید و بگویید: «دلیر باشید و نترسید، زیرا خدای شما می‌آید تا از دشمنانتان انتقام بگیرد و آنها را به سزای اعمالشان برساند.» ^۴ وقتی او بیاید چشمهای کوران را بینا و گوشهای کران را شنوا خواهد ساخت. ^۵ لنگ مانند آهو جست و خیز خواهد کرد و لال سرود خواهد خواند. در بیابان چشمه‌ها و در صحرا نهرها جاری خواهند شد. ^۶ شوره‌زار به برکه، و زمین خشک و تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید. آنجا که شغالها در آن می‌خوابیدند از علف و بوریا و نی پر خواهد شد. ^۷ در زمین ویران راهی باز خواهد شد و آن را «شاهراه مقدس» خواهند نامید و هیچ شخص بدکار از

شما اسب سوارید هذباز به اندازه یک افسر ساده آقامی قدرت نخواهید داشت.^{۱۰} آیا خیال می‌کنید من بدون دستور خداوند به اینجا آمده‌ام؟ نه! خداوند به من فرموده است تا به سرزمین شما هجوم آورم و نابودش کنم!^{۱۱} آنگاه الیاقیم، شبن و یوآخ به او گفتند: «تمنا می‌کنیم به زبان ارامی صحبت کنید، زیرا ما آن را می‌فهمیم. به زبان عبری حرف نزنید، چون مردمی که بر بالای حصارند به حرفهای شما گوش می‌دهند.»

^{۱۲} ولی فرمانده آشور جواب داد: «مگر سرورم مرا فرستاده است که فقط با شما و پادشاه صحبت کنم؟ مگر مرا نزد این مردمی که روی حصار جمع شده‌اند نفرستاده است؟ آنها هم به سرنوشت شما محکومند تا از نجاست خود بخورند و از ادرار خود بنوشند!»

^{۱۳} آنگاه فرمانده آشور با صدای بلند به زبان عبری به مردمی که روی حصار شهر بودند گفت: «به پیغام پادشاه بزرگ آشور گوش دهید: ^{۱۴} نگذارید حزقیای پادشاه شما را فریب دهد. او هرگز نمی‌تواند شما را از چنگ من برهاند. ^{۱۵} سخن او را که می‌گوید: به خداوند توکل نمایید تا شما را برهاند، باور نکنید، زیرا این شهر بدست ما خواهد افتاد. ^{۱۶} به حزقیای پادشاه گوش ندهید. پادشاه آشور می‌گوید که تسلیم شوید و در سرزمین خود با امنیت و آرامش زندگی کنید ^{۱۷} تا زمانی که بیایم و شما را به سرزمینی دیگر ببرم که مانند سرزمین شما پر از نان و شراب، غله و عسل، و درختان انگور و زیتون است. اگر چنین کنید زنده خواهید ماند. ^{۱۸} پس به حزقیای گوش ندهید، زیرا شما را فریب می‌دهد و می‌گوید که خداوند شما را خواهد رهانید. آیا تاکنون خدایان دیگر هرگز توانسته‌اند بندگان خود را از چنگ پادشاه آشور نجات دهند؟ ^{۱۹} بر سر خدایان حما، ارفاد، سفروایم، هینع و عوا چه آمد؟ آیا آنها توانستند سامره را نجات دهند؟ ^{۲۰} کدام خدا هرگز توانسته است سرزمینی را از چنگ من نجات دهد؟ پس چه چیز سبب شده است فکر کنید که خداوند شما می‌تواند اورشلیم را نجات دهد؟»

^{۲۱} مردمی که روی حصار بودند سکوت کردند، زیرا پادشاه دستور داده بود که چیزی نگویند.

آن عبور نخواهد کرد. در آنجا خداوند همراه شما خواهد بود و کسانی که در آن گام بردارند اگر چه جاهل باشند گمراه نخواهند شد. ^۹ در کنار آن راه نه شیری کمین خواهد کرد و نه خطر دیگری وجود خواهد داشت. نجات یافتگان در آن سفر خواهند کرد. ^{۱۰} و کسانی که خداوند آزادشان کرده، سرودخوانان با شادی جاودانی، از آن راه به اورشلیم خواهند آمد. غم و ناله آنان برای همیشه پایان خواهد یافت و جای خود را به شادی و سرود خواهد داد.

آشوریها اورشلیم را محاصره می‌کنند

(۲ پادشاهان ۱۸-۱۳-۲۷؛ ۲ تواریخ ۳۲-۱۹)

۳۶ در چهاردمین سال سلطنت حزقیای؛ سنحاریب، پادشاه آشور تمام شهرهای حصاردار یهودا را محاصره نموده، تسخیر کرد. سپس لشکری را به سرپرستی فرمانده قوای خود از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیای پادشاه فرستاد. او بر سر راه «مزرعه رخت شوره‌ها» نزد قنات برکه بالا اردو زد. ^۲ الیاقیم (پسر حلقیا)، سرپرست امور دربار حزقیای پادشاه؛ شبن، منشی دربار و یوآخ (پسر آساف)، وقایع نگار دربار نزد او رفتند.

^۳ فرمانده قوای آشور این پیغام را برای حزقیای فرستاد: «پادشاه بزرگ آشور می‌گوید که تو به چه کسی امید بسته‌ای؟ ^۴ تو که از تدابیر جنگی و قدرت نظامی برخوردار نیستی، بگو چه کسی تکیه گاه توست که اینچنین بضد من قیام کرده‌ای؟ ^۵ اگر به مصر تکیه می‌کنی، بدان که این عصای دست تو، بی‌ضعیفی است که طاق و وزن تو را ندارد و بزودی می‌شکند و بدست فرو می‌رود. هر که به پادشاه مصر امید ببندد عاقبتش همین است! ^۶ اگر شما بگویید به خداوند، خدای خود تکیه می‌کنیم، بدانید که او همان خدایی است که حزقیای تمام معبدهای او را که بر فراز تپه‌ها بودند خراب کرده و دستور داده است که همه مردم در برابر قربانگاه اورشلیم عبادت کنند. ^۷ من از طرف آقامی، پادشاه آشور حاضرم باشما شرط ببندم. اگر بتوانید دو هزار اسب سوار پیدا کنید من دو هزار اسب به شما خواهم داد تا بر آنها سوار شوند! حتی اگر مصر هم به

کرده‌اند و چگونه شهرها را از بین برده‌اند. پس خیال نکن که تو می‌توانی از چنگ من فرار کنی. ^{۱۲} آیا خدایان اقوامی چون جوزان، حاران، رصف و خدای مردم عدن که در سرزمین تلسار زندگی می‌کنند، ایشان را نجات دادند؟ اجداد ما تمام آنها را از میان برداشتند. ^{۱۳} بر سر پادشاه حمات و پادشاه ارقاد و

سلاطین سفروایم، هینع، و عوا چه آمده؟

^{۱۴} حزقیایا نامه را از قاصدان گرفت و خواند. سپس به خانه خداوند رفت و آن نامه را در حضور خداوند پهن کرد. ^{۱۵} بعد چنین دعا کرد:

^{۱۶} «ای خداوند قادر متعال، ای خدای اسرائیل که بر تخت خود که بر فراز فرشتگان قرار دارد، نشسته‌ای. تو تنها خدای تمام ممالک جهان هستی. تو آسمان و زمین را آفریده‌ای. ^{۱۷} ای خداوند، سخنان سنحاریب را بشنو و بین این مرد چگونه به تو، ای خدای زنده توهین می‌کند. ^{۱۸} خداوند، راست است که پادشاهان آشور تمام آن اقوام را از بین برده‌اند و سرزمین ایشان را ویران کرده‌اند، ^{۱۹} و خدایان آنها را سوزانده‌اند. اما آنها خدا نبودند. آنها نابود شدند، چون ساخته دست انسان و از چوب و سنگ بودند. ^{۲۰} ای خداوند، خدای ما، التماس می‌کنیم ما را از چنگ پادشاه آشور نجات ده تا تمام ملل جهان بدانند که تنها تو خدا هستی.»

پیغام اشعیا به پادشاه

(۲ پادشاهان ۱۹: ۲۰-۳۷)

^{۲۱} اشعیا نبی برای حزقیای پادشاه این پیغام را فرستاد: «خداوند، خدای اسرائیل می‌فرماید که دعای تو را در مورد سنحاریب، پادشاه آشور شنیده است. ^{۲۲} و جواب او به سنحاریب این است: شهراورشلیم از تو نمی‌ترسد، بلکه تو را مسخره می‌کند. ^{۲۳} تو می‌دانی به چه کسی اهانت کرده و کفر گفته‌ای؟ می‌دانی به چه کسی این چنین جسارت نموده‌ای؟ به خدای قدوس اسرائیل!

^{۲۴} «تو افرادی را نزد من فرستادی تا به من فخر بفروشی و بگویی که با عرابه‌های بلند لبنان و قله‌های آن را فتح کرده‌ای، بلندترین درختان سرو

^{۲۲} سپس الیاقیم، شبتا و یوآخ لباسهای خود را پاره کرده، نزد حزقیای پادشاه رفتند و آنچه را که فرمانده قوای آشور گفته بود، بعرض او رساندند.

پادشاه از اشعیا کمک می‌خواهد

(۲ پادشاهان ۱۹: ۱-۷)

۳۷ وقتی حزقیای پادشاه این خبر را شنید، لباس خود را پاره کرده، پلاس پوشید و به خانه خداوند رفت تا دعا کند. ^۲ سپس به الیاقیم، شبتا و کاهنان ریش سفید گفت که پلاس بپوشند و نزد اشعیا نبی (پسر آموص) بروند ^۳ و به او بگویند که حزقیای پادشاه چنین می‌گوید: «امروز روز مصیبت و سختی و اهانت است. وضعیت ما مثل وضعیت زنی است که منتظر وضع حمل است، اما قدرت زاییدن ندارد. ^۴ خداوند، خدای تو سخنان اهانت آمیز این سردار آشور را که به خدای زنده اهانت کرده است، بشنود و او را مجازات نماید. برای بازماندگان قوم ما دعا کن.»

^۵ وقتی فرستادگان حزقیای این پیغام را به اشعیا دادند، ^۶ او در جواب گفت: «خداوند می‌فرماید که به آقای خود بگویید از سخنان کفرآمیز آشوری‌ها نترسد؛ ^۷ زیرا من کاری می‌کنم که پادشاه آشور با شنیدن خبری به وطنش بازگردد و در آنجا کشته شود.»

آشوریها باز تهدید می‌کنند

(۲ پادشاهان ۱۹: ۸-۱۹)

^۸ سردار آشور شنید که پادشاه آشور از لاکیش برای جنگ به لبه رفته است، پس او نیز به لبه رفت. ^۹ طولی نکشید خبر به پادشاه آشور رسید که تراهقه، پادشاه حبشه، لشکر خود را برای حمله به او بسیج کرده است. بنابراین پادشاه پیش از رفتن به جنگ، برای حزقیای پادشاه نامه‌ای با این مضمون فرستاد:

^{۱۰} «آن خدایی که بر او تکیه می‌کنی تو را فریب ندهد. وقتی می‌گوید که پادشاه آشور اورشلیم را فتح نخواهد کرد، سخنش را باور نکن. ^{۱۱} تو خود شنیده‌ای که پادشاهان آشور به هر جا رفته‌اند چه

دیده می‌شد.

^{۳۷} پس سنحاریب، پادشاه آشور عقب‌نشینی کرده، به نینوا برگشت.^{۳۸} او در حالیکه در معبد خدای خود نسروک مشغول عبادت بود، پسرانش ادرملک و شرآصر او را با شمشیر کشتند و به سرزمین آزارات فرار کردند و یکی دیگر از پسرانش، به نام آسر حدون بجای او پادشاه آشور شد.

بیماری و شفای حزقیای پادشاه

(۲ پادشاهان ۱:۲۰-۱:۱۱؛ تواریخ ۲۴:۳۲-۲۶)

۳۸ در آن روزها حزقیاس سخت بیمار شد و نزدیک بود بمیرد. اشعیای نبی (پسر آموص) به عیادتش رفت و از جانب خداوند این پیام را به او داد: «وصیت را بکن، چون عمرت به آخر رسیده است؛ تو از این مرض شفا نخواهی یافت.»

^۲ حزقیاس صورت خود را بطرف دیوار برگردانید و نزد خداوند دعا کرده، گفت: «خداوند! بخاطر آور چقدر نسبت به تو وفادار و امین بوده‌ام و چطور سعی کرده‌ام مطابق میل تو رفتار کنم.» سپس بغض گلویش را گرفت و به تملخی گریست.

^۲ پیش از آنکه اشعیاقصر را ترک کند خداوند بار دیگر با او سخن گفت و فرمود: «نزد حزقیارهبهر قوم من برگرد و به او بگو که خداوند، خدای جدت داود دعای تو را شنیده و اشکهایت را دیده است. او پانزده سال دیگر بر عمر تو خواهد افزود. ^۶ او تو را و این شهر را از چنگ پادشاه آشور نجات خواهد داد.»

^{۲۱} پس اشعیایه افراد حزقیای پادشاه گفت که مقداری انجیر بگیرند و آن را له کرده، روی دمل حزقیای بگذارند و او شفا خواهد یافت. ^{۲۲} سپس حزقیای پادشاه پرسید: «برای اینکه ثابت شود که خداوند مرا شفا خواهد داد و من خواهم توانست به خانه خداوند بروم او چه نشانه‌ای به من می‌دهد؟»
^۷ اشعیایه او گفت: «برای اینکه بدانی سخنانی را

آزاد و بهترین صنوبرهایش را قطع نموده و به دورترین نقاط جنگلش رسیده‌ای. ^{۲۵} تو افتخار می‌کنی که چاه‌های آب زیادی را تصرف کرده و از آنها آب نوشیده‌ای و پای تو به رود نیل مصر رسیده، آن را خشک کرده است.

^{۲۶} «آیا نمی‌دانی که این من بودم که به تو اجازه انجام چنین کارهایی را دادم؟ من از قدیم چنین مقدر نموده بودم که تو آن شهرهای حصاردار را تصرف کرده، ویران نمایی. ^{۲۷} از این جهت بود که اهالی آن شهرها در برابر تو هیچ قدرتی نداشتند. آنها مانند علف صحرا و گیاه نورسته‌ای بودند که در زیر آفتاب سوزان خشک شده، پیش از رسیدن پژمرده گردیدند. ^{۲۸} اما من از همه فکرها و کارهای تو و تنفری که نسبت به من داری، بر بینی تو افسار زده و در دهانت لگام خواهم گذاشت و تو را از راهی که آمده‌ای باز خواهم گردانید.»

^{۳۰} سپس اشعیایه حزقیایگفت: «علامت این رویدادها این است: امسال و سال دیگر از گیاهان خودرو استفاده خواهید کرد، اما در سال سوم خواهید کاشت و خواهید دروید، تا کستانها غرس خواهید نمود و از میوه‌شان خواهید خورد. ^{۳۱} بازماندگان یهودا بار دیگر در سرزمین خود ریشه دوانیده ثمر خواهند آورد ^{۳۲} و در اورشلیم باقی خواهند ماند، زیرا خداوند غیور این امر را بجا خواهد آورد.

^{۳۳} «خداوند درباره پادشاه آشور چنین می‌گوید: او به این شهر داخل نخواهد شد، سیر بدست در برابر آن نخواهد ایستاد، پشته‌ای در مقابل حصارش بنا نخواهد کرد و حتی یک تیر هم به داخل اورشلیم نخواهد انداخت. ^{۳۴} او از همان راهی که آمده است بازخواهد گشت، ^{۳۵} زیرا من بخاطر خود و بخاطر بندهام داود از این شهر دفاع خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد.»

^{۳۶} در همان شب فرشته خداوند صد و هشتاد و پنج هزار نفر از سربازان آشوری را کشت، بطوری که صبح روز بعد، تا آنجا که چشم کار می‌کرد، جنازه

* آیه ۲۱ و ۲۲ از انتهای فصل ۳۸ به اینجا منتقل شده (نگاه کنید به ۲ پادشاهان ۹:۲۰-۶:۹).

حیات می‌بخشد.

تو مرا سلامتی و شفا بخشیدی
تو عمر دوباره بمن دادی.

^{۱۷} بلی، به نفع من شد
که این همه زحمت دیدم.
زیرا تو مرا محبت کردی،
از مرگ نجاتم دادی
و همه گناهان مرا بخشیدی و فراموش کردی.

^{۱۸} کسی در دنیای مردگان نمی‌تواند تو را تمجید
کند،
و یا به وفاداریت توکل کند.

^{۱۹} زندگانند که تو را ستایش می‌کنند،
چنانکه من امروز تو را سپاس می‌گویم.
بلی، زندگانند که برای فرزندان خود
تعریف می‌کنند که تو امین و وفادار هستی.

^{۲۰} خداوند، تو مرا شفا دادی،
و من در تمام روزهای عمرم
تو را با سرود ستایش خواهم کرد.

فرستادگان بابلی

۳۹ در آن روزها «مردوک بلدان» (پسر
«بلدان») پادشاه بابل، نامه‌ای همراه با
هدیه‌ای برای حزقیای فرستاد، زیرا شنیده بود که پس از
یک بیماری سخت اینک بهبود یافته است. ^۲ حزقیای
فرستادگان بابلی را به خوشی پذیرفت و آنان را به
کاخ سلطنتی برد و تمام خزان‌های طلا و نقره،
عطریات و روغنهای معطر، و نیز اسلحه خانه خود را
به ایشان نشان داد. بدین ترتیب، فرستادگان بابلی تمام
خزاین اورادیدند و هیچ چیز از نظر آنان پوشیده نماند.
^۳ آنگاه اشعیای نبی نزد حزقیای پادشاه رفت و از

که خداوند به تو گفته، انجام خواهد داد، او علامتی به
تو می‌دهد. ^۸ آن علامت این است که خداوند سایه
ساعت آفتابی آحاز را ده درجه به عقب بر
می‌گرداند. ^۹

پس سایه آفتاب که پائین رفته بود، ده درجه به
عقب برگشت.
^۹ وقتی حزقیای پادشاه از بیماری‌ای که داشت شفا
یافت این شعر را سرانید:

^{۱۰} فکر می‌کردم در بهار عمر خویش زندگی را به
درود خواهم گفت،

و به دنیای مردگان خواهم شتافت.
^{۱۱} فکر می‌کردم در این دنیای زندگان
دیگر هرگز خداوند را نخواهم دید
و نگاهم بر هیچ انسانی نخواهد افتاد.

^{۱۲} مانند خیمه شبانان که پائین می‌کشند و جمع
می‌کنند،

حیات من فرو می‌ریخت؛
همچون پارچه دستاف که از دستگاه بافندگی
جدا می‌کنند،
رشته عمرم پاره می‌شد.

^{۱۳} تمام شب ناله و زاری می‌کردم،
گویی شیری دنده‌هایم را خورد می‌کرد؛
فکر می‌کردم خدا جانم را می‌گیرد.

^{۱۴} صدایم بزحمت شنیده می‌شد،
مانند قمری می‌نالیدم.
از بس به آسمان چشم دوخته بودم،
چشمانم ضعیف شده بود.
دعا کردم که خداوند کمکم کند.

^{۱۵} چه بگویم که خداوند مرا به این روز انداخته بود.
از تلخی جان، خواب از چشمانم رفته بود.

• آیه ۲۱ و ۲۲ از اینجا به دنبال آیه ۶ منتقل شده (نگاه کنید به
پادشاهان ۲۰: ۶-۹).

^{۱۶} ای خداوند، تویی تو مفید است و به انسان

مانند گیاه از بین می‌رود.^۸ گیاه خشک می‌شود و گل پژمرده می‌گردد، اما کلام خدای ما برای همیشه باقی می‌ماند.»

^۹ ای قاصد خوش خبر، از قلعه کوه، اورشلیم را صدا کن. پیامت را با تمام قدرت اعلام کن و نترس. به شهرهای یهودا بگو: «خدای شما می‌آید!»^{۱۰} بلی، خداوند می‌آید تا با قدرت حکومت کند. پاداشش همراه او است و هر کس را مطابق اعمالش پاداش خواهد داد.^{۱۱} او مانند شبان، گله خود را خواهد چرانید؛ بره‌ها را در آغوش خواهد گرفت و میشها را با ملایمت هدایت خواهد کرد.

خدای بی نظیر اسرائیل

^{۱۲} آیا کسی غیر از خدا می‌تواند اقیانوس را در دست نگه دارد و یا آسمان را با وجب اندازه گیرد؟ آیا کسی غیر از او می‌تواند خاک زمین را در ترازو بریزد و یا کوه‌ها و تپه‌ها را با قیان وزن کند؟^{۱۳} آیا کسی می‌تواند خداوند را پند دهد یا معلم و مشاور او باشد؟^{۱۴} آیا او تابحال به دیگران محتاج بوده است که به او حکمت و دانش بیاموزند، راه راست را به او یاد دهند؟^{۱۵} به هیچ وجه! تمام مردم جهان در برابر او مثل قطره آبی در سطل و مانند غباری در ترازو، ناچیز هستند. همه جزایر دنیا برای او گردی بیش نیستند و او می‌تواند آنها را از جایشان تکان دهد.^{۱۶} اگر تمام حیوانات لبنان را برای خدا قربانی کنیم باز کم است و اگر تمام جنگلهای لبنان را برای روشن کردن آتش قربانی بکار بریم باز کافی نیست.^{۱۷} تمام قوم‌ها در نظر او هیچ هستند و ناچیز به شمار می‌آیند.^{۱۸} چگونه می‌توان خدا را توصیف کرد؟ او را با چه چیزی می‌توان مقایسه نمود؟^{۱۹} آیا می‌توان او را با یک بت مقایسه کرد؟ بتی که بت ساز آن را ساخته و با طلا پوشانده و به گردنش زنجیر نقره‌ای انداخته است؟^{۲۰} فقیری که نمی‌تواند خدایانی از طلا و نقره درست کند، درختی می‌یابد که چوبش با دوام باشد و آن را بدست صنعتگری ماهر می‌دهد تا برایش خدایی بسازد، خدایی که حتی قادر به حرکت نیست!^{۲۱} آیا تا به حال ندانسته‌اید و نشینده‌اید و کسی به

او پرسید: «این مردان از کجا آمده بودند و چه می‌خواستند؟»

حزقیای جواب داد: «از جای دورا آنها از بابل آمده بودند.»

^۲ اشعیا پرسید: «در کاخ تو چه دیدند؟»

حزقیای جواب داد: «تمام خزاین مرا.»

^۵ اشعیا به او گفت: «پس به این پیام که از سوی خداوند قادر متعال است گوش کن:

^۶ «زمانی می‌رسد که هر چه در کاخ داری و گنج‌هایی که اجدادت اندوخته‌اند به بابل برده خواهد شد و چیزی از آنها باقی نخواهد ماند.^۷ بابلی‌ها برخی از پسرانت را به اسارت گرفته، آنان را خواجه خواهند کرد و در کاخ پادشاه بابل به خدمت خواهند گماشت.»

^۸ حزقیای جواب داد: «آنچه خداوند فرموده، نیکوست. لااقل تا وقتی که زنده‌ام این اتفاق نخواهد افتاد و صلح و امنیت برقرار خواهد بود.»

سخنان تسلی بخش

۴۰ خدای اسرائیل می‌فرماید: «تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید!^۱ اهالی اورشلیم را دل‌داری دهید و به آنان بگویید که روزهای سخت ایشان بسر آمده و گناهانشان بخشیده شده، زیرا من باندازه گناهانشان آنها را تیبیه کرده‌ام.»

^۲ صدایی می‌شنوم که می‌گوید: «راهی از وسط بیابان برای آمدن خداوند آماده کنید. راه او را در صحرا صاف کنید.^۳ دره‌ها را پر کنید؛ کوه‌ها و تپه‌ها را هموار سازید؛ راه‌های کج را راست و جاده‌های ناهموار را صاف کنید.^۴ آنگاه شکوه و جلال خداوند ظاهر خواهد شد و همه مردم آن را خواهند دید. خداوند این را وعده فرموده است.»

^۶ بار دیگر آن صدا می‌گوید: «با صدای بلند بگو! پرسیدم: «با صدای بلند چه بگویم؟»

گفت: «با صدای بلند بگو که انسان مثل گیاهی است که خشک شده، از زمین می‌رود و تمام زیبایی او همچون گلی است که پژمرده می‌شود.^۷ وقتی خدا می‌دمد گیاه خشک و گل پژمرده می‌شود. بلی، انسان

شما نگفته که دنیا چگونه به وجود آمده است؟^{۲۲} خدا دنیا را آفریده است؛ همان خدایی که بر فراز کره زمین نشسته و مردم روی زمین در نظر او مانند مورچه هستند. او آسمانها را مثل پرده پهن می‌کند و از آنها خیمه‌ای برای سکونت خود می‌سازد.^{۲۳} او رهبران بزرگ دنیا را ساقط می‌کند و از بین می‌برد.^{۲۴} هنوز ریشه نزده خدا بر آنها می‌دمد، و آنها پژمرده شده، مثل کاه پراکنده می‌گردند.

^{۲۵} خداوند قدوس می‌پرسد: «شما مرا با چه کسی مقایسه می‌کنید؟ چه کسی می‌تواند با من برابری کند؟»

^{۲۶} به آسمانها نگاه کنید! کیست که همه این ستارگان را آفریده است؟ کسی که آنها را آفریده است از آنها مثل یک لشکر سان می‌بیند، تعدادشان را می‌داند و آنها را به نام می‌خواند. قدرت او آنقدر عظیم است که نمی‌گذارد هیچکدام از آنها گم شوند.^{۲۷} پس، ای اسرائیل، چرا می‌گویید خداوند رنجهای مرا نمی‌بیند و با من به انصاف رفتار نمی‌کند؟^{۲۸} آیا تابحال ندانسته و نشنیده‌ای که خدای ابدی، خالق تمام دنیا هرگز درمانده و خسته نمی‌شود و هیچکس نمی‌تواند به عمق افکار او پی ببرد؟^{۲۹} او به خستگان نیرو می‌بخشد و به ضعیفان قدرت عطا می‌کند.^{۳۰} حتی جوانان هم درمانده و خسته می‌شوند و دلاوران از پای در می‌آیند،^{۳۱} اما آنانی که به خداوند امید بسته‌اند نیروی تازه می‌یابند و مانند عقاب پرواز می‌کنند؛ می‌دوند و خسته نمی‌شوند، راه می‌روند و ناتوان نمی‌گردند.

مددکار اسرائیل

خداوند می‌فرماید: «ای سرزمینهای دور دست، ساکت باشید و به من گوش دهید! قویترین دلایل خود را ارائه دهید. نزدیک بیایید و سخن بگویید. دادگاه آماده شنیدن سخنان شماست.^۲ «چه کسی این مرد را از مشرق آورده است که هر جا قدم می‌گذارد آنجا را فتح می‌کند؟ چه کسی او را بر قوما و پادشاهان پیروز گردانیده است؟ شمشیر او سپاهیان آنان را مثل غبار به زمین می‌اندازد و کمانش

۴۱

آنان را چون کاه پراکنده می‌کند.^۳ آنان را تا جاهای دور که قبل از آن پایش به آنجا نرسیده بود تعقیب می‌کند و به سلامت پیش می‌رود.^۴ چه کسی این کارها را کرده است؟ کیست که سیر تاریخ را تعیین نموده است؟ مگر نه من، که خداوند ازلی و ابدی هستم؟

^۵ «مردم سرزمینهای دور دست وقتی کارهای مرا دیدند از ترس لرزیدند. اینک آنها دور هم جمع شده‌اند^۶ و یکدیگر را کمک و تشویق می‌کنند^۷ تا بتی بسازند. نجار و زرگر و آهنگر به یاری هم می‌شتابند، قسمت‌های مختلف بت را با لحیم به هم وصل می‌کنند و با میخ آن را به دیوار می‌کوبند تا نیفتد!

^۸ «اما ای اسرائیل، ای بنده من، تو قوم برگزیده من هستی. تو از خاندان دوست من ابراهیم هستی.^۹ من تو را از اقصای جهان فرا خواندم و گفتم که تو بنده من هستی. من تو را برگزیده‌ام و ترک نخواهم کرد.^{۱۰} نترس، چون من با تو هستم؛ نگران نشو، زیرا من خدای تو هستم. من تو را تقویت خواهم کرد و یاری خواهم داد و تو را حمایت کرده، نجات خواهم بخشید.

^{۱۱} «دشمنان که بر تو خشمگین هستند رسوا خواهند شد و کسانی که با تو مخالفت می‌کنند هلاک خواهند گردید.^{۱۲} همه آنان از بین خواهند رفت و اثری از آنان باقی نخواهد ماند.^{۱۳} من که خداوند، خدای تو هستم دست راست را گرفته‌ام و می‌گویم نترس، زیرا تو را یاری خواهم داد.»

^{۱۴} خداوند می‌گوید: «ای اسرائیل، هر چند کوچک و ضعیف هستی، ولی نترس، زیرا تو را یاری خواهم داد. من، خدای مقدس اسرائیل، خداوند و نجات دهنده تو هستم.^{۱۵} تو مانند خرمکوب تازه با دندانه‌های تیز خواهی بود و همه دشمنان را در هم کوبیده، خرد خواهی کرد و آنها را مانند کاه جمع کرده، کوهی از آنها خواهی ساخت.^{۱۶} آنها را به هوا خواهی افشانند و باد همه را خواهد برد و گردباد آنها

* منظور کورش، پادشاه پارس است. نگاه کنید به ۱:۴۵.

را پراکنده خواهد ساخت. آنگاه من که خداوند، خدای مقدس اسرائیل هستم مایه شادمانی تو خواهم بود و تو به من افتخار خواهی کرد.

^{۱۷} وقتی فقرا و نیازمندان دنبال آب بگردند و پیدا نکنند و زبانشان از تشنگی خشک شود، من به دعای ایشان جواب خواهم داد. من که خداوند، خدای اسرائیل هستم هرگز آنان را ترک نخواهم کرد.^{۱۸} بر تپه‌های خشک برای ایشان رودخانه جاری می‌کنم و در میان دره‌ها، به آنان چشمه‌های آب می‌دهم. بیابان را به برکه آب و زمین خشک را به چشمه مبدل می‌سازم.^{۱۹} کاری می‌کنم که در زمین بایر، درخت سرو آزاد و آس و زیتون و شمشاد و صنوبر و کاج برآید.^{۲۰} هرکس این را ببیند و در آن تفکر کند خواهد فهمید که من خداوند، خدای مقدس اسرائیل این کار را کرده‌ام.

^{۲۱} خداوند که پادشاه اسرائیل است چنین می‌گوید: «بگذارید خدایان قوم‌های دیگر ببینند و قویترین دلایل خود را ارائه دهند!»^{۲۲} بگذارید آنچه را در گذشته اتفاق افتاده برای ما شرح دهند. بگذارید از آینده به ما خبر دهند و پیشگویی کنند تا بدانیم چه پیش خواهد آمد.^{۲۳} بلی، اگر آنها واقعاً خدا هستند بگذارید بگویند که چه اتفاقاتی بعد از این خواهد افتاد. بگذارید معجزه‌ای بکنند که از دیدنش حیران شویم.^{۲۴} اما بدانید آنها هیچ هستند و کاری از دستشان بر نمی‌آید، و هر که آنها را انتخاب کند کار بیهوده‌ای انجام داده است.

^{۲۵} «اما من مردی را از شرق برگزیده‌ام و او را از شمال به جنگ قوم‌ها خواهم فرستاد. او نام مرا خواهد خواند و من او را بر پادشاهان مسلط خواهم ساخت. مثل کوزه گری که گل را لگدمال می‌کند، او نیز آنها را پامال خواهد کرد.»^{۲۶} آیا کسی تابحال این را پیشگویی کرده است؟ آیا کسی به شما خبر داده که چنین واقعه‌ای رخ خواهد داد تا بگوییم که او درست پیشگویی می‌کند؟^{۲۷} من اولین کسی بودم که به اورشلیم مژده داده، گفتم: ای اورشلیم، قوم تو به وطن باز خواهند گشت.^{۲۸} هیچ یک از بتها چیزی برای گفتن نداشتند. وقتی از آنها سؤال کردم جوابی

نشدیم.^{۲۹} تمام این خدایان اجسام بی‌جان هستند و هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید.»

خادم خداوند

۴۲ خداوند می‌فرماید: «این است خدمتگزار من که او را تقویت می‌کنم. این است برگزیده من که از او خوشنودم. او را از روح پر می‌سازم تا عدالت و انصاف را برای قوم‌های جهان به ارمغان آورد.^۱ او آرام است و در کوجه‌ها فریاد نخواهد کرد و کسی صدایش را نخواهد شنید.^۲ نی‌خرد شده را نخواهد شکست و شعله ضعیف را خاموش نخواهد کرد. او عدل و انصاف واقعی را به اجرا درخواهد آورد.^۳ دلسرد و نومید نخواهد شد و عدالت را بر زمین استوار خواهد ساخت. مردم سرزمینهای دور دست منتظرند تعالیم او را بشنوند.»^۴ خداوند، خدایی که آسمانها را آفرید و گسترانید و زمین و هر چه را که در آن است بوجود آورد و نفس و حیات به تمام مردم جهان می‌بخشد، به خدمتگزار خود چنین می‌گوید:

^۵ «من که خداوند هستم تو را خوانده‌ام و به تو قدرت داده‌ام تا عدالت را برقرار سازی. توسط تو با تمام قوم‌های جهان عهد می‌بندم و بوسیله تو به مردم دنیا نور می‌بخشم.^۶ تو چشمان کوران را باز خواهی کرد و آنانی را که در زندانهای تاریک اسیرند آزاد خواهی ساخت.

^۷ «من خداوند هستم و نام من همین است. جلال خود را به کسی نمی‌دهم و بتها را شریک ستایش خود نمی‌سازم.^۸ آنچه تابحال پیشگویی کرده‌ام، انجام گرفته است. اینک پیشگویی‌های جدیدی می‌کنم و شما را از آینده خبر می‌دهم.»

سرود ستایش

^۱ ای جزیره‌های دور دست و ای کسانی که در آنها زندگی می‌کنید، در وصف خداوند سرودی تازه بخوانید. ای دریاها و ای همه کسانی که در آنها سفر

او را دنبال نکردند و از قوانین او اطاعت ننمودند،^{۲۵} برای همین بود که خداوند اینچنین بر قوم خود خشمگین شد و بلای جنگ را دامنگیر ایشان ساخت. آتش خشم او سراسر قوم را فرا گرفت، اما ایشان باز درس عبرت نگرفتند.

یگانه نجات دهنده اسرائیل

۴۳ اما ای اسرائیل، خداوند که تو را آفریده است اینک چنین می‌فرماید: «ترس! زیرا من بهای آزادی تو را پرداخته‌ام. من تو را به نام خوانده‌ام. تو مال من هستی.^۲ هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامی که سیل مشکلات بر تو هجوم آورد، نخواهم گذاشت غرق شوی! هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی، شعله‌هایش تو را نخواهد سوزاند!^۳ زیرا من خداوند، خدای مقدس تو هستم و تو را نجات می‌دهم. مصر و حبشه و سبا را فدای آزادی تو می‌کنم.^۴ تمام ممالک جهان را فدای تو خواهم کرد، زیرا تو برای من گرانبها و عزیز هستی و من تو را دوست دارم.

^۵ «ترس، زیرا من با تو هستم. فرزندان را از مشرق و مغرب،^۶ از شمال و جنوب جمع خواهم کرد. پسران و دخترانم را از گوشه و کنار جهان برخواهم گردانید.^۷ تمام کسانی که مرا خدای خود می‌دانند، خواهند آمد، زیرا ایشان را برای جلال خود آفریده‌ام.»

^۸ خداوند می‌گوید: «قوم مرا که چشم دارند، اما نمی‌بینند و گوش دارند، ولی نمی‌شنوند، به حضور من فرا خوانید.^۹ همه قومها را جمع کنید و به آنها بگویید از آن همه بتهایی که دارند، کدام یک هرگز چنین رویدادهایی را پیشگویی کرده است؟ کدام یک می‌تواند بگوید فردا چه می‌شود؟ چه کسی دیده است که آنها یک کلمه حرف بزنند؟ هیچ کس گواهی نمی‌دهد، پس باید اعتراف کنند که تنها من می‌توانم از آینده خبر دهم.»

^{۱۱} خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل، شما شاهدان و خدمتگزاران من هستید. شما را انتخاب کرده‌ام تا

می‌کنید، او را پرستش نمایید.^{۱۱} صحرا و شهرهایش خدا را ستایش کنند. اهالی «قیدار» او را بپرستند. ساکنان «سالع» از قله کوهها فریاد شادی سر دهند!^{۱۲} کسانی که در سرزمینهای دور دست زندگی می‌کنند جلال خداوند را بیان کنند و او را ستایش نمایند.

^{۱۳} خداوند همچون جنگاوری توانا به میدان جنگ خواهد آمد و فریاد برآورده، دشمنان خود را شکست خواهد داد.^{۱۴} مدت مدیدی است که او سکوت کرده و جلو خشم خود را گرفته است. اما دیگر ساکت نخواهد ماند، بلکه مانند زنی که درد زایمان او را گرفته باشد، فریاد خواهد زد.^{۱۵} او کوهها و تپه‌ها را با خاک یکسان خواهد کرد و تمام گیاهان را از بین خواهد برد و همه رودخانه‌ها و نهرها را خشک خواهد کرد.^{۱۶} او قوم کور باطن خود را به راهی که بیشتر آن را ندیده بودند هدایت خواهد کرد. تاریکی را پیش روی ایشان روشن خواهد ساخت و راه آنها را صاف و هموار خواهد کرد.^{۱۷} آنگاه کسانی که به بتها اعتماد می‌کنند و آنها را خدا می‌نامند مأیوس و رسوا خواهند شد.

اسرائیل، قومی کور و کر

^{۱۸} خداوند به قوم خود اسرائیل می‌گوید: «ای کران بشنوید، و ای کوران ببینید. من شما را برگزیده‌ام تا رسولان مطیع من باشید، اما شما به آنچه دیده و شنیده‌اید توجه نمی‌کنید. شما قومی کور و کر هستید.»

^{۲۱} خداوند قوانین عالی خود را به قوم خویش عطا فرمود تا ایشان آن را محترم بدانند و توسط آن عدالت او را به مردم جهان نشان دهند.^{۲۲} اما قوم او از عهده انجام این کار بر نمی‌آیند. زیرا آنها تاراج شده‌اند و در سیاه چال زندانی هستند. ایشان غارت شده‌اند و کسی نیست به دادشان برسد.

^{۲۳} آیا در میان شما کسی هست که به این سخنان توجه کند و درس عبرت گیرد؟^{۲۴} چه کسی اجازه داد اسرائیل غارت و تاراج شود؟ آیا همان خداوندی نبود که نسبت به او گناه کردند؟ بلی، آنها راههای

مرا بشناسید و ایمان بیاورید و بفهمید که تنها من خدا هستم و خدایی دیگر هرگز نبوده و نیست و نخواهد بود.^{۱۱} من خداوند هستم و غیر از من نجات دهنده‌ای نیست.^{۱۲} من بودم که از آینده خبر می‌دادم و به کمک شما می‌شناختم. خدای دیگری نبوده که این کارها را برای شما انجام داده است. شما شاهدان من هستید.^{۱۳} من خدا هستم و همیشه نیز خدا خواهم بود. کسی نمی‌تواند از دست من بگریزد و هیچ کس نمی‌تواند مانع کار من بشود.^{۱۴}

رحمت خداوند و ناسپاسی اسرائیل

^{۱۴} خدای مقدس که خداوند و نجات دهنده اسرائیل است می‌فرماید: «ای اسرائیل، برای نجات شما، سپاهی به بابل می‌فرستم تا بابلی‌ها را اسیر کرده، آنان را در کشتی‌هایی بریزند که به آنها فخر می‌کردند و از وطنشان دور کنند.^{۱۵} ای اسرائیل، من خدای مقدس شما هستم. من آفریننده و پادشاه شما هستم.^{۱۶} من همان خداوندی هستم که آنها را کنار زده، از میان دریا راهی باز کردم^{۱۷} و سربازان قوی مصر را با همهٔ عرابه‌ها و اسبهایشان بیرون آوردم تا زیر امواج دریا فرو روند و شمع زندگیشان تا ابد خاموش شود.^{۱۸} اما آن را فراموش کنید، زیرا در برابر آنچه که می‌خواهم انجام دهم هیچ است!^{۱۹} می‌خواهم کار تازه و بی‌سابقه‌ای انجام دهم. همین الان آن را انجام می‌دهم، آیا آن را نمی‌بینید؟ در بیابان جهان برای قوم جاده‌ای می‌سازم تا به سرزمین خود بازگردند. برای ایشان در صحرا نهرها بوجود می‌آورم!^{۲۰} حیوانات صحرا، شغالها و شتر مرغ‌ها از من تشکر خواهند کرد که در بیابان به آنها آب می‌دهم. بلی، چشمه‌ها در بیابان جاری می‌سازم تا قوم برگزیده‌ام را سیراب کنم.^{۲۱} ای بنی اسرائیل، شما را برای خود بوجود آوردم تا در برابر قومهای دیگر مرا ستایش کنید.

حامی اسرائیل

۴۴ خداوند می‌فرماید: «ای قوم برگزیدهٔ من و ای خدمتگزار من اسرائیل، گوش کن.^۱ من همان خداوندی هستم که تو را آفریدم و از بدو تولد یاور تو بوده‌ام. ای اسرائیل، تو خدمتگزار من و قوم برگزیدهٔ من هستی، پس ترس.^۲ بر زمین تشنه‌ات آب خواهم ریخت و مزرعه‌های خشک تو را سیراب خواهم کرد. روح خود را بر فرزندان تو خواهم ریخت و ایشان را با برکات خود پر خواهم ساخت.^۳ آنان مانند سبزه‌های آبیاری شده و درختان بید کنار رودخانه رشد و نمو خواهند کرد.^۴ هر یک از آنان لقب «اسرائیلی» را بر خود خواهد گرفت و بر دستهای خویش نام خداوند را خواهد نوشت و خواهد گفت: «من از آن خداوند هستم.»

^۵ خداوند قادر متعال که پادشاه و حامی اسرائیل است چنین می‌فرماید: «من ابتدا و انتها هستم و غیر از من خدایی نیست.^۶ چه کسی می‌تواند کارهایی را که من کرده‌ام انجام بدهد و یا آنچه را که در آینده رخ خواهد داد از اول تا آخر پیشگویی کند؟^۷ ای قوم من ترسید، چون آنچه را که می‌بایست رخ دهد از اول به شما خبر دادم و شما شاهدان من هستید. آیا غیر از من خدای دیگری هست؟ نه! ما صخرهٔ دیگری و خدای دیگری را نمی‌شناسیم!

^{۲۲} «ولی ای قوم من، شما مرا ستایش نمی‌کنید و از من خسته شده‌اید.^{۲۳} گوسفند برای قربانی سوختنی به من تقدیم نکرده‌اید. با قربانی‌های خود مرا احترام ننموده‌اید. من از شما نخواست‌ام هدیه و بخور برای

حمایت بت پرستی

آن را سجده کنم؟^۹ کسی که چنین کاری می‌کند مانند آن است که بجای نان، خاکستر بخورد! او چنان اسیر افکار احمقانه خود است که قادر نیست بفهمد که آنچه انسان با دستهای خود می‌سازد نمی‌تواند خدا باشد.

^{۱۱} خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل، به خاطر داشته باش که تو خدمتگزار من هستی. من تو را بوجود آورده‌ام و هرگز تو را فراموش نخواهم کرد. ^{۱۲} گناهانت را محو کرده‌ام؛ آنها مانند شبی صبحگاهی، به هنگام ظهر ناپدید شده‌اند! بازگرد، زیرا بهای آزادی تو را پرداخته‌ام.»

^{۱۳} ای آسمانها سرود بخوانید. ای اعماق زمین بانگ شادی برآورید! ای کوهها و جنگلها و ای تمام درختها، ترنم نمایید، زیرا خداوند بهای آزادی اسرائیل را پرداخته و با این کار عظمت خود را نشان داده است.

بازسازی اورشلیم

^{۱۴} خداوند که آفریننده و حامی اسرائیل است می‌فرماید: «من خداوند هستم. همه چیز را من آفریده‌ام. من به تنهایی آسمانها را گسترانیدم و زمین و تمام موجودات آن را بوجود آوردم. ^{۱۵} من همان کسی هستم که دروغ جادوگران را برملا می‌سازم و خلاف پیشگویی رمالان عمل می‌کنم؛ سخنان حکیمان را تکذیب کرده، حکمت آنان را به حماقت تبدیل می‌کنم.»

^{۱۶} «اما سخنگویان و رسولان من هر چه بگویند، همان را انجام می‌دهم. آنان گفته‌اند که خرابه‌های اورشلیم بازسازی خواهد شد و شهرهای یهودا بار دیگر آباد خواهد شد. پس بدانید که مطابق گفته ایشان انجام خواهد شد. ^{۱۷} وقتی من به دریا می‌گویم خشک شود، خشک می‌شود. ^{۱۸} اکنون نیز درباره کوروش می‌گویم که او رهبری است که من برگزیده‌ام و خواست مرا انجام خواهد داد. او اورشلیم را بازسازی خواهد کرد و خانه مرا دوباره بنیاد خواهد نهاد.»

^۹ چه نادانند کسانی که بت می‌سازند و آن را خدای خود می‌دانند. آنها خود شاهدند که بت نه می‌بیند و نه می‌فهمد، بنابراین هیچ سودی به آنان نخواهد رساند. کسانی که بت می‌پرستند عاقبت نومید و شرمسار خواهند شد. ^{۱۰} کسی که با دستهای خود خدایش را بسازد چه کمکی می‌تواند از او انتظار داشته باشد؟ ^{۱۱} تمام بت پرستها همراه با کسانی که خود انسانند، ولی ادعا می‌کنند که خدا می‌سازند با سرافکنندگی در حضور خدا خواهند ایستاد و ترسان و شرمسار خواهند شد. ^{۱۲} آنها آهن را از کوره در می‌آورند و به نیروی بازوی خود آنقدر با پتک بر آن می‌کوبند تا ابزاری از آن بسازند. در حین کار گرسنه و تشنه و خسته می‌شوند. ^{۱۳} سپس تکه چوبی برداشته، آن را اندازه می‌گیرند و با قلم نشان می‌گذارند و آن را با ابزاری که ساخته‌اند می‌تراشند و از آن بتی به شکل انسان می‌سازند بتی که حتی نمی‌تواند از جایش حرکت کند! ^{۱۴} برای تهیه چوب از درختان سرو یا صنوبر یا بلوط استفاده می‌کنند، و یا درخت شمشاد در جنگل می‌کارند تا باران آن را نمود دهد. ^{۱۵} قسمتی از درخت را برای گرم کردن خود و پختن نان می‌سوزانند، و با باقیمانده آن خدایی می‌سازند و در برابرش سجده می‌کنند. ^{۱۶} با قسمتی از چوب درخت غذا می‌پزند و با قسمت دیگر آتش درست می‌کنند و خود را گرم کرده، می‌گویند: «به‌به! چه گرم است!» ^{۱۷} آنگاه با تکه چوبی که باقی مانده برای خود بتی می‌سازند و در برابرش زانو زده، عبادت می‌کنند و نزد آن دعا کرده، می‌گویند: «تو خدای ما هستی، ما را نجات ده!»

^{۱۸} آنها فهم و شعور ندارند، زیرا چشم باطن خود را نسبت به حقیقت بسته‌اند. ^{۱۹} کسی که بت می‌سازد آنقدر شعور ندارد که بگوید: «قسمتی از چوب را سوزاندم تا گرم شوم و با آن نانم را پختم تا سیر شوم و گوشت را روی آن کباب کرده، خوردم، حال چگونه می‌توانم با بقیه همان چوب خدایی بسازم و

کوروش، برگزیده خداوند و نجات دهنده اسرائیل

۴۵

خداوند کوروش را برگزیده و به او توانایی بخشیده تا پادشاه شود و سرزمینها را فتح کند و پادشاهان مقتدر را شکست دهد. خداوند دروازه‌های بابل را بروی او باز می‌کند؛ دیگر آنها بروی کوروش بسته نخواهند ماند.^۲ خداوند می‌فرماید: «ای کوروش، من پیشاپیش تو حرکت می‌کنم، کوه‌ها را صاف می‌کنم، دروازه‌های مفرغی و پشت‌بند‌های آهنی را می‌شکنم. گنججهای پنهان شده در تاریکی و ثروت‌های نهفته را به تو می‌دهم. آنگاه خواهی فهمید که من خداوند، خدای اسرائیل هستم و تو را به نام خوانده‌ام.^۳ من تو را برگزیده‌ام تا به اسرائیل که خدمتگزار من و قوم برگزیده من است یاری نمایی. هنگامی که تو هنوز مرا نمی‌شناختی، من تو را به نام خواندم.^۴ من خداوند هستم و غیر از من خدایی نیست. زمانی که مرا نمی‌شناختی، من به تو توانایی بخشیدم،^۵ تا مردم سراسر جهان بدانند که غیر از من خدایی دیگر وجود ندارد و تنها من خداوند هستم.^۶ من آفریننده نور و تاریکی هستم، من پدید آورنده رویدادهای خوب و بد هستم. من که خداوند هستم همه این چیزها را بوجود می‌آورم.^۷ آسمان، پیروزی را بیاران؛ و ای زمین، از آن سیراب شو تا از تو آزادی و عدالت بروید. من که خداوند هستم این را انجام خواهم داد.»

^۸ «ای بر کسی که با خالق خود می‌جنگد! آیا کوزه با سازنده خود مجادله می‌کند؟ آیا گل به کوزه گر می‌گوید: «این چیست که تو می‌سازی؟» یا کوزه سر او فریاد می‌زند: «چقدر بی‌مهارت هستی؟»^۹ ای بر فرزندی که به پدر و مادرش می‌گوید: «چرا مرا به این شکل به دنیا آوردید؟»

^{۱۰} خداوند، خدای مقدس اسرائیل که آینده در دست اوست، می‌فرماید: «شما حق ندارید درباره آنچه بوجود آورده‌ام از من بازخواست کنید و یا به من بگویید که چه باید بکنم.^{۱۱} من زمین را ساختم و انسان را بر روی آن خلق کردم. با دست خود آسمانها را گسترانیدم. ماه و خورشید و ستارگان زیر فرمان من

هستند.^{۱۲} اکنون نیز کوروش را برانگیخته‌ام تا به هدف عادلانه من جامعه عمل ببوشاند. من تمام راه‌هایش را راست خواهم ساخت. او بی آنکه انتظار پاداش داشته باشد، شهر من اورشلیم را بازسازی خواهد کرد و قوم اسیر مرا آزاد خواهد ساخت.» این است کلام خداوند قادر متعال.

^{۱۳} خداوند به اسرائیل می‌فرماید: «مصریها، حبشیه‌ها، و مردم بلندقد سبا تابع تو خواهند شد و تمام کالاهای تجارتي آنان از آن تو خواهد شد. آنان در زنجیرهای اسارت نزد تو خواهند آمد و در برابر تو زانو زده، خواهند گفت: «یک خدا وجود دارد، آنهم خدای توست!»^{۱۴} ای خدای نجات دهنده اسرائیل، براستی کارهایت شگفت‌انگیز است!»

^{۱۵} تمام پرستندگان بتها مایوس و شرمسار خواهند شد. اما اسرائیل هرگز مایوس و شرمسار نخواهد شد، زیرا خداوند نجات جاودانی نصیب او خواهد ساخت.

^{۱۶} خداوند آسمانها و زمین را آفریده و آنها را استوار نموده است. او جهان را بیهوده نیافریده، بلکه برای سکونت و زندگی آن را ساخته است. او می‌فرماید: «من خداوند هستم و دیگری نیست!»^{۱۷} من وعده‌هایم را واضح و روشن اعلام می‌کنم و در نهان سخن نمی‌گویم تا همه مقصود مرا بفهمند. من به اسرائیل گفته‌ام که آنچه را به ایشان وعده داده‌ام بی‌شک بجا خواهم آورد. من که خداوند هستم به راستی و صداقت سخن می‌گویم.

^{۱۸} «ای قوم‌هایی که از دست کوروش می‌گریزید، جمع شوید و نزدیک آید و به سخنان من گوش دهید. چه نادانند آتانی که بتهای چوبی را با خود حمل می‌کنند و نزد خدایانی که نمی‌توانند نجاتشان دهند، دعا می‌کنند.^{۱۹} با هم مشورت کنید، و اگر می‌توانید دلیل بیاورید و ثابت کنید که بت‌پرستی عمل درستی است! غیر از من چه کسی گفته که این چیزها در مورد کوروش عملی خواهد شد؟ غیر از من خدایی نیست. من خدای عادل و نجات دهنده هستم و دیگری نیست! تا حال کدام بت به شما گفته است که این وقایع رخ خواهد داد؟^{۲۰} ای تمام ساکنان

آگاه ساخته‌ام. زیرا تنها من خدا هستم و کسی دیگر مانند من نیست که ^{۱۱} بتواند به شما بگوید در آینده چه رخ خواهد داد. آنچه بگویم واقع خواهد شد و هر چه اراده کنم به انجام خواهد رسید. ^{۱۱} مردی را از مشرق، از آن سرزمین دور دست فرامی‌خوانم. او مانند یک پرنده شکاری فرود خواهد آمد و آنچه را اراده نموده‌ام انجام خواهد داد. آنچه گفته‌ام واقع خواهد شد. ^{۱۲} ای مردم دیر باور که فکر می‌کنید آزادی شما دور است. به من گوش دهید. ^{۱۳} من روز آزادیتان را نزدیک آورده‌ام. من تأخیر نخواهم کرد و اورشلیم را نجات خواهم داد و اسرائیل را سرافراز خواهم ساخت.

سقوط بابل

۴۷ خداوند می‌گوید: «ای بابل، از تخت خود به زیر بیا و بر خاک بنشین، زیرا دوران عظمت تو بسر آمده است. تو زمانی مانند یک شاهزاده باکره، لطیف و نازنین بودی، اما اینک برده‌ای بیش نیستی. ^۲ دستاس را بگیر و گندم را آرد کن. رویندت را بردار، دامت را بالا بزن تا از نه‌رها عبور کنی. ^۳ تو عریان و رسوا خواهی شد. من از تو انتقام خواهم گرفت و به تو رحم نخواهم کرد.»

^۴ بلی، خدای مقدس اسرائیل که نامش خداوند قادر متعال است ما را از دست بابل نجات خواهد داد! ^۵ خداوند به بابل می‌گوید: «ای بابل، در تاریکی بنشین و خاموش باش. دیگر تو را «ملکهٔ مسالک» نخواهند خواند. ^۶ ای بابل، من بر قوم خود اسرائیل خشمگین بوم و برای اینکه آنان را تیبیه کرده باشم، اجازه دادم به چنگک تو بیفتند، اما تو بر آنان رحم نکردی و حتی پیران را به انجام کارهای سخت واداشتی. ^۷ تو گمان کردی همیشه ملکه خواهی بود؛ و هرگز به عاقبت کار خود نیندیشیدی.

^۸ «ای مملکت خوش‌گذران که فکر می‌کنی در امن و امان هستی، گوش کن. تو خود را مانند خدا،

زمین نزد من آید تا نجات یابید، زیرا من خدا هستم و خدایی دیگر نیست. ^{۱۳} به ذات خود قسم خورده‌ام و هرگز از قسم خود بر نمی‌گردم که هر زانویی در برابر من خم خواهد شد و هر زبانی به من سوگند وفاداری یاد خواهد کرد.

^{۱۴} «مردم خواهند گفت: عدالت و قوت ما از خداوند است.» و کسانی که از من خشمناک بودند، شرمند خواهند شد. ^{۱۵} من تمام بنی‌اسرائیل را نجات خواهم داد و آنان مرا ستایش خواهند کرد.»

خدایان بابل

۴۶ «زمانی مردم بابل بتهای خود، «بل» و «نبو» را می‌پرستیدند، اما اینک این دو بت روی گساری گذاشته شده و چهارپایان خسته آنها را می‌کشند. ^۲ خدایان بابل اسیر شده‌اند و به جای دیگری برده می‌شوند؛ آنها قادر نیستند خود را نجات دهند.

^۳ «ای بازماندگان بنی‌اسرائیل، به من گوش دهید. من شما را آفریده‌ام و از بدو تولد تا کنون از شما نگه‌داری کرده‌ام. ^۴ من خدای شما هستم و تا وقتی پیر شوید و موهایتان سفید شود از شما مراقبت خواهم کرد. من شما را آفریده‌ام و از شما نگه‌داری خواهم نمود. شما را با خود خواهم برد و نجات دهنده شما خواهم بود.»

^۵ خداوند می‌گوید: «مرا با چه کسی مقایسه می‌کنید؟ آیا کسی را می‌توانید پیدا کنید که با من برابری کند؟ ^۶ آیا مرا به بتهای تشبیه می‌کنید که مردم با طلا و نقره خود آن را می‌سازند؟ آنها زرگر را اجیر می‌کنند تا ثروتشان را بگیرد و از آن خدایی بسازد؛ سپس زانو می‌زنند و آن را سجده می‌کنند! ^۷ بت را بر دوش می‌گیرند و به اینطرف و آنطرف می‌برند. هنگامی که آن را بر زمین می‌گذارند همانجا می‌ماند، چون نمی‌تواند حرکت کند! وقتی کسی نزدش دعا می‌کند، جوابی نمی‌دهد، چون بت نمی‌تواند ناراحتی او را بر طرف سازد.

^۸ «ای گناهکاران این را فراموش نکنید، ^۹ و به یاد داشته باشید که من بارها شما را از رویدادهای آینده

* منظور کوروش است.

•• «از نه‌رها عبور کنی» احتمالاً اشاره‌ای است به تبعید شدن بابلی‌ها.

آنها را به عمل آوردم. ^۲ می دانستم که دلهایتان همچون سنگ و سرهایتان مانند آهن سخت است. ^{۱۵} این بود که آنچه می خواستم برای شما انجام دهم از مدتها پیش به شما خبر دادم تا نگوئید که بتهایتان آنها را بجا آورده اند.

^۶ «پیشگویی های مرا شنیده اید و وقوع آنها را دیده اید، اما نمی خواهید اعتراف کنید که پیشگویی های من درست بوده است. اکنون چیزهای تازه ای می گویم که تابحال از وجود آنها بی اطلاع بوده اید. ^۷ و چیزهایی را به وجود می آورم که قبلاً نبوده است و درباره آنها چیزی شنیده اید، تا دیگر نگوئید: «این چیزها را می دانستیم!»

^۸ «بلی، چیزهای کاملاً تازه به شما می گویم، چیزهایی که هرگز شنیده اید، چون می دانم اشخاص خیانتکاری هستید و از طفولیت همیشه یاغی بوده اید. ^۹ با وجود این، بخاطر حرمت نامم، خشم خود را فرو برده، شما را از بین نخواهم برد. ^{۱۰} شما را در آتش مصیبت آزمایش کردم همانگونه که نقره را در کوره می آزمایشند اما هیچ چیز خوب و با ارزش در شما نیافتم. ^{۱۱} بلی، بخاطر خودم شما را از بین نخواهم برد مبادا اقوام بت پرست بگویند که بتهایتان مرا مغلوب کردند. من به بتهای آنها اجازه نمی دهم در جلال من شریک شوند.

^{۱۲} «ای اسرائیل، ای قوم برگزیده من، گوش کنید! تنها من خدا هستم. من اول و آخر هستم. ^{۱۳} دستهای من بود که زمین را بنیاد نهاد و آسمانها را گسترانید. آنها گوش به فرمان من هستند.

^{۱۴} «همه شما بیابید و بشنوید. هیچکدام از خدایان شما قادر نیست پیشگویی کند که مردی را که من برگزیده ام حکومت بابل را سرنگون خواهد کرد و آنچه اراده کرده ام بجا خواهد آورد. ^{۱۵} اما من این را پیشگویی می کنم. بلی، من کوروش را خوانده ام و به او این مأموریت را داده ام و او را کامیاب خواهم ساخت.

^{۱۶} «به من نزدیک شوید و گوش دهید. من همیشه آشکارا گفته ام که در آینده چه رخ خواهد داد تا شما بتوانید آن را بفهمید.»

بی نظیر می دانی. می گویی: «من هرگز بیوه نخواهم شد. هیچگاه فرزندانم را از دست نخواهم داد.» ^۹ اما با وجود تمام جادوگری هایت، در یک لحظه و در یک روز این دو بلا بر سرت خواهد آمد: هم بیوه می شوی و هم بی اولاد.

^{۱۰} «تو با خیال راحت به شرارت خود ادامه دادی و گمان کردی هیچکس تو را نمی بیند. علم و دانش تو باعث شد منحرف شوی و به خود بگویی: «من خدا هستم. غیر از من خدایی نیست.» ^{۱۱} بنابراین، بلا بر تو خواهم فرستاد و تو نخواهی توانست با سحر و جادویت آن را دفع کنی. ویرانی غیر منتظره ای که فکرش را نکرده ای بر تو خواهد آمد.

^{۱۲} «ارواح ناپاک را که طی این سالها پرستش می کردی احضار کن. آنها را صدا کن تا بیایند و به تو کمک کنند تا شاید باز توانی در دل دشمنان ترس و وحشت ایجاد کنی! ^{۱۳} تو مشاوران زیادی داری طالع بینان و ستاره شناسانی که می کوشند تو را از رویدادهای آینده آگاه سازند. آنها را فراخوان تا به تو کمک کنند. ^{۱۴} اما بدان که آنان همچون کاه در آتش خواهند سوخت. آنان قادر نخواهند بود حتی خود را نجات دهند، زیرا آن آتش، آتشی نخواهد بود که آنان بخوانند خود را با آن گرم کنند، بلکه آتشی که همه چیز را می سوزاند! ^{۱۵} تنها سودی که از این مشاوران دیرینه عایدت می شود همین است! همه آنان به راه خود خواهند رفت و تو را تنها خواهند گذاشت، و کسی نخواهد ماند تا تو را نجات دهد.»

سرسختی قوم اسرائیل

۴۸ ای قوم اسرائیل، ای کسانی که از نسل یهودا هستید، گوش کنید: شما به نام خداوند قسم می خورید و ادعا می کنید که خدای اسرائیل را می پرستید، اما این کار را از روی صداقت و راستی انجام نمی دهید. ^۲ با وجود این، افتخار می کنید که در شهر مقدس زندگی می کنید و بر خدای اسرائیل که نامش خداوند قادر متعال است توکل دارید.

^۳ خداوند می گوید: «آنچه را که می بایست رخ دهد، از مدتها پیش به شما اطلاع دادم و آنگاه ناگهان

(اکنون خداوند مرا با روح خود نزد شما فرستاده است.)

آزادی قوم اسرائیل

^{۱۷} خداوند که نجات دهنده قوم اسرائیل و خدای مقدس ایشان است چنین می‌گوید: «ای اسرائیل، من خداوند، خدای شما هستم که شما را برای خیریت خودتان تنبیه می‌کنم و شما را به راه‌هایی که باید بروید هدایت می‌نمایم.

^{۱۸} «ای کاش به اوامر من گوش می‌دادید، آنگاه برکات مانند نهر برای شما جاری می‌شد و پیروزی مانند امواج دریا به شما می‌رسید. ^{۱۹} نسل شما مانند شنهای ساحل دریا بی‌شمار می‌شدند و من نمی‌گذاشتم ایشان هلاک شوند.»

^{۲۰} ای قوم اسرائیل، از بابل بیرون بیایید! از اسارت آزاد شوید! با صدای بلند سرود بخوانید و این پیام را به گوش تمام مردم جهان برسانید: «خداوند قوم اسرائیل را که خدمتگزاران او هستند، آزاد ساخته است!» ^{۲۱} هنگامی که خداوند قوم خود را از بیابان خشک عبور داد ایشان تشنگی نکشیدند، زیرا او صخره را شکافت و از آن، آب جاری ساخت تا ایشان بنوشند.

^{۲۲} خداوند می‌فرماید: «گناهکاران از سلامتی برخوردار نخواهند شد.»

خدمتگزار خداوند

۴۹ ای مردم سرزمینهای دور دست به من گوش دهید! پیش از آنکه من بدینا بیایم خداوند مرا برگزید، و هنگامی که هنوز در شکم مادرم بودم او مرا به اسم خواند. ^۲ خداوند سخنان مرا مانند شمشیر، تیز کرده است. او مرا زیر دستش پنهان نموده و مرا مانند یک تیر تیز در ترکش خود گذاشته است.

^۳ خداوند به من گفت: «تو خدمتگزار نیرومند من هستی. تو باعث خواهی شد که مردم مرا بستانند.»

^۴ جواب دادم: «اما کار من برای مردم بیهوده بوده و من بی‌جهت نیروی خود را برای آنان صرف

کرده‌ام.» با این حال خدمت خود را تمام به خداوند واگذار می‌کنم تا او آن را به ثمر رساند.

^۵ خداوند که مرا از شکم مادرم برای خدمتش برگزید و به من مأموریت داد تا قوم آواره او اسرائیل را بسوی او بازگردانم، و برای انجام این کار به من نیروی کافی بخشید و افتخار انجام آن را نصیب کرد، به من فرمود: ^۶ «اینک کاری مهمتر از باز آوردن و احیای اسرائیل به تو واگذار می‌کنم. تو را ای خدمتگزار من، برای قوم‌های جهان نور می‌سازم تا نجات مرا برای همه مردم جهان به ارمغان ببری.»

^۷ خداوند که نجات دهنده و خدای مقدس اسرائیل است، به او که از طرف مردم حقیر و طرد شده و زیر دست حاکمان قرار گرفته است، چنین می‌فرماید: «وقتی پادشاهان تو را ببینند، به احترام تو از جای خود برخوانند خاست و شاهزادگان به تو تعظیم خواهند کرد، زیرا من که خداوند امین و خدای مقدس اسرائیل هستم تو را برگزیده‌ام.»

احیای اسرائیل

^۸ خداوند می‌فرماید: «در وقت مناسب درخواست تو را اجابت خواهم کرد و تو را از هرگزندی حفظ خواهم نمود و توسط تو با قوم اسرائیل عهد خواهم بست و سرزمینشان را از نو آباد کرده، آن را به مردمش باز خواهم گرداند. ^۹ من توسط تو کسانی را که اسیرند و در تاریکی زندگی می‌کنند آزاد کرده، به ایشان خواهم گفت: «بیرون بیایید و در روشنائی زندگی کنید.» سپس آنان همچون گوسفندانی که در چراگاه‌های سرسبز و تپه‌های پر علف می‌چرند، از وفور نعمت برخوردار خواهند شد. ^{۱۰} گرسنه و تشنه نخواهند شد و حرارت خورشید به ایشان آسیب نخواهد رسانید، زیرا کسی که ایشان را دوست دارد آنان را هدایت خواهد کرد و نزد چشمه‌های آب رهبری خواهد نمود.»

^{۱۱} «من تمام کوه‌هایم را برای قوم خود به راه‌های

• «تو خدمتگزار نیرومند من هستی» با «ای اسرائیل، تو خدمتگزار من هستی.»

کرد و در برابرت زانو زده، خاک پایت را خواهند لیسید. آنگاه خواهی دانست که من خداوند هستم و کسانی را که چشم امیدشان به من باشد، نوید نخواهم کرد.^{۱۰}

^{۱۲} چه کسی می‌تواند غنائم را از چنگ فاتح جنگ درآورد؟ چه کسی می‌تواند اسیران را از دست حاکم ستمگر برهاند؟

^{۱۵} خداوند جواب می‌دهد: «من غنائم را از چنگ فاتح جنگ در خواهم آورد و اسیران را از دست حاکم ستمگر خواهم رهانید. من با دشمنان تو خواهم جنگید و فرزندان را خواهم رهانید.»^{۱۶} کسانی را که به تو ظلم کنند به جان هم خواهم انداخت تا گوشت یکدیگر را بخورند و خون یکدیگر را بنوشند. آنگاه تمام مردم دنیا خواهند دانست که من خداوند، خدای قادر اسرائیل هستم که تو را نجات می‌دهم و حفظ می‌کنم.»

خداوند به قوم خود می‌گوید: «آیا فکر می‌کنید من شما را از سرزمین خود بیرون کردم همانگونه که یک مرد زنش را طلاق داده، از خانه بیرون می‌کند؟ اگر چنین است، پس کجاست پلایانها؟ آیا فکر می‌کنید من بودم که شما را به اسارت فروختم چنانکه پدری فرزندان را چون برده می‌فروشد؟ نه، هرگز! شما به سبب گناهان خود به اسارت برده شدید.»

^۲ «چرا هنگامی که به نجاتان آمدم مرا نپذیرفتید؟ چرا هنگامی که صدایتان کردم پاسخ ندادید؟ آیا فکر می‌کنید من قدرت ندارم شما را آزاد کنم؟ با یک اشاره دریا را خشک می‌سازم و رودخانه را به بیابان خشک تبدیل می‌کنم بطوری که ماهی‌های آن از بی‌آبی می‌میرند و می‌گندند.»^۳ من همان هستم که پوششی بر آسمان می‌کشم و سراسر آن را تاریک می‌سازم.»

خدمتگزار مطیع خداوند

^۴ خداوند به من آموخته که چه بگویم و چگونه خستگان را به کلام خود توانایی بخشم. او هر صبح مرا بیدار می‌کند و فهم مرا روشن می‌سازد تا خواست

صاف تبدیل خواهم کرد و بر فراز دره‌ها، جاده‌ها خواهم ساخت تا ایشان از آن عبور کنند.^{۱۱} قوم من از جاهای دور دست باز خواهند گشت عده‌ای از شمال، عده‌ای از غرب و عده‌ای از سرزمین جنوب.»

^{۱۳} ای آسمانها، آواز شادی سر دهید! ای زمین، شادمان باش! و ای کوه‌ها با شادی سرود بخوانید، زیرا خداوند بر قوم رنج‌دیده خود ترحم کرده، ایشان را تسلی می‌دهد.

^{۱۴} باوجود این، ساکنان اورشلیم می‌گویند: «خداوند ما را ترک گفته و فراموش کرده است.»^{۱۵} خداوند چنین پاسخ می‌دهد: «آیا یک مادر جگر گوشه خود را فراموش می‌کند؟ یا بر پسر خود رحم نمی‌کند؟ حتی اگر مادری طفلش را فراموش کند، من شما را فراموش نخواهم کرد!»^{۱۶} ای اورشلیم، من نام تو را بر کف دستم نوشته‌ام و دیوارهایت همیشه در نظر من است.^{۱۷} بزودی فرزندان تو خواهند آمد تا تو را دوباره بنا کنند و تمام کسانی که تو را ویران کرده‌اند، از تو بیرون خواهند رفت.^{۱۸} سرت را بالا کن و به اطراف خود نظر انداز. بین چگونه قوم تو جمع شده‌اند و بسوی تو می‌آیند. به حیات خود قسم که آنها نزد تو خواهند آمد و تو به آنها فخر خواهی کرد همانطور که یک عروس به زیورآلات خود فخر می‌کند.^{۱۹} خرابه‌ها و زمینهای ویران تو از مردم پر خواهند شد و دشمنانت که تو را اسیر کرده بودند، از تو دور خواهند شد.^{۲۰} فرزندان تو که در دیار تبعید دنیا آمده‌اند به تو خواهند گفت: «این سرزمین برای ما کوچک است. ما به جای وسیعتری نیاز داریم.»^{۲۱} آنگاه از خود خواهی پرسید: «چه کسی اینها را برای من زاییده است؟ چه کسی اینها را برای من بزرگ کرده است؟ بیشتر فرزندانم کشته شده‌اند و بقیه به اسیری رفته مرا تنها گذاشته‌اند. پس اینها از کجا آمده‌اند؟»

^{۲۲} خداوند قادر متعال به قوم اسرائیل می‌فرماید: «اینک من قومهای جهان را بسیج خواهم کرد و آنها پسرانت را در آغوش گرفته، دخترانت را بر دوش خواهند گذاشت و آنان را نزد تو باز خواهند آورد.^{۲۳} پادشاهان و ملکه‌ها مانند دایه از تو مراقبت خواهند

او را بدانم.^۵ خداوند با من صحبت کرد و من به سخنانش گوش دادم. با او مخالفت نکردم و از او برنگشتم.^۶ پشتم را به ضرب شلاق کسانی که مرا می‌زدند سپردم و در برابر کسانی که ریش مرا می‌کنند و بصورتم تف می‌انداختند و به من اهانت می‌کردند، مقاومت نکردم.

^۷ از اهانت آنان ترسی ندارم، زیرا خداوند یاور من است. بنابراین، روی خود را همچون سنگ خارا ساختم تا خواست خداوند را بجا آورم. یقین دارم پیروز خواهم شد،^۸ زیرا خداوند نزدیک است و از حق من دفاع خواهد کرد. پس کیست که جرأت کند با من بجنگد؟ دشمنان کجا هستند؟ بگذار جلو بیایند!^۹ خداوند پشتیبان من است، پس کیست که بتواند مرا محکوم سازد؟ تمام دشمنانم مانند لباس پید خورده از بین خواهند رفت!

^{۱۰} ای کسانی که ترس خداوند را در دل دارید و مطیع خدمتگزار او هستید، به خداوند اعتماد کنید. هر چند راه شما تاریک باشد و هیچ نوری به آن نتابد، اما شما به خدای خود اطمینان داشته باشید.^{۱۱} کسانی که به روشنایی خود اعتماد می‌کنند و خود را با آتش خویش گرم می‌کنند و نه با آتش خداوند، زندگی را با غم و اندوه سپری خواهند کرد.

نجات دهنده اورشلیم

خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که می‌خواهید نجات یابید، ای کسانی که چشم امیدتان به من است، سخنان مرا بشنوید. به معدنی که از آن استخراج شده‌اید و به صخره‌ای که از آن جدا گشته‌اید، توجه نمایید.^۱ به اجدادتان ابراهیم و ساره فکر کنید که از ایشان بوجود آمدید. هنگامی که ابراهیم را دعوت کردم او فرزندی نداشت و تنها بود، اما من او را برکت دادم و ملت بزرگی از او بوجود آوردم.

^۲ «من بار دیگر اسرائیل را برکت خواهم داد و خرابه‌های آن را آباد خواهم ساخت. زمینهای بایر و بیابانهای خشک آن چون باغ عدن سرسبز خواهند شد. خوشی و شادمانی همه جا را پر خواهد ساخت،

و شکرگزاری همراه با سرودهای شاد در همه جا به گوش خواهد رسید.

^۳ «ای قوم من، به من گوش دهید. من احکام و قوانین خود را صادر می‌کنم تا بوسیله آنها به قوم‌های جهان روشنایی ببخشم.^۴ بزودی می‌آیم تا آنها را نجات دهم و با عدل و انصاف بر آنها حکومت کنم. سرزمینهای دور دست دنیا که چشم به راه من هستند به قدرت من اعتماد خواهند کرد.^۵ چشمان خود را به آسمان بدوزید و به زمین زیر پایتان نگاه کنید، روزی خواهد آمد که آسمان مانند دود، ناپدید خواهد شد و زمین همچون لباس، پوشیده خواهد شد و مردمش خواهند مرد. اما نجاتی که من به ارمغان می‌آورم برای همیشه باقی خواهد ماند و عدالت من هرگز از بین نخواهد رفت.

^۶ «ای کسانی که احکام مرا دوست می‌دارید و خوب را از بد تشخیص می‌دهید، به من گوش کنید. از سرزنش و تهمت مردم نترسید؛^۷ زیرا بید، آنها را مانند لباس از بین خواهد برد و کرم، ایشان را همچون پشم خواهد خورد. اما عدالت من هرگز از بین نخواهد رفت و کار نجابتبخش من نسل اندر نسل باقی خواهد ماند.»

^۸ ای خداوند برخیز و با قدرتت ما را نجات ده همانگونه که در گذشته ما را نجات دادی. تو همان خدایی هستی که اژدهای رود نیل، یعنی مصر را نابود کردی.^۹ تو دریا را خشک ساختی و راهی از میان آن باز کردی تا قومی که آزاد ساخته بودی از آن عبور کنند.^{۱۰} ای خداوند بگذار کسانی که آزاد کرده‌ای سرودخوانان و شادی‌کنان به اورشلیم باز گردند. بگذار غم و اندوه آنان پایان یابد و خوشی و شادمانی جاودانی نصیبشان شود.

^{۱۱} خداوند می‌فرماید: «من هستم که به شما تسلی می‌دهم و شما را شاد می‌سازم؛ پس چرا از انسان فانی می‌ترسید انسانی که مانند گیاه، خشک شده، از بین می‌رود؟^{۱۲} آیا مرا که آفریننده شما هستم و زمین را بنیاد نهادم و آسمانها را بر آن گسترانیدم، فراموش کرده‌اید؟ چرا دایم از ظلم و ستم انسانها می‌ترسید و تمام روز از خشم آنان می‌هراسید؟^{۱۳} شما اسیران،

بزودی آزاد خواهید شد. دیگر در سیاه چالها گرسنه نخواهید ماند و نخواهید مرد.^{۱۵} من خداوند، خدای شما هستم همان خداوند قادر متعال که از میان امواج خروشان دریا، راهی خشک برای شما پدید آورد!^{۱۶} من که زمین را بنیاد نهادم و آسمانها را برقرار ساختم، به اسرائیل می‌گویم: «شما قوم من هستید. من احکام خود را به شما داده‌ام و با دست خود شما را حفظ می‌کنم.»

پایان رنجهای اورشلیم

^۷ چه زیاست باهای پیک خوش خبری که از کوهستان می‌آید و خبر صلح و نجات را می‌آورد و به اسرائیل می‌گوید: «خدای تو سلطنت می‌کند!»^۸ دیده بانان از شادی با صدای بلند سرود می‌خوانند، زیرا با چشمان خود می‌بینند که خداوند دوباره به اورشلیم باز می‌گردد.^۹ ای خرابه‌های اورشلیم با صدای بلند آواز شادمانی سر دهید، زیرا خداوند اورشلیم را آزاد خواهد ساخت و قوم خود را تسلی خواهد داد.^{۱۰} خداوند در برابر چشمان تمام قومها، قدرت مقدس خود را بکار خواهد برد و قوم خود را نجات خواهد داد تا همه آن را ببینند.^{۱۱} اینک خود را از قید اسارت آزاد سازید و بابل و تمام مظاهر آن را پشت سر بگذارید، زیرا آنها ناپاک هستند. شما قوم مقدس خداوند هستید. ای همه شما که ظروف خانه خداوند را حمل می‌کنید و به وطن باز می‌گردید، خود را پاک سازید!^{۱۲} این بار دیگر با عجله از سرزمین اسارتان نخواهید رفت و لازم نخواهد بود که بگریزید، زیرا خداوند پیشاپیش شما خواهد رفت و خود خدای اسرائیل، حافظ شما خواهد بود.

^{۱۷} برخیز ای اورشلیم، برخیز! به اندازه کافی از کاسه غضب خداوند نوشیده‌ای. آن را تا ته سر کشیده‌ای و سرگیجه گرفته‌ای.^{۱۸} کسی از ساکنات باقی نمانده تا دستت را بگیرد و تو را راهنمای کند.^{۱۹} ابلائی مضاعف بر تو عارض شده است؛ سرزمینت خراب شده و مردمانت از قحطی و شمشیر به هلاکت رسیده‌اند. دیگر کسی باقی نمانده تا تو را دلداری و تسلی دهد.^{۲۰} مردم تو مانند آهوانی هستند که در دام صیاد گیر کرده باشند؛ آنها در کوچه‌های افتاده‌اند و قدرت ندارند از جا برخیزند، زیرا خداوند غضب خود را بر آنها نازل کرده است.^{۲۱} اما ای مصیبت‌زدگان که مست و گیج هستید، اما نه از شراب، اکنون گوش دهید.^{۲۲} خداوند، خدایان که مدافع شماست چنین می‌گوید: «من کاسه غضب خود را که باعث سرگیجه شما شده از دست شما می‌گیرم و شما دیگر مجبور نخواهید شد از آن بنوشید.»^{۲۳} کاسه غضب خود را بدست کسانی خواهم داد که بر شما ظلم می‌کنند و شما را و می‌دارند در کوچه‌ها دراز بکشید تا شما را مانند خاک زمین لگدمال کنند.»

خدا اورشلیم را نجات خواهد داد

^{۱۳} خداوند می‌فرماید: «خدمتگزار من در کار خود کامیاب و بسیار سرفراز خواهد شد.^{۱۴} بسیاری از مردم با دیدن او متحیر می‌شوند، زیرا صورت او بقدری عوض شده که دیگر شکل انسان ندارد.^{۱۵} او خون خود را بر قومهای بسیار خواهد پاشید و آنها را از گناه پاک خواهد ساخت. پادشاهان جهان در

خدا اورشلیم، برخیز ای اورشلیم، برخیز و بار دیگر خود را قوی ساز! ای شهر مقدس، لباس زیبایت را بپوش، زیرا دیگر گناهکاران وارد تو نخواهند شد.^{۱۶} ای اورشلیم، از میان خاک بلند شو! ای اسیرشدگان اورشلیم، بندهای اسارت را از گردن خود باز کنید! زیرا خداوند می‌فرماید: «مفت اسیر شده‌اید و مفت

گرفت^۵ و اراده من بدست او اجرا خواهد شد. ^{۱۱} هنگامی که ببیند غذایی که کشیده چه ثمری به بار آورده، راضی و خشنود خواهد شد. خدمتگزار عادل من بار گناهان بسیاری از مردم را به دوش خواهد گرفت و من بخاطر او آنها را خواهم بخشید. ^{۱۲} به او مقامی بزرگ و قدرتی عظیم خواهم داد، زیرا او خود را فدا کرد، از خطا کاران محسوب شد، بار گناهان بسیاری را بر دوش گرفت و برای خطا کاران شفاعت کرد.^{۱۳}

محبت خدا نسبت به اسرائیل

ای اورشلیم، ای زن بی‌اولاد، شاد باش و **۵۴** سرود بخوان، زیرا فرزندان تو زیادت از فرزندان زنی خواهند شد که شوهرش او را ترک نکرده باشد! ^۲ خیمه‌ای را که در آن زندگی می‌کنی وسیعتر کن و پرده‌های آن را بهتر ساز، طنابهایش را دراز کن و میخهایش را محکم ساز؛ ^۳ زیرا بزودی جمعیت تو زیاد خواهد شد. فرزندان نزد تو باز خواهند گشت و این سرزمین را که بدست بیگانگان افتاده، تصاحب خواهند کرد و شهرهای ویران را دوباره آباد خواهند ساخت.

^۴ نترس و نگران نباش، زیرا دیگر رسوا و خوار نخواهی شد. خیانتی را که در جوانیت مرتکب شده‌ای به یاد نخواهی آورد و تنهایی زمان بیوگی‌ات را فراموش خواهی کرد؛ ^۵ زیرا آفریننده تو که نامش خداوند قادر متعال است، شوهر تو خواهد بود. خدای مقدس اسرائیل که خدای تمام جهان است، نجات دهنده تو خواهد بود. ^۶ ای اسرائیل، تو مانند زن جوان رنج‌دیده‌ای هستی که شوهرش او را ترک گفته باشد. اما خداوند تو را دوباره نزد خود می‌خواند و می‌گوید: ^۷ «برای اندک مدتی تو را ترک گفتم، اما اینک با محبتی عمیق تو را نزد خود برمی‌گردانم.» ^۸ خداوند که حامی توست می‌فرماید: «در لحظه غضب، روی خود را از تو برگردانیدم،

حضور او دهان خود را خواهند بست، زیرا چیزهایی را خواهند دید که کسی برای آنها تعریف نکرده و چیزهایی را خواهند فهمید که از کسی نشنیده بودند. **۵۳** اما چه کم هستند کسانی که این حقیقت را باور می‌کنند! چه کم‌اند کسانی که خداوند این حقیقت را به آنان آشکار ساخته است! ^۲ در نظر خدا او مانند درخت سبزی بود که در زمین خشک و شوره‌زار روئیده و ریشه دوانده باشد؛ اما در نظر ما او زیبایی و جلوه‌ای نداشت که مشتاقش باشیم.

^۳ ما او را خوار شمردیم و رد کردیم، اما او درد و غم را تحمل کرد. همه ما از او رو برگردانیدیم. او خوار شد و ما هیچ اهمیت ندادیم. ^۴ این دردهای ما بود که او به جان گرفته بود، این رنجهای ما بود که او بر خود حمل می‌کرد؛ اما ما گمان کردیم این درد و رنج مجازاتی است که خدا بر او فرستاده است. ^۵ برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم. ^۶ ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، گمراه شده بودیم؛ راه خدا را ترک کرده به راه‌های خود رفته بودیم. باوجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت!

^۷ با او با بی‌رحمی رفتار کردند، اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود. او را مانند بره به کشتارگاه بردند؛ و او همچون گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است، خاموش ایستاد و سخنی نگفت. ^۸ به ناحق او را به مرگ محکوم کرده، کشتند و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود که کشته می‌شد بلی، او بجای مردم مجازات شد. ^۹ هنگامی که خواستند او را همراه خطا کاران دفن کنند، او را در قبر مردی ثروتمند گذاشتند؛ اما هیچ خطایی از او سر نزده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود.

^{۱۰} خداوند می‌فرماید: «این خواست من بود که او رنج بکشد و بمیرد. او جانش را قربانی کرد تا آمرزش گناهان به ارمغان آورد، بنابراین صاحب فرزندان بی‌شمار خواهد شد. او زندگی را از سر خواهد

• «او زندگی را از سر خواهد گرفت» با «عمر او طولانی خواهد شد»

را صرف چیزی می‌کنید که سیرتان نمی‌کند؟ به من گوش دهید و از من اطاعت کنید تا بهترین خوراک را بخورید و از آن لذت ببرید.

^۳ «ای قوم من، با گوشه‌های باز و شنوا نزد من بیایید تا زنده بمانید. من با شما عهدی جاودانی می‌بندم و برکاتی را که به داود پادشاه وعده داده‌ام به شما می‌دهم. ^۴ همانگونه که او سرزمینها را تسخیر کرد و قدرت مرا ظاهر ساخت، ^۵ شما نیز قومهای بیگانه را فراخواهید خواند و آنها آمده، مطیع شما خواهند شد. من که خداوند، خدای مقدس اسرائیل هستم این کار را برای خودم خواهم کرد و به شما عزت و افتخار خواهم بخشید.»

^۶ خداوند را مادامی که یافت می‌شود بطلبید، و مادمی که نزدیک است او را بخوانید. ^۷ ای گناهکاران، از کارها و فکراهی فاسد خود دست بکشید و بسوی خداوند بازگشت کنید، زیرا او بسیار بخشنده است و بر شما رحم خواهد کرد.

^۸ خداوند می‌فرماید: «فکراهی من فکراهی شما نیست، و راه‌های من هم راه‌های شما نیست. ^۹ به همان اندازه که آسمان بلندتر از زمین است، راه‌های من نیز از راه‌های شما و فکراهی من از فکراهی شما بلندتر و برتر است.»

^{۱۰} «کلام من مانند برف و باران است. همانگونه که برف و باران از آسمان می‌بارند و زمین را سیراب و بارور می‌سازند و به کشاورز بذر و به گرسنه نان می‌بخشند، ^{۱۱} کلام من نیز هنگامی که از دهان بیرون می‌آید بی‌ثمر نمی‌ماند، بلکه مقصود مرا عملی می‌سازد و آنچه را اراده کرده‌ام انجام می‌دهد.»

^{۱۲} «ای قوم من، شما با شادی از بابل بیرون خواهید آمد و با آرامش آنجا را ترک خواهید گفت. کوه‌ها و تپه‌های اطراف شما با شادی سرود خواهند خواند و درختهای صحرا برای شما دست خواهند زد! ^{۱۳} بجای خار و خس، درختان سبز و خوشبویی چون صنوبر و آس خواهند رویید. این معجزه، یادبودی جاودانی خواهد بود از آنچه من انجام داده‌ام.»

اما اینک با محبت جاودانی تو را دوست خواهم داشت.

^۹ همانگونه که در زمان نوح قسم خوردم که دیگر نگذارم طوفان جهان را فراگیرد، اکنون نیز قسم می‌خورم که بار دیگر بر تو خشمگین نشوم و تو را تنبیه نکنم. ^{۱۰} هر چند کوه‌ها جابجا شوند و تپه‌ها نابود گردند، اما محبت من نسبت به تو هرگز از بین نخواهد رفت و پیمان سلامتی‌ای که با تو بسته‌ام هیچوقت شکسته نخواهد شد. خداوند که تو را دوست دارد این را می‌گوید.

^{۱۱} «ای شهر داغ‌دیده و رنجور من که تسلی نیافته‌ای، من تو را بازسازی خواهم کرد؛ تو را با سنگهای قیمتی بنیاد خواهم نهاد. ^{۱۲} برجهای را با لعل و دروازه‌ها و دیوارهای را با گوهرهای درخشان بنا خواهم کرد. ^{۱۳} همهٔ ساکنات از من تعلیم خواهند گرفت و سلامتی و کامیابی روز افزونی نصیب ایشان خواهد شد. ^{۱۴} عدل و انصاف در تو حکمفرما خواهد شد و تو از ظلم و آزار دیگران در امان خواهی ماند. در صلح و آرامش بسر خواهی برد و دیگر نخواهی ترسید. ^{۱۵} اگر قومی بر تو هجوم آورند، این امر با اجازهٔ من نخواهد بود. پس آتانی که با تو بجنگند، از پای در خواهند آمد.»

^{۱۶} «آهنگر را که آتش کوره را می‌دمد و اسلحه می‌سازد، من آفریده‌ام. سرباز را نیز که اسلحه بدست می‌گیرد و می‌جنگد، من بوجود آورده‌ام؛ ^{۱۷} و من می‌گویم هر اسلحه‌ای که بر ضد تو ساخته شود کاری از پیش نخواهد برد و تو بر تمام مدعیانت غالب خواهی شد. من خدمتگزارانم را حمایت می‌کنم و به آنان پیروزی می‌بخشم.» این است آنچه خداوند می‌فرماید.

دعوت از تشنگان

۵۵ خداوند می‌فرماید: «ای همهٔ تشنگان، نزد آبها بیایید؛ ای همهٔ شما که پول ندارید، بیایید نان بخرید و بخورید؛ بیایید شیر و شراب را بدون پول بخرید و بنوشید! ^۲ چرا پول خود را خرج چیزی می‌کنید که خوردنی نیست؟ چرا دسترنج خود

نجات قوم های جهان

۵۶

خداوند به قوم خود چنین می گوید: «با انصاف رفتار کنید و آنچه را که راست و درست است انجام دهید، زیرا بزودی می آیم تا شما را آزاد سازم. ^۲ من کسانی را که حرمت روز «سبت» را نگاه می دارند و از انجام دادن هر کار بدی دوری می کنند، برکت خواهم داد.»

^۳ قوم های غیر یهود نیز وقتی خداوند را بپذیرند، از برکت او برخوردار خواهند شد. پس ایشان بگویند: «خداوند ما را از قوم خود نمی داند.» همچنین مردانی که نمی توانند صاحب فرزند شوند گمان نکنند که از قوم خدا جدا هستند؛ ^۴ زیرا خداوند درباره آنها می گوید: «اگر ایشان حرمت روز سبت را نگه دارند و آنچه را که مورد پسند من است بجا آورند و به عهد من وفادار بمانند، ^۵ آنگاه نام ایشان در خانه من و در میان قوم من تا ابد به یادگار خواهد ماند و نامی پر افتخارتر از نام کسانی خواهد بود که صاحب فرزند هستند.»

^۶ همچنین خداوند در مورد قوم های غیر یهود که به قوم او ملحق می شوند و او را خدمت می کنند، و او را دوست داشته، خدمتگزار او می شوند، چنین می گوید: «اگر حرمت روز سبت را نگاه دارند و به عهد من وفادار بمانند، ^۷ ایشان را نیز به کوه مقدس خود خواهم آورد و در خانه عبادتم ایشان را شاد خواهم ساخت و قربانی ها و هدایای ایشان را قبول خواهم کرد. خانه من «خانه عبادت همه قومها» نامیده خواهد شد.»

^۸ خداوند که بنی اسرائیل را از تبعید به وطن باز می گرداند، می فرماید: «علاوه بر قوم خود اسرائیل، قوم های دیگر را نیز جمع کرده، به اسرائیل خواهم آورد.»

محکومیت رهبران اسرائیل

^۹ خداوند به قوم های بیگانه دستور می دهد که مانند حیوانات درنده به قوم او حمله کنند و آنان را بدرند. ^{۱۰} او می گوید: «رهبران اسرائیل که می بایست قوم مرا از خطر آگاه سازند، خود کور هستند و شعور

ندارند. مانند سگ های گله ای هستند که هنگام خطر پارس نمی کنند؛ فقط دوست دارند دراز بکشند و بخوابند. ^{۱۱} سگ های حریصی هستند که هرگز سیر نمی شوند. این رهبران قوم، فهم و شعور ندارند. هر چه دلشان می خواهد می کنند و فقط دنبال سود خود هستند. ^{۱۲} آنها می گویند: «بباید شراب بیاوریم و بنوشیم و مست شویم. زندگی همین است. فردا روز بهتری خواهیم داشت!»

محکومیت بدکاران اسرائیل

۵۷

انسانهای خوب، دیده از جهان فرو می بندند و اشخاص خداشناس پیش از وقت می میرند و کسی نیست که در این باره فکر کند و دلیل این امر را بفهمد. ایشان می میرند تا از مصیبتی که در راه است نجات یابند. ^۲ هنگامی که خداشناسان می میرند، از آرامش برخوردار می شوند و استراحت می یابند.

^۳ و اما شما ای بدکاران، جلو ببایید! ای اولاد جادوگران و زناکاران، نزدیک ببایید! ^۴ شما چه کسی را مسخره می کنید؟ به چه کسی دهن کجی می کنید؟ ای آدم های گناهکار و دروغگو، شما همان اشخاصی هستید که زیر سایه درختها زنا می کنید و در دره ها و زیر شکاف صخره های بلند فرزندان خود را برای بتها قربانی می کنید. ^۵ سنگ های صاف را از میان دره ها برمی دارید و آنها را چون خدا می پرستید و هدایای گوناگون به آنها تقدیم می کنید. آیا فکر می کنید این رفتارتان خدا را خشنود می کند؟ ^۶ به کوه های بلند می روید تا در آنجا زنا کنید و برای بت هایتان قربانی کنید. ^۸ شما بت هایتان را پشت درهای بسته قرار می دهید و آنها را می پرستید. این عمل شما زنا کاری است، زیرا بجای اینکه خدا را دوست داشته باشید و عبادت کنید، به بتها عشق می ورزید و آنها را می پرستید. ^۹ با عطر و روغن به حضور بت «مولک» می روید تا آنها را تقدیمش کنید. به سفرهای دور و دراز می روید، حتی به جهنم هم پا می گذارید، تا شاید خدایان تازه ای بباید و به آنها دل ببندید. ^{۱۰} آنقدر می گردید تا خسته و درمانده

می‌شوید، ولی دست از جستجو بر نمی‌دارید. به خود قوت قلب می‌دهید و پیش می‌روید.

۱۱ خداوند می‌فرماید: «این بتها چه هستند که از آنها می‌ترسید و به من خیانت می‌کنید؟ چرا مرا دیگر به یاد نمی‌آورید؟ آیا علت اینکه از من نمی‌ترسید این نیست که سکوت کرده‌ام و چیزی نگفته‌ام؟^{۱۲} شما فکر می‌کنید کار درستی انجام می‌دهید، ولی وقتی من کارهای زشت شما را برملا سازم، آنگاه بتهای شما نیز قادر نخواهند بود شما را یاری دهند.^{۱۳} از دست این بتهایی که برای خود جمع کرده‌اید کاری ساخته نیست و آنها به فریاد شما نخواهند رسید؛ آنها بقدری ضعیفند که یک وزش باد می‌تواند آنها را از جا برکند و با خود ببرد. اما بدانید کسانی که به من توکل دارند مالک زمین و وارث کوه مقدس من خواهند شد.»

روزه حقیقی

۵۸ خداوند می‌فرماید: «صدای خود را چون شیپور بلند کن و گناهان قومم را به ایشان اعلام کن.^۱ آنها هر روز مرا عبادت می‌کنند و وانمود می‌کنند که مایلند احکام مرا بدانند و اوامر مرا اجرا کنند. می‌گویند که هرگز احکام عادلانه مرا زیر پا نگذاشته‌اند و همیشه از پرستش من لذت برده‌اند.»
 ۲ قوم اسرائیل می‌گویند: «چرا وقتی روزه می‌گیریم خداوند نمی‌بیند؟ چرا وقتی به خود ریاضت می‌دهیم او به ما توجه نمی‌کند؟»

خداوند چنین پاسخ می‌دهد: «دلیلش این است که در ایام روزه‌داری باز دنبال سود خود هستید و بر کارگران زبردست خود ظلم می‌کنید.^۳ روزه‌داری شما باعث می‌شود با یکدیگر با خشونت رفتار کنید و بجنگید. آیا فکر می‌کنید این نوع روزه مقبول من است؟^۴ هنگامی که قصد دارید روزه بگیرید، خود را ریاضت می‌دهید و سرتان را مثل نی خم می‌کنید و روی پلاس و خاکستر دراز می‌کشید و گمان می‌کنید با این کارها مقبول من خواهید شد.»

۵ روزه‌ای که من می‌پسندم این است که زنجیرهای ظلم را پاره کنید و یوغ ستم را بشکنید و مظلومان را آزاد کنید؛^۶ خوراکتان را با گرسنگان تقسیم کنید و فقیران بی‌کس را به خانه خود بیاورید؛ اشخاص برهنه را لباس بپوشانید و از کمک به بستگانان دریغ نکنید.^۷ اگر چنین کنید من نیز رحمت خود را همچون سپیده دم بر شما خواهم تاباند و امراض شما را فوری شفا خواهم داد. حضور پر جلال من همیشه با شما خواهد بود و شما را از هر طرف محافظت خواهد کرد.^۸ وقتی دعا کنید اجابت خواهم کرد و هنگامی که کمک بطلبید، به یاری شما خواهم آمد.

۹ «اگر از ظلم کردن به ضعفا دست بردارید و ناحق به کسی تهمت نزنید و سخنان دروغ شایع نکنید؛^{۱۰} از خوراک خود به گرسنگان بدهید و به کسانی که در تنگنا هستند کمک کنید، آنگاه نور شما در تاریکی

وعده آرامش

۱۴ خداوند می‌گوید: «قوم من بسوی من باز می‌گردند! پس راه را آماده سازید و سنگها و موانع را از سر راه بردارید.»

۱۵ خدای متعال و مقدس که تا ابد زنده است، چنین می‌گوید: «من در مکان‌های بلند و مقدس ساکنم و نیز در وجود کسی که روحی متواضع و توبه کار دارد، تادل او را زنده سازم و نیروی تازه به او بخشم.^{۱۶} من تا ابد شما را محکوم نخواهم کرد و بر شما خشمگین نخواهم ماند، زیرا اگر چنین کنم تمام جانمایی که آفریده‌ام از بین خواهند رفت.^{۱۷} من به علت طمعکاری شما غضبناک شدم و تنبیه‌تان کردم و شما را ترک گفتم. اما شما راه خود را ادامه دادید و از آن دست نکشیدید.^{۱۸} کارهای شما را می‌بینم، اما با وجود این شما را شفا خواهم داد. شما را هدایت خواهم کرد و تسلی خواهم داد. به شما کمک خواهم کرد تا برای گناهانتان ماتم بگیرید و به آنها اعتراف کنید.^{۱۹} همه مردم از سلامتی برخوردار خواهند شد چه آنانی که دورند و چه آنانی که نزدیکند؛ زیرا من ایشان را شفا خواهم بخشید.^{۲۰} اما بدکاران مانند دریای متلاطمی هستند که هرگز آرام نمی‌گیرد، بلکه همیشه گل و لجن بالا می‌آورد.^{۲۱} برای بدکاران

آرامش می‌کنید. تمام کارهای شما از روی بی‌انصافی است. راه‌های شما کج است، و هر که در آن قدم بگذارد از آسایش برخوردار نخواهد شد.

اعتراف قوم اسرائیل

۹ مردم می‌گویند: «الان فهمیدیم چرا خدا ما را از دست دشمنانمان نجات نمی‌دهد و چرا هنگامی که در انتظار نور بودیم، تاریکی به سراغمان آمد!»^{۱۰} مانند اشخاص نابینا، کورمال کورمال راه می‌رویم و در روز روشن جایی را نمی‌بینیم و به زمین می‌افتم؛ گویی در دنیای مردگان زندگی می‌کنیم!^{۱۱} همه ما همچون خرس‌های گرسنه خرناس می‌کشیم و مانند فاخته‌ها می‌نالیم. به خداوند روی می‌آوریم تا ما را نجات دهد، اما بی‌فایده است؛ زیرا او از ما روگردان شده است.^{۱۲} گناهایی که نسبت به خداوند مرتکب شده‌ایم در حضور او روی هم انباشته شده و علیه ما شهادت می‌دهند.

«ای خداوند، می‌دانیم که گناهکاریم.^{۱۳} ما تو را ترک گفته و رد کرده‌ایم و از پیروی تو دست برداشته‌ایم. ما ظالم و یاغی هستیم. فکرهای ما کج است و حرفهای ما پر از دروغ.^{۱۴} انصاف را زیر پا گذاشته‌ایم؛ عدالت را از خود رانده‌ایم؛ حقیقت را در کوچه‌ها انداخته‌ایم و صداقت را به بوتۀ فراموشی سپرده‌ایم.^{۱۵} راستی از بین رفته است؛ و هر که بخواهد از ناراستی دوری کند، مورد سرزنش واقع می‌شود.»

رستگاری قوم اسرائیل

خداوند تمام این بدیها را دیده و غمگین است.^{۱۶} او تعجب می‌کند که چرا کسی نیست به داد مظلومان برسد. پس او خود آماده می‌شود تا ایشان را نجات دهد، زیرا او خدای عادل است.^{۱۷} خداوند عدالت را مانند زره می‌پوشد و کلاهخود نجات را بر سر می‌گذارد. سراسر وجود او آکنده از حس عدالت خواهی است؛ او از ظالمان انتقام خواهد کشید.^{۱۸} دشمنان خود را به سزای اعمالشان خواهد رسانید و مخالفان خود را حتی اگر در سرزمینهای

خواهد درخشید و تاریکی اطرافتان مانند روز روشن خواهد شد؛^{۱۱} و من شما را همیشه هدایت نموده، با چیزهای خوب سیرتان خواهم کرد. شما را قوی و سالم نگاه خواهم داشت. شما مانند باغی پربار و چشمه‌ای پرآب خواهید بود.^{۱۲} هموطنانتان خرابه‌های قدیمی شهرهایتان را دوباره بنا خواهند کرد و شما به قومی معروف خواهید شد که حصارها و شهرهای خود را بازسازی می‌کند.»

۱۳ خداوند می‌فرماید: «اگر روز مقدس سبت را نگاه دارید و در آن روز کار نکنید و به خوشگذرانی نپردازید، بلکه آن را محترم و مقدس بدارید و در آن روز مرا عبادت کنید، و در پی هوی و هوس خود نروید و سخنان بیهوده نگویند،^{۱۴} آنگاه شادی من نصیب شما خواهد شد. من شما را در تمام جهان سربلند خواهم کرد و برکاتی را که به جدتان یعقوب وعده داده‌ام نصیب شما خواهم ساخت. من که خداوند هستم این را می‌گویم.»

گناه قوم اسرائیل

۵۹ ای مردم فکر نکنید که خداوند ضعیف شده و دیگر نمی‌تواند شما را نجات دهد. گوش او سنگین نیست؛ او دعا‌های شما را می‌شنود.^۱ اما گناهان شما باعث شده او با شما قطع رابطه کند و دعا‌های شما را جواب ندهد.^۲ دست‌های شما به خون آلوده است و انگشت‌هایتان به گناه. لب‌های شما سخنان دروغ می‌گویند و از زیانتان حرف‌های زشت شنیده می‌شود.^۳ در دادگاه عدالت را زیر پا می‌گذارید و با دروغ‌هایی که می‌گویید رأی دادگاه را به نفع خود تغییر می‌دهید. شما گناهکار و ظالم هستید.^۴ نقشه شومتان مانند تخم افعی است که وقتی شکسته می‌شود افعی از آن بیرون می‌آید و مردم را به هلاکت می‌رساند؛ اما بدانید که نقشه‌هایتان عملی نخواهد شد و هیچ فایده‌ای به شما نخواهد رسانید. آنها مانند لباسی هستند که از تار عنکبوت بافته شده باشند.^۵ با فکرتان دایم نقشه‌های پلید طرح می‌کنید و با پاهایتان بدنبال بی‌گناهان می‌دوید تا آنها را بکشید. هر جا می‌روید خرابی و ویرانی برجای می‌گذارید^۶ و سلب

مقدس اسرائیل که در تمام دنیا مشهور است، قوم خود را در نظر همه قومها عزت و احترام بخشیده است.

^{۱۰} خداوند به اورشلیم می‌گوید: «بیگانگان آمده، دیوارهای تو را بازسازی خواهند کرد و پادشاهان آنها تو را خدمت خواهند نمود، زیرا هر چند در خشم خود تو را مجازات کردم، اما به لطف خویش بر تو رحم خواهم کرد.» ^{۱۱} روز و شب، دروازه‌های باز خواهد بود تا پادشاهان جهان ثروت کشورهای خود را نزد تو بیاورند. ^{۱۲} هر قومی که نخواهد تو را خدمت کند، هلاک شده، از بین خواهد رفت.

^{۱۳} «از جنگل لبنان چوبهای درختان صنوبر و کاج و چنار را برای تو ای اورشلیم خواهند آورد تا تو را بازسازی کنند و خانه مرا تزیین نمایند و شهر مرا باشکوه سازند.» ^{۱۴} پسران کسانی که بر تو ظلم کرده‌اند خواهند آمد و در مقابل تو زانو زده، تعظیم خواهند کرد و کسانی که تو را تحقیر کرده‌اند بر پاهایت خواهند افتاد و تو را سجده خواهند کرد. آنها تو را شهر خداوند، خدای مقدس اسرائیل خواهند نامید.

^{۱۵} «تو زمانی متروک و مطرود بودی و کسی از تو عبور نمی‌کرد، اما اینک تو را برای همیشه باشکوه می‌سازم و تو تا ابد محل شادمانی خواهی بود.» ^{۱۶} قومها و پادشاهان جهان نیازهای تو را برآورده خواهند ساخت و مانند یک مادر از تو مراقبت خواهند نمود. آنگاه خواهی فهمید که من خداوند، خدای قادر اسرائیل، حامی و نجات دهنده تو هستم. ^{۱۷} «من مفرغ تو را به طلا تبدیل می‌کنم و آهن تو را به نقره، چوب تو را به مفرغ، و سنگ تو را به آهن. رهبران و حاکمانی به تو خواهم داد که با صلح و عدالت بر تو حکومت کنند.» ^{۱۸} ظلم و خرابی را از تو دور خواهم کرد و مانند دیواری محافظ، تو را احاطه خواهم نمود و تو مرا سپاس خواهی گفت چرا که تو را نجات داده‌ام.

^{۱۹} «تو دیگر به روشنایی خورشید و ماه احتیاج نخواهی داشت، زیرا من که خداوند هستم نور جاودانی تو و زیبایی تو خواهم بود.» ^{۲۰} آفتاب تو هرگز غروب نخواهد کرد و ماه تو زوال نخواهد

دور دست نیز باشند، جزا خواهد داد. ^{۱۹} همه مردم، از شرق تا غرب، از قدرت او خواهند ترسید و به او احترام خواهند گذاشت. او مانند سیلابی عظیم و طوفانی شدید خواهد آمد.

^{۲۰} خداوند به قوم خود می‌گوید: «نجات دهنده‌ای در اورشلیم ظهور خواهد کرد تا کسانی را که از گناهانشان دست می‌کشند، نجات بخشد.» ^{۲۱} و اما من با شما این عهد را می‌بندم: روح من که بر شماست و کلام من که در دهان شماست، هرگز از شما دور نخواهند شد. این است عهد من با شما و با نسلهای شما تا ابد.»

آینده پرشکوه اورشلیم

۶۰ ای اورشلیم برخیز و بگذار نور تو بدرخشد، زیرا جلال خداوند بر تو تابان است! ^۱ تمام قومهای جهان در تاریکی فرو خواهند رفت، اما نور جلال خداوند بر تو خواهد تابید، ^۲ و پادشاهان و قومها بسوی تو خواهند آمد تا نور جلال خداوند را که بر تو تابان است مشاهده کنند.

^۳ به اطراف خود نگاه کن و ببین چگونه قوم تو جمع شده بسوی تو می‌آیند. ایشان پسران و دختران را در آغوش گرفته، از راه دور به وطن باز می‌گردند. ^۴ تو این را به چشم خواهی دید و شاد خواهی شد و از شدت هیجان خواهی لرزید. گنجهای جهان از راه دریا بسوی تو خواهد آمد و ثروت قومها نزد تو جمع خواهد شد. ^۵ کاروانهای شتر از «مدیان» و «عیفه» و «شیع» خواهند آمد و با خود طلا و بخور خواهند آورد. مردم خداوند را ستایش خواهند کرد و کارهای او را بشارت خواهند داد. ^۶ تمام گله‌های «قیدار» و «نبایوت» را نزد تو خواهند آورد تا بر قریانگاه خانه خداوند قربانی کنند. در آن روز خداوند خانه پرشکوه خود را زینت خواهد داد.

^۸ اینها کیستند که مانند ابر بسوی سرزمین اسرائیل در حرکتند؟ ایشان به کبوترهایی می‌مانند که به لانه‌های خود باز می‌گردند. ^۹ اینها قوم خدا هستند که سوار بر کشتی از سرزمینهای دور دست به وطن باز می‌گردند و با خود طلا و نقره می‌آورند، زیرا خدای

پذیرفت، زیرا من نور جاودانی تو خواهم بود، و روزهای سوگواریت پایان خواهند یافت. ^{۱۱} همهٔ افراد قوم تو مردمانی درستکار خواهند بود و سرزمین خود را تا ابد حفظ خواهند کرد. من ایشان را در آنجا خواهم کاشت تا عظمت و جلال خود را ظاهر کنم. ^{۱۲} حتی کوچکترین و ضعیفترین خاندان تو بزرگ شده، به قومی نیرومند تبدیل خواهد شد. هنگامی که زمان معین فرا رسد من که خداوند هستم این را بی‌درنگ انجام خواهم داد.»

مژدهٔ آزادی

۶۱

روح خداوند بر من است. خداوند مرا برگزیده تا به رنج‌دیدگان بشارت دهم، دل شکستگان را شفا بخشم، به اسیران مژدهٔ آزادی دهم و کوران را بینا سازم. ^۲ او مرا فرستاده تا به قوم او که سوگواریت تسلی دهم و بگویم که زمان رحمت خداوند برای ایشان و روز غضب او برای دشمنانشان فرا رسیده است. ^۳ من غم مردم ماتم زده اورشلیم را به شادی و سرور، و نوحهٔ آنان را به سرود حمد و ستایش تبدیل خواهم کرد. آنان همچون درختان بدست خداوند کاشته خواهند شد و آنچه را که راست و درست است انجام داده، باعث سرفرازی و ستایش وی خواهند بود. ^۴ ایشان خرابه‌های قدیمی را بازسازی خواهند کرد و شهرهایی را که از مدت‌ها پیش ویران بوده‌اند آباد خواهند نمود.

^۵ ای قوم من، بیگانگان شما را خدمت خواهند کرد. ایشان گله‌هایتان را خواهند چرانید و زمین‌هایتان را شخم خواهند زد و از باغ‌هایتان نگهداری خواهند کرد. ^۶ شما «کاهنان خداوند» و «خدمتگزاران خدای ما» نامیده خواهید شد. گنجهای قومها را تصاحب خواهید کرد و ثروت آنان از آن شما خواهد شد. ^۷ رسوایی و سرافکنندگی شما پایان خواهد یافت و سعادت مضاعف و شادی ابدی نصیبتان خواهد شد. ^۸ خداوند می‌فرماید: «عدل و انصاف را دوست دارم و از غارت و ستم بیزارم. پاداش رنج و زحمت قوم خود را خواهم داد و با ایشان عهد جاودانی خواهم بست. ^۹ فرزندان‌شان در میان قومهای جهان

معروف خواهند شد. هر که آنان را ببیند اعتراف خواهد کرد که قوم برگزیده و مبارک خداوند هستند.» ^{۱۱} اورشلیم می‌گوید: «خداوند خوشی عظیمی به من داده و مرا شاد ساخته است! او لباس نجات و ردای عدالت را به من پوشانده است! من مانند دامادی هستم که بر سرش تاج نهاده‌اند و همچون عروسی هستم که با زیورآلات، خود را آراسته است. ^{۱۱} خداوند عدالت خود را در تمام جهان آشکار خواهد کرد و همهٔ قومها او را ستایش خواهند نمود. عدالت او در باغ جهان خواهد رویید و شکوفه خواهد آورد!»

نام جدید اورشلیم

۶۲

من برای اورشلیم دعا خواهم کرد و ساکت نخواهم نشست. آنقدر دعا خواهم کرد تا اورشلیم نجات یابد و پیروزی او مانند مشعلی در تاریکی بدرخشد. ^۲ ای اورشلیم، قومها پیروزی تو را به چشم خواهند دید و پادشاهان شکوه و عظمت تو را مشاهده خواهند کرد. خداوند نام جدیدی بر تو خواهد نهاد، ^۳ و تو برای خداوند تاج افتخار خواهی بود. ^۴ تو را دیگر «متروک» نخواهند خواند و اسرائیل را «زن ترک شده» نخواهند نامید. نام جدید تو «مرغوب» و نام جدید اسرائیل، «عروس» خواهد بود، زیرا خداوند به تو رغبت خواهد داشت و اسرائیل را همسر خود خواهد دانست. ^۵ همانگونه که یک مرد جوان، دوشیزه‌ای را به عقد خود در می‌آورد، آفرینندهٔ تو نیز تو را همسر خود خواهد ساخت. همانگونه که داماد به تازه عروسش دل می‌بندد، خداوند نیز به تو دل خواهد بست.

^۶ ای اورشلیم، بر حصارهایت دیده‌بانانی گماشته‌ام که روز و شب دعا می‌کنند. آنان ساکت نخواهند شد تا هنگامی که خداوند به وعده‌هایش عمل کند. ای کسانی که دعا می‌کنید، خداوند را آرامی ندهید تا هنگامی که اورشلیم را استوار کند و آن را محل عبادت تمام مردم جهان سازد.

^۸ خداوند برای اورشلیم قسم خورده و با قدرت خویش به آن عمل خواهد کرد. او گفته است: «دیگر

دعا و نیایش

از لطف و مهربانی خداوند سخن خواهیم گفت^۷ و بسبب تمام کارهایی که برای ما کرده است او را ستایش خواهیم کرد. او با محبت و رحمت بی حد خویش قوم اسرائیل را مورد لطف خود قرار داد.

^۸ خداوند فرمود: «بنی اسرائیل قوم من هستند و به من خیانت نخواهند کرد.» او نجات دهنده ایشان شد^۹ و در همه مشکلاتشان با ایشان بود. بلی، خود خداوند ایشان را نجات داد. او با محبت و دلسوزی آنان را رها نید و سالهای سال از ایشان مراقبت کرد.^{۱۰} اما ایشان نافرمانی کرده، روح مقدس او را محزون ساختند. پس، او نیز دشمن ایشان شد و با آنان جنگید.

^{۱۱} آنگاه ایشان گذشته را به یاد آوردند که چگونه موسی قوم خود را از مصر بیرون آورد. پس، فریاد برآورده گفتند: «کجاست آن کسی که بنی اسرائیل را به رهبری موسی از میان دریا عبور داد؟ کجاست آن خدایی که روح مقدس خود را به میان قومش فرستاد؟^{۱۲} کجاست او که وقتی موسی دست خود را بلند کرد، با قدرت عظیم خود دریا را در برابر قوم اسرائیل شکافت و با این کار خود شهرت جاودانی پیدا کرد؟^{۱۳} چه کسی ایشان را در اعماق دریا رهبری کرد؟»

خدا بنی اسرائیل را رهبری کرد و آنان مانند اسبانی اصیل که در بیابان می‌دوند، هرگز نلغزیدند.^{۱۴} آنان مانند گله‌ای بودند که آرام در دره می‌چرد، زیرا روح خداوند به ایشان آرامش داده بود. بلی، او قوم خود را رهبری کرد، و نام او برای این کار شهرت یافت.

^{۱۵} ای خداوند از آسمان به ما نگاه کن و از جایگاه باشکوه و مقدس به ما نظر انداز. کجاست آن محبتی که در حق ما نشان می‌دادی؟ کجاست قدرت و رحمت و دلسوزی تو؟^{۱۶} تو پدر ما هستی! حتی اگر ابراهیم و یعقوب نیز ما را فراموش کنند، تو ای خداوند، از ازل تا ابد پدر و نجات دهنده ما خواهی بود.^{۱۷} خداوند، چرا دل‌هایمان را سخت کرده‌ای؟ چرا گذاشتی از راه‌های تو منحرف شویم و

اجازه نخواهم داد دشمنان تو بر تو یورش آورند و غله و شرابت را که برایش زحمت کشیده‌ای غارت کنند.^۹ ساکنان تو نانی را که از غله خود بدست آورده‌اند خواهند خورد و خداوند را شکر خواهند گفت؛ آنها شرابی را که با دست خود درست کرده‌اند در صحن خانه خداوند خواهند نوشید.»

^{۱۱} ای مردم اورشلیم از شهر خارج شوید و جاده‌ای برای بازگشت قوم خود آماده سازید! سنگها را از سر راه بردارید و پرچم را برافزاید تا قومها آن را ببینند و بدانند^{۱۱} که خداوند به تمام مردم جهان اعلان می‌کند که به شما بگویند: «ای مردم اورشلیم، خداوند به نجات شما می‌آید و قوم خود را که آزاد ساخته است همراه خود می‌آورد!»^{۱۲} ای مردم اورشلیم، شما «قوم مقدس خدا» و «نجات یافتگان خداوند» نامیده خواهید شد و اورشلیم «شهر محبوب خدا» و «شهر مبارک خداوند» خوانده خواهد شد.

پیروزی خداوند بر قومها

۶۳ «این کیست که از بصره ادم می‌آید؟ این کیست که در لباسی باشکوه و سرخ‌رنگ، با قدرت و اقتدار گام بر زمین می‌نهد؟
«این خداوند است. او قدرت نجات دارد و می‌آید تا پیروزی خود را اعلان کند.»

^۲ «چرا لباس او اینچنین سرخ است؟ مگر او در چرخشت، انگور زیر پای خود فشرده است؟»

^۳ خداوند پاسخ می‌دهد: «بلی، من به تنهایی انگور را در چرخشت، زیر پا فشردم. کسی نبود به من کمک کند. در غضب خود، دشمنانم را مانند انگور زیر پاله کردم. خون آنان بر لباسم پاشید و تمام لباسم را آلوده کرد.^۴ وقتش رسیده بود که انتقام قوم خود را بگیرم و ایشان را از چنگ دشمنان نجات دهم.^۵ نگاه کردم بینم کسی به کمک من می‌آید، اما با کمال تعجب دیدم کسی نبود. پس، خشم من مرا یاری کرد و من به تنهایی پیروز شدم.^۶ با خشم خود قومها را زار و ناتوان کرده، آنها را پایمال نمودم و خونشان را به زمین ریختم.»

تو را احترام نکنیم؟ بخاطر بندگانت بازگرد! بخاطر قوم بازگرد! ^{۱۸} ما، قوم مقدس تو، مدت زمانی کوتاه مکان مقدس تو را در تصرف خود داشتیم، اما اینک دشمنان ما آن را ویران کرده‌اند. ^{۱۹} ای خداوند، چرا با ما طوری رفتار می‌کنی که گویا هرگز قوم تو نبوده‌ایم و تو نیز هرگز رهبر ما نبوده‌ای؟

۶۴

ای کاش آسمانها را می‌شکافتی و پایین می‌آمدی! حضور تو کوهها را می‌جنبانید و آنها را مانند آبی که بر روی آتش بجوش می‌آید، می‌لرزاند. ای کاش می‌آمدی و قدرت خود را به دشمنان نشان می‌دادی و حضور تو آنها را به لرزه می‌انداخت. ^۲ زمانی تو این کار را کردی؛ هنگامی که انتظار آن را نداشتیم تو آمدی و با حضور خود کوهها را لرزاندی. ^۴ از آغاز جهان تابحال، نه کسی دیده و نه کسی شنیده که خدای دیگری غیر از تو برای پرستندگانش چنین کارهایی بکند.

^۵ تو کسانی را نزد خود می‌پذیری که با خوشحالی آنچه را که راست است انجام می‌دهند. ولی ما آنچه را که راست است انجام ندادیم و تو بر ما غضبناک شدی. آیا برای ما که مدت زیادی در گناه غوطه‌ور بوده‌ایم امیدی هست؟ ^۶ همه ما گناهکاریم؛ حتی کارهای خوب ما نیز تمام به گناه آلوده است. گناهانمان ما را مانند برگهای پاییزی خشک کرده، و خطایای ما همچون باد ما را با خود می‌برد و پراکنده می‌کند. ^۷ کسی نیست که دست دعا بسوی تو دراز کند و از تو یاری خواهد. تو روی خود را از ما برگردانیده‌ای و به سبب گناهانمان، ما را ترک کرده‌ای.

^۸ اما ای خداوند، تو پدر ما هستی. ما گل هستیم و تو کوزه‌گر. همه ما ساخته دست تو هستیم. ^۹ پس، ای خداوند، تا این حد بر ما خشمگین نباش و گناهان ما را تا به ابد بخاطر نسیار. بر ما نظر لطف بیانداز، زیرا ما قوم تو هستیم. ^{۱۰} شهرهای مقدس تو ویران شده‌اند. اورشلیم مانند بیابان متروک شده است. ^{۱۱} عبادتگاه مقدس و زیبای ما که اجدادمان در آن تو را عبادت می‌کردند، سوخته و تمام گنجینه‌های ما ازین رفته است. ^{۱۲} ای خداوند، آیا پس از اینهمه مصیبت باز

ساکت می‌مانی و می‌گذاری بیش از طاقت خود رنج بکشیم؟

مجازات یاغیان قوم اسرائیل

۶۵ خداوند می‌فرماید: «مردمی که قبلاً در پی شناخت من نبودند، اینک مرا می‌طلبند؛ و قومهایی که در صدد یافتن من نبودند، اکنون مرا پیدا کرده‌اند. ^۲ اما قوم خاص خودم که تمام مدت آغوشم برای پذیرفتن آنان باز بوده است، نسبت به من یاغی شده‌اند و به راههای کج خود می‌روند. ^۳ آنها دایم مرا خشمگین می‌سازند. در قربانگاههای باغهایشان به بتهای خویش قربانی تقدیم می‌کنند و برای آنها بخور می‌سوزانند. ^۴ شبها به قبرستانهای داخل غارها می‌روند تا ارواح مردگان را پرستش کنند. گوشت خوک و خوراکیهای حرام دیگر می‌خورند، ^۵ ولی به دیگران می‌گویند: به ما نزدیک نشوید، ما را نجس نکنید، ما از شما پاک‌تریم.» این مردم مرا از خود سخت بیزار کرده‌اند و به آتش خشم من دامن زده‌اند. ^۶ «حکم محکومیت این قوم در حضور من نوشته شده است. من دیگر تصمیم خود را گرفته‌ام و ساکت نخواهم نشست و آنان را به سزای اعمالشان خواهم رساند. ^۷ آنان را برای گناهیانی که خود و اجدادشان مرتکب شده‌اند مجازات خواهم کرد. آنان بر روی کوهها برای بتها بخور سوزانده‌اند و به من اهانت کرده‌اند. بنابراین، آنان را به سزای اعمالشان خواهم رساند.»

^۸ خداوند می‌فرماید: «هیچکس انگور خوب را از بین نمی‌برد، بلکه از آن شراب تهیه می‌کند. من هم تمام قوم خود را از بین نخواهم برد، بلکه کسانی را که مرا خدمت می‌کنند، حفظ خواهم کرد. ^۹ اسرائیلیهایی را که از قبیله یهودا هستند برکت خواهم داد و نسل آنان سرزمین کوهستانی مرا تصرف خواهند کرد. قوم برگزیده من که مرا خدمت می‌کنند در این سرزمین زندگی خواهند کرد. ^{۱۰} آنان مرا خواهند پرستید و بار دیگر گله‌های خود را در دشتهای شارون و دره عاکور خواهند چرانید.»

^{۱۱} اما خداوند به بقیه قوم خود که او را ترک

کرده‌اند. چنین می‌گوید: «شما عبادتگاه مرا بدست فراموشی سپرده‌اید و خدایان بخت» و «سرنوشت» را می‌پرستید.^{۱۲} پس بدانید که تیره بخت شده، به سرنوشت شومی دچار خواهید شد و از بین خواهید رفت! هنگامی که شما را صدا کردم جواب ندادید، و وقتی سخن گفتم گوش ندادید؛ بلکه عمداً آنچه را که در نظر من ناپسند بود انجام دادید.^{۱۳} بنابراین به شما می‌گویم که خدمتگزاران من سیر خواهند شد، ولی شما گرسنه خواهید ماند؛ آنان آب خواهند نوشید، اما شما تشنه خواهید بود؛ آنان شادی خواهند کرد، ولی شما غمگین و شرمنده خواهید شد؛^{۱۴} آنان از خوشحالی آواز خواهند خواند، اما شما از غم و ناراحتی فریاد خواهید زد.^{۱۵} نام شما در بین قوم من نامی ملعون خواهد بود. من که خداوند هستم شما را خواهم کشت و به خدمتگزاران راستین خود نامی جدید خواهم داد.»

خلقت جدید

^{۱۶} خداوند می‌فرماید: «روزی خواهد آمد که هر کس بخواهد برکتی بطلبد یا سوگندی یاد کند، تنها نام خدای حق را بر زبان خواهد راند. سختیهای گذشته بکلی فراموش شده، از بین خواهد رفت،^{۱۷} زیرا من زمین جدیدی می‌سازم. هر چه در گذشته بوده کاملاً فراموش شده، دیگر به یاد آورده نخواهد شد.^{۱۸} ای قوم من، از این آفرینش جدید، تا ابد شاد و مسرور باشید، زیرا اورشلیم را نیز از نو می‌آفرینم تا شهر شادی و سرور شما باشد.^{۱۹} من خود نیز برای وجود اورشلیم و ساکنانش شادی خواهم کرد. در آنجا دیگر صدای گریه و زاری شنیده نخواهد شد.^{۲۰} نوزادان دیگر در سن کم نخواهند مرد و صد سالگان جوان محسوب خواهند شد. تنها کسانی پیش از وقت خواهند مرد که گناه می‌کنند و زیر لعنت هستند.^{۲۱، ۲۲} در آن روزها، هر که خانه‌ای بسازد خود در آن ساکن خواهد شد و هر که باغ انگوری غرس کند خود از میوه آن خواهد خورد، زیرا دیگر خانه‌ها و باغهای انگور قوم من بدست دشمن نخواهد افتاد. ایشان مانند درختان، عمر طولانی خواهند کرد و از

خداوند قومها را داوری می‌کند

۶۶ خداوند می‌فرماید: «آسمان، تخت سلطنت من است و زمین، فرش زیر پای من! پس چه خانه‌ای می‌خواهید برای من بسازید تا در آن ساکن شوم؟^۱ دست من تمام این هستی را آفریده است. من نزد کسی ساکن می‌شوم که فروتن و توبه کار است و از کلام من می‌ترسد.

^۲ «اما من از آنان که به راه‌های خود می‌روند و گناهان خود را دوست می‌دارند، دور هستم و قربانی‌هایشان را قبول نمی‌کنم. این گونه افراد وقتی بر قربانگاه من گاوی قربانی می‌کنند، مانند آنست که انسانی را می‌کشند، و هنگامی که گوسفندی را ذبح می‌کنند، مانند آنست که سگی را قربانی می‌کنند. وقتی هدیه‌ای به من تقدیم می‌کنند مثل آنست که خون خوک را تقدیم می‌کنند، و وقتی بخور می‌سوزانند مانند آنست که بت را می‌پرستند.^۳ من نیز مصیبت‌هایی را که از آن وحشت دارند بر آنها عارض می‌کنم، زیرا وقتی آنان را خواندم جواب ندادند و هنگامی که با آنان صحبت کردم گوش ندادند، بلکه آنچه را که در نظر من ناپسند بود انجام دادند و آنچه را که نخواستم اختیار کردند.»

^۴ ای کسانی که از خداوند می‌ترسید و او را اطاعت می‌کنید، به کلام او گوش دهید. او می‌فرماید: «برادرانتان از شما نفرت دارند و شما را از خود می‌رانند، زیرا به من ایمان دارید. آنها شما را مسخره کرده، می‌گویند: «خداوند بزرگ است و سرانجام شما

را نجات خواهد داد و ما شادی شما را خواهیم دید! اما خود ایشان بزودی رسوا و سرافکنده خواهند شد. ^۶ در شهر چه غوغایی است؟ این چه صدایی است که از خانه خدا به گوش می‌رسد؟ این صدای خداوند است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد.

^{۷، ۸} خداوند می‌گوید: «چه کسی تابحال چنین چیز عجیبی دیده یا شنیده است که قومی ناگهان در یک روز متولد شود؟ اما قوم اسرائیل در یک روز متولد خواهد شد؛ اورشلیم حتی قبل از اینکه درد زایمانش شروع شود، فرزندان خود را بدنیا خواهد آورد. ^۹ آیا فکر می‌کنید که من قوم خود را تا به مرحله تولد می‌رسانم، اما او را همانجا رها می‌کنم تا متولد نشود؟ نه، هرگز!»

^{۱۰} ای همه کسانی که اورشلیم را دوست دارید و برایش سوگواری می‌کنید، اینک خوشحال باشید و با او به شادی بپردازید! ^{۱۱} مانند کودکی که از شیر مادر تغذیه می‌کند، شما نیز از وفور نعمت اورشلیم بهره مند خواهید شد و لذت خواهید برد. ^{۱۲} زیرا خداوند می‌گوید: «من صلح و سلامتی در اورشلیم پدید خواهم آورد و ثروت قومهای جهان را مانند رودخانه‌ای که آبش هرگز خشک نمی‌شود به آنجا سرازیر خواهم کرد. شما مانند کودکان شیرخوار، از اورشلیم تغذیه خواهید کرد و در آغوش او به خواب خواهید رفت و برزائانش نوازش خواهید شد. ^{۱۳} من مانند مادری که فرزندش را دلداری می‌دهد، شما را در اورشلیم تسلی خواهم داد. ^{۱۴} هنگامی که این رویدادها را ببینید، دل شما شاد خواهد شد و قوت و نشاط سراسر وجودتان را فرا خواهد گرفت. آنگاه خواهید فهمید من که خداوند هستم خدمتگزاران خود را یاری می‌دهم، اما با دشمنان خود با غضب رفتار می‌کنم.»

^{۱۵} اینک خداوند با آتش و با عرابه‌های تندرو می‌آید تا کسانی را که مورد غضب او هستند به سختی مجازات کند. ^{۱۶} او با آتش و شمشیر خود تمام مردم

گناهکار جهان را مجازات خواهد کرد و عده زیادی را خواهد کشت.

^{۱۷} خداوند می‌گوید: «کسانی که در باغهای خود، در پشت درختها بت می‌پرستند و گوشت خوک و موش و خوراکیهای حرام دیگر می‌خورند، هلاک خواهند شد. ^{۱۸} من از کارها و فکرهای آنان آگاهی کامل دارم. من می‌آیم تا همه قومها و نژادهای جهان را جمع کنم و ایشان را به اورشلیم بیاورم تا جلال مرا ببینند. ^{۱۹} در آنجا معجزه‌ای برضد آنان نشان خواهم داد و آنان را مجازات خواهم کرد. اما از بین ایشان عده‌ای را حفظ خواهم کرد و آنان را به سرزمینهای دور دست که هنوز نام مرا نشنیده‌اند و به قدرت و عظمت من پی نبرده‌اند خواهم فرستاد، یعنی به ترشیش، لیبی، لیدیه (که تیراندازان ماهر دارد)، توپال و یونان. آری، ایشان را به این سرزمینها خواهم فرستاد تا عظمت مرا به مردم آنجا اعلام کنند. ^{۲۰} سپس ایشان هموطنان شما را از آن سرزمینها جمع خواهند کرد و آنان را بر اسبها، عرابه‌ها، تختهای روان، قاطرها و شترها سوار کرده، به کوه مقدس من در اورشلیم خواهند آورد و به عنوان هدیه به من تقدیم خواهند کرد، همانگونه که بنی اسرائیل هدایای خود را در ظروف پاک به خانه من می‌آوردند و به من تقدیم می‌کردند. ^{۲۱} و من برخی از ایشان را کاهن و لایوی خود خواهم ساخت.»

^{۲۲} همانگونه که آسمانها و زمین جدیدی که من می‌سازم در حضور من پایدار می‌ماند. همچنان نسل شما و نام شما نیز پایدار خواهند ماند. ^{۲۳} همه مردم ماه به ماه و هفته به هفته به اورشلیم خواهند آمد تا مرا پرستش کنند. ^{۲۴} هنگامی که آنان اورشلیم را ترک می‌کنند، جنازه کسانی را که برضد من برخاسته بودند، ملاحظه خواهند کرد. کرمی که بدنهای آنها را می‌خورد هرگز نخواهد مرد و آتشی که ایشان را می‌سوزاند هرگز خاموش نخواهد شد. همه مردم با نفرت به آنان نگاه خواهند کرد.»